

۳۹۶



کيهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۳۰ دی ماه تا ۶ اسفند ماه (۱۴۰۱) خورشیدی

سال سی و نهم - شماره ۱۸۶۲

نه دایمی نه عمامه نه حجاب

انقلاب ملی در راه

سقوط نظام





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton
Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۶۲ (۳۹۶)

جمعه ۳۰ دی ماه تا ۶ اسفند ماه ۱۴۰۱

۲۰ تا ۲۶ ژانویه ۲۰۲۳



مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

**نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی
در دسترس خواهد بود**

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و یا مسئولیت دکتر ناصر حیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی،
تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne
Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی
سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب
را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london
و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های
زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

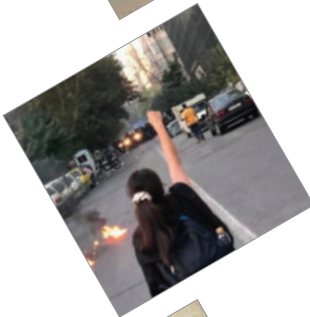
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

۴	 سرمقاله - خوش بود چون محک تجربه آید به میان / الاهی بقرات
۴-۵	 انقلاب ملی در راه سقوط نظام ... / روشنگر آسترکی و حامد محمدی
۶-۷	 «من و کالت می دهم»؛ حمایت ایرانیان از نقش رهبری شاهزاده رضا پهلوی ... /
۸-۹	 شاهزاده رضا پهلوی: تمامیت ارضی یک اصل است؛ با کسی تعارف نداریم! ... /
۱۰	 انقلاب زنان ایران و ضرورت حمایت ... / خالد احمد الطراح (روزنامه القبس)
۱۱	 بامن به جگران بیائید... (۳) ... / احمد احرار
۱۲-۱۳	 نکته‌هایی درباره «معمای هویدا» (۱) ... / منوچهر فرمانفرمائیان
۱۴	 بودجه عمرانی کشور در ۱۴۰۲ فقط برای نگهداری تأسیسات کافیست! ... /
۱۵	 سرنوشت مشترک رژیم‌های ایران و سوریه و روسیه ... /
۱۶-۱۷	 نگاهی به یک نظر سنجی علمی از ایرانیان ... / نادر صدیقی
۱۸	 رژیم ایران در تنگنای شکاف‌ها و یزش‌های درونی ... /
۱۹	 جمهوری اسلامی قاتل مردم ایران و شریک جرم روسیه در تجاوز به اوکراین ... /
۲۰	 افزایش بودجه نهادهای مذهبی و تبلیغات ایدئولوژیک در لایحه ۱۴۰۲ ... /
۲۱	 تهدید به اقدامات تروریستی برای اثبات تروریست نبودن سپاه پاسداران ... /
۲۲	 عمده کردن موضوع «حجاب» در برابر انقلاب سیاسی و اجتماعی علیه کل نظام ... /
۲۳	 افزایش حوادث در محیط کار؛ جان باختن ۱۷ کارگر در ۲۱ روز ... /
۲۴-۲۶	 «شنیده‌هایی از غزه» پروژه‌ای میدانی با انیمیشن از «مرکز ارتباطات صلح» که ... /
۲۷	 جواد روحی؛ محکوم به «سه بار اعدام» بدون اینکه کسی را کشته ... /
۲۸-۲۹	 ابعاد تازه پرونده سانجی درباره زنده بودن خدعه ... /
۲۹	 گردهمایی بزرگ ایرانیان در استراسبورگ: جای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ... /
۳۰-۳۱	 آشفته‌بازار بحران گاز؛ راهکارهای مرکز پژوهش‌ها و وعده ... /
۳۱	 وزرای خارجه آمریکا و انگلیس: مادر کنار مردم ایران استاده ایم ... /
۳۲	 پیام مردم ایران به مقامات اروپا با هشتگ «#IRGCTerrorists» ... /
۳۲-۳۳	 جایزه «ارزش شجاعت» ایتالیا به گوهر عشقی تعلق گرفت ... / احمد رأفت
۳۳	 رافائل گروسی در واتیکان پاپ فرانسیس را توجیه کرد ... /
۳۴	 یک دهه انتظاری حاصل جمهوری اسلامی برای گرفتن جنگنده‌های ... /
۳۴-۳۵	 مضحکه «شاهزاده قاجار» و جمهوری اسلامی؛ خاندان قاجار از آنها ... /
۳۵	 روزنامه «جوان»: نباید «باتوم» را کنار گذاشت! ... /
۳۶-۳۷	 بحران انرژی و «زمستان سخت» در ایران ... /
۳۷	 پارلمان اروپا قطعنامه قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست ... /
۳۸	 پشت جلد - عکس هفته / تظاهرات بزرگ ایرانیان در استراسبورگ روز ۱۶ ژانویه ۲۰۲۳

بازنشر

بازنشر



سرمقاله

خوش بود گر محک تجربه آید به میان

اینکه افراد و جریاناتی خود را نه بر اساس اثبات خویش و آنچه دارند بلکه بر مبنای نفی دیگری و آنچه نمی‌توانند باشند یا داشته باشند، تعریف می‌کنند، تنها در سیاست نمود پیدا نمی‌کند بلکه ناشی از آموزش و تربیت در محیط خانوادگی و اجتماعیت که فرهنگ آن خلاف پرورش فرد و شخصیت مستقل، به معنی پرسشگری، تأمل، آزمون و خطا و به نتیجه رسیدن، حرکت می‌کند. یعنی نمی‌تواند مثل کیان* کوچک و عاقل که در دنیای کوچک اختراعات خود با همه



آزمایش کیان پیرفلک

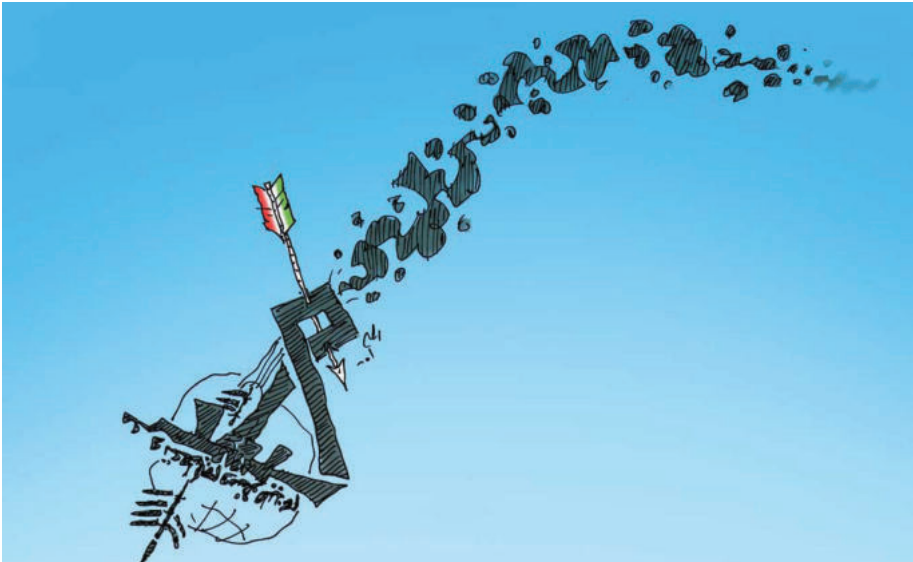
اینها سر و کار داشت در پایان بگوید: پس ما نتیجه می‌گیریم که این کار می‌کند! و یا نتیجه می‌گیریم که این کار نمی‌کند! حکایت جامعه سیاسی ایران که همچنان به زهر مهلک ارتجاع سرخ و سیاه آلوده است، از یکسو به کار نگرفتن فهم و خرد خود است، زیرا از دین و انواع ایدئولوژی چپ و راست تغذیه می‌کند و از سوی دیگر، به همین دلیل که حاضر و یا قادر نیست فهم و خرد خود را بر اساس تجربه و آزمون و خطا به کار بگیرد، هنوز بر افکار و تجربیات شکست‌خورده و ناکام اصرار می‌ورزد و نتیجه نمی‌گیرد که این کار نمی‌کند! نه تنها کار نمی‌کند، بلکه ملت و مملکتی را به فلاکت و نابودی همه‌جانبه کشانده است.

واکنشی که این روزها در ارتباط با شاهزاده رضا پهلوی از سوی وابستگان فکری ارتجاع سرخ و سیاه، از داخل جمهوری اسلامی تا قشری در خارج کشور که ظاهر از جمهوری اسلامی فرار کرده می‌بینیم، ناشی از فهم و خرد و تأمل و تجربه نیست بلکه واکنش بیمارگونه به شکست و ناکامی تاریخی و عدم جرأت و شهامت برای پذیرفتن این شکست است! از همین رو برخی با سخیف‌ترین برخوردها به «مقاومت» در برابر پذیرش تجربه‌ی ناکام خود و فهم و خرد دیگران می‌پردازند! آنها همانطور که سال‌ها مردم را برای «رأی دادن» به رژیمی جنایتکار و خائن فرا خوانده، و با «تکرار بلاهت» به «عبادت در گمان خود» می‌پرداختند* اکنون نیز برخلاف عبور جامعه از «کل نظام» و «فتنه‌۵۷» به عنوان «عامل هر فلاکت»، در تناقضی آشکار، با تلاش جهت حفظ «علت» یعنی انقلاب ۵۷، مدعی «مبارزه» با «معلول» یعنی جمهوری اسلامی هستند! به راستی، کدام فهم و خرد و چه کسانی، خواسته یا ناخواسته، در همگامی با حکومت اسلامی، در حالی که ملت و مملکت در بدترین شرایط بسر می‌برند، دست رد به تلاش‌ها و نقشه‌راهی شفاف از سوی شخصیتی می‌زنند که «می‌تواند» کشور را در پشت سر گذاشتن کابوس مرگبار جمهوری اسلامی یاری و هدایت کند تا جامعه در آزادی تصمیم بگیرد؟! آنهم در حالی که خودشان تجربه و راهی جز استمرار آنچه ایران را به این روز انداخته، نداشته و ندارند!

*غزلیات حافظ؛ خوش بود گر محک تجربه آید به میان/ تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد
*کیان پیرفلک کودک ۹ ساله که ۲۵ آبان ۱۴۰۱ با شلیک مستقیم مأموران در ایذه کشته شد.
*صادق سمد: ابلهان تکرار عادت می‌کنند/ در گمان خود عبادت می‌کنند!

تیتراول

انقلاب ملی در راه سقوط نظام



● با قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا، عزم مردم برای ایستادگی مقابل جمهوری اسلامی بیش از پیش جزم می‌شود به ویژه آنکه به تجربه می‌بینند که تغییر سیاست مداخلات غربی‌ها اینک با همبستگی و اتحاد آنها ممکن شده است.

تصور نمی‌کردند همین فاجعه آغازگر دور جدی اعتراضات مردم باشد. شامگاه ۲۵ شهریور با تجمع ده‌ها تن در مقابل بیمارستان «کسری» در تهران پس از انتشار خبر جان باختن مهسا و سپس اعتراضات شهروندان در سقز پس از خاکسپاری وی در ۲۶ شهریور نخستین جرقه اعتراضاتی سراسری بود که به سرعت در همه استان‌ها گسترده شد و حالا به عنوان انقلاب ملی شناخته و در تاریخ ایران ثبت خواهد شد.

اراده ملی برای سقوط نظام

طی چهار ماه گذشته جمهوری اسلامی انواع سرکوب وحشیانه و کشتار را علیه معترضان مرتکب شده اما نتوانسته اراده ملی برای تغییر حکومت را شکست دهد. بر اساس تازه‌ترین گزارش از سوی خبرگزاری «هرانا» از ابتدای اعتراضات تا ۲۸ دی، ۱۹ هزار و ۵۴۶ معترض به دست نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند که از سرنوشت بیش از ۱۴ هزار نفر از آنها اطلاعی در دست منابع حقوق بشری نیست. شمار جانب‌اختگان در طول چهار ماه گذشته ۵۲۴ تن بوده که ۷۱ تن کودکان زیر ۱۸ ساله بوده‌اند. همچنین تا کنون ۷۳۰ نفر از معترضان از دادگاه‌های اسلامی حکم دریافت کرده‌اند که ۱۰۷ نفر از آنها در معرض خطر اعدام هستند و در مجموع ۱۱ هزار و ۹۵۸ ماه حکم زندان علیه این معترضان صادر شده است.

جمهوری اسلامی تلاش‌های زیادی برای متوقف کردن اعتراضات انجام داد. از جمله قوه قضاییه اتهامات سنگین «محرابه»، «افساد فی الارض» و «بغی» را علیه بیش از ۱۰۰ تن از معترضان صادر و در این میان بیش از ۲۰ تن را به «اعدام» محکوم کرد. حکم اعدام محسن شکاری، مجیدرضا رهنورد، محمدمهدی کرمی و محمد حسینی در هفته‌های گذشته اجرا شد اما «قتل حکومتی» نتوانست مردم را عقب براند بلکه بر خشم و انزجار عمومی علیه جمهوری اسلامی افزود. بطوری که بر جمع معترضان و منتقدان افزوده شد و تعداد زیادی از وکلای دادگستری و اساتید حقوق را به دلیل دادگاه‌های ناعادلانه که حتی با قوانین فسل خود جمهوری اسلامی هم مغایرت دارند وادار به واکنش کرد.

انقلاب ملی علیه جمهوری اسلامی وارد پنجمین ماه شده است؛ اعتراضاتی که با جان باختن مهسا امینی از ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۱ آغاز شد با پایداری مردم، در شرایطی که حکومت انواع سرکوب وحشیانه و کشتار را علیه معترضان مرتکب می‌شود، به جنبشی انقلابی تبدیل شده است. ساختار پوسیده و ناکارآمد نظام نه تنها توان تغییر اراده ملت را ندارد بلکه توسعه فقر و فلاکت و تباهی روند فروپاشی حکومت را سرعت نیز می‌بخشد. در این میان، تلاش و مبارزه‌ی همسویی ایرانیان در داخل و خارج کشور توانسته جامعه جهانی را مبهوت این انقلاب آزادیخواهانه و مترقی کند و همراهی دولت‌های مهم جهان را با اعتراضات و حقوق آنها داشته باشد.

جمهوری اسلامی در آستانه ۴۴ سالگی روی کار آمدنش با یک خیزش انقلابی روبروست که نشانه‌های آن از هفتم آبان ۱۳۹۵ و حضور هزاران شهروند در پاسارگاد به مناسبت بزرگداشت کوروش دیده می‌شد. خیزشی که برخی از آن به عنوان رستاخیر ملی علیه ارتجاع سرخ و سیاه و همچنین انقلاب ملی در برابر انقلاب اسلامی یاد می‌کنند و در دی ۹۶ و امرداد ۹۷ و آبان ۹۸ ادامه یافت و در هر دوره گامی رو به جلو برداشت. از مدت‌ها پیش برخی تحلیلگران که وضعیت ایران را رصد می‌کنند معتقد بودند ظرفیت‌های یک موج عظیم علیه جمهوری اسلامی در جامعه سازمان یافته و هر لحظه احتمال دارد به خیابان سرازیر شود.

این ارزیابی در نهادهای امنیتی درون حاکمیت نیز وجود داشت. گزارش‌های درز شده از جلسات سران امنیتی طی سال گذشته و همچنین تلاش برای سناریوسازی علیه فعالان صنفی در بهار امسال که به بازداشت بیش از ۳۰ تن از فعالان کارگران و آموزگاران منتهی شد، و بازداشت حدود ۲۰ تن از اعضای خانواده‌های دادخواه آبان ۹۸ گواهی تلاش نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی برای جلوگیری از شکل گرفتن اعتراضاتی است که سرانجام روی داد.

از نیمه شهریور امسال که خبر به کما رفتن مهسا (ژینا) امینی دختر ۲۲ ساله در تهران به دلیل ضرب و جرح مأموران گشت و ارشاد منتشر شد، هیچکس از جمله نهادهای امنیتی

برگزاری صدها تجمع در بیش از ۱۵۰ کشور جهان توانسته‌اند حمایت موثری از مردم معترض درون کشور را به نمایش بگذارند.

از نتایج اعتراضات هماهنگ و همسو، حساس‌تر شدن جامعه جهانی نسبت به رویدادهای ایران و درخواست‌های مردم است. در پارلمان اروپا نمایندگان این مجلس علیه رژیم ایران و به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موضعی گرفتند که نشان می‌دهد آنها نیز به خواست مردم ایران مبنی بر «تغییر رژیم» توجه یافته‌اند. نتیجه آنکه روز پنجشنبه ۲۹ دی‌ماه پارلمان اروپا با وجود تهدیدات مقامات و فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی، با اکثریت آراء قطعنامه‌ی قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا را تصویب کرد.

پس از تصویب این قطعنامه حالا وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید گام نهایی را برای رسمیت بخشیدن به آن بردارند. این اقدام با استقبال گسترده از سوی مردم ایران مواجه شده است.

از سوی دیگر، وزارت خارجه اسرائیل در توییتی نوشت «همانطور که جمهوری اسلامی یک حکومت تروریستی است، سپاه پاسداران هم یک سازمان تروریستی است.»

هرچند برخی تحلیلگران معتقدند هنوز راهی دشوار تا قرار گرفتن کامل سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی باقی مانده اما در صورت نهایی شدن، این اقدام سنگین‌ترین ضربه به ماشین سرکوب جمهوری اسلامی خواهد بود زیرا بر اساس متن قطعنامه پارلمان اروپا نیز دو سوم اقتصاد ایران زیر سلطه سپاه قرار دارد که از آن برای تأمین تروریسم و سرکوب مردم بهره‌برداری می‌کند.

در این میان، ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نسبت به «عواقب» این اقدام هشدار داده و شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز از اقدامات تلافی‌جویانه از جمله هدف قرار دادن منافع اروپا و متحدانش صحبت کردند! اینهمه در حالیست که با قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا، عزم مردم برای ایستادگی مقابل جمهوری اسلامی بیش از پیش جزم می‌شود به ویژه آنکه به تجربه می‌بینند که تغییر سیاست مداخلات غربی‌ها اینک با همبستگی و اتحاد آنها ممکن شده است.

روشنک آسترکی و حامد محمدی

است. کمپین «من وکالت می‌دهم» که طی روزهای گذشته پس از گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با تلویزیون «منوتو» به راه افتاد، بیانگر آرایش جدیدیست که در میان مخالفان رژیم در حال شکل گرفتن است.

موضوع «اتحاد» و «ائتلاف» نیروهای اپوزیسیون به ویژه از چند هفته پیش مطرح شده بود و بر حضور شاهزاده رضا پهلوی نیز در کنار برخی افراد اصرار می‌شد که به عنوان شاخص‌ترین چهره‌ی مدافع دموکراسی و مخالف جمهوری اسلامی بار دیگر بر چهار اصل «سکولاریسم»، «تمامیت سرزمینی»، «دموکراسی» و «برگزاری انتخابات آزاد برای تعیین نوع نظام سیاسی» به عنوان اصلی‌ترین بستر هر اتحاد و ائتلافی تأکید نمود. او دوشنبه، ۲۶ دی، در گفتگو با تلویزیون «منوتو» با اعلام موضع شفاف نسبت به این شروط، در پاسخ به اینکه چرا بطور روشن نقش رهبری جنبش انقلابی را بر عهده نگرفته گفت: «هر نوع کاری که انجام می‌دهیم باید یک مبنای مشروعیت و یا یک نوع وکالتی از داخل ایران داشته باشد.»

هرچند پیشتر از سوی شماری از زندانیان سیاسی از جمله منوچهر بختیاری پدر دادخواه پویا بختیاری و همچنین در بیانیه‌هایی که از ایران منتشر می‌شد، موضوع وکالت و نمایندگی و مورد اعتماد بودن شاهزاده جهت پیگیری خواسته‌های مردم در مسیر براندازی و رهبری دوران گذار تا برگزاری referendum مطرح شده بود اما کمپین «من وکالت می‌دهم» در این روزها در حال شفاف کردن نظر بخشی از مردم با تکیه بر نقش و اعتماد عمومی به شاهزاده رضا پهلوی است.

به بیان دیگر تکرار مواضع روشن و صریح شاهزاده رضا پهلوی در گفتگوی اخیر با تلویزیون «منوتو» با توجه به شرایط داخلی و خارجی ایران و وضعیت نکیبت‌بار جمهوری اسلامی، روح تازه‌ای به روند همبستگی برای آزادی و آبادی ایران دمید و انگیزه‌ی مخاطبان را برای اعلام حمایت از شخصیت ملی و سیاسی که به وی اعتماد دارند بیش از پیش تقویت کرده است.

قرار دادن سپاه در فهرست تروریست‌ها: جایی که به آن تعلقی دارد!

از سوی دیگر ایرانیان خارج از کشور طی چهار ماه گذشته با

نهادهای امنیتی همچنین با بازداشت سازمانیافته فعالان سیاسی، دانشجویی، مدنی، صنفی و هنرمندان تلاش کرد افرادی را که احتمالاً بتوانند به عنوان حلقه‌های واسط میان جریان‌های سیاسی و مدنی ایفای نقش کنند به زندان انداخت تا ارتباط آنها را با جامعه قطع کند. حذف نیروهایی که امکان سازماندهی یا تهیه خوراک فکری برای بخش‌ها و اقشار مختلف را دارند اما شکست خورده است. در این جنبش انقلابی هماهنگی و همسویی کارآمدی میان ایرانیان درون‌مرز و برون‌مرز ایجاد شده است. نیروهای سیاسی در اپوزیسیون تلاش دارند خلاء ایجاد شده با بازداشت نیروهای سیاسی و مدنی درون کشور را پر کنند. در این مسیر، به ویژه تشکیل سازمان‌های سیاسی جدید از جمله «حزب ایران نوین» و «سازمان مشروطه ایران» که توسط فعالان سیاسی جوان و تازه‌نفس اپوزیسیون تأسیس شده‌اند، با توجه به ارتباط و شناخت بیشتر این جوانان از جامعه امروز ایران و مناسبات جمهوری اسلامی، می‌تواند راهگشا باشد.

اینهمه در حالیست که ساختار ناکارآمد و فاسد و تهاکار جمهوری اسلامی نیز مسیر فروپاشی آنرا سرعت می‌بخشد. بحران‌های اقتصادی عمیق که از رکود تورمی و گرانی ادامه داشته و در لایحه بودجه ۱۴۰۲ که در حال بررسی در مجلس شورای اسلامی نیز نمایان شده و همگی از گسترش فقر و فلاکت بیشتر در ماه‌های آینده حکایت دارند. از سوی دیگر ناکارآمدی ساختاری نظام چنان عریان شده که مردم ایران در حالی که بر یکی از بزرگترین ذخایر گاز جهان نشسته‌اند، با قطع گاز و برق و آلودگی هوا و سرما دست و پنجه نرم می‌کنند. در بسیاری مناطق مردم برای خرید یک پیت نفت یا یک کیسول گاز ساعت‌ها زیر برف و باران و سرما معطل می‌مانند. فساد بی‌پایان اداری و اختلاس و رانت، کمبود دارو و غذا، تعطیلی یکی پس از دیگری واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی، موج بزرگ مهاجرت سرمایه انسانی از کشور از جمله نشانه‌های دیگر تباهی بی‌پایان جمهوری اسلامی است که همگی عوامل موثری بر تقویت اراده مردم برای پیشبرد انقلاب ملی به شمار می‌روند.

روح تازه در روند همبستگی برای آزادی و آبادی ایران
از سوی دیگر وارد شدن اعتراضات مردمی در ایران به مرحله جنبش انقلابی تغییرات دیگری نیز در اپوزیسیون ایجاد کرده



«من وکالت می‌دهم»؛ حمایت ایرانیان از نقش رهبری شاهزاده رضا پهلوی برای رسیدن به ایران آزاد و آباد

هشتک «من وکالت می‌دهم» در جریان است و از روز گذشته ده‌ها هزار شهروند با استفاده از این هشتک‌ها شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان فرد مورد اعتماد و شایسته برای رهبری جنبش ملی علیه جمهوری اسلامی و سپری شدن دوران گذار و تشکیل مجلس مؤسسان و برگزاری رفراندوم عنوان کرده‌اند.

علی کریمی در توییتی نوشت: «من وکالت می‌دهم به شاهزاده رضا پهلوی، برای دوران گذار از رژیم بچه‌کش و یک رفراندوم آزاد برای ایرانی آزاد و آباد».

حامد نیک‌پی، نوازنده، آهنگساز و خواننده ایرانی، با انتشار توییتی حمایت خود را از وکالت به شاهزاده رضا پهلوی اعلام کرد: «برای رسیدن به رفراندوم آزاد در ایرانی آباد، من وکالت می‌دهم به شاهزاده رضا پهلوی».

احسان کرمی بازیگر و مجری با انتشار یک توییت اعلام کرد به شاهزاده رضا پهلوی وکالت می‌دهد: «با توجه به تاکیدات جناب آقای رضا پهلوی مبنی بر حفظ یکپارچگی ایران، احترام به آزادی عقاید گوناگون در عین دوری از سازمان منفور مجاهدین خلق، به عنوان یک فرد، برای پیگیری مطالبات آزادیخواهانه در جهت تشکیل حکومتی دموکراتیک در ایران به ایشان وکالت می‌دهم».

مهرزاد زارعی پدر آزاد و از خانواده‌های دادخواه پرواز ۷۵۲ نیز با انتشار توییتی نوشت: «من وکالت می‌دهم به شاهزاده رضا پهلوی، برای دوران گذار و سرنوشتی رژیم کودک‌کش و برای ایرانی آزاد و آباد».

همچنین کارزاری اینترنتی برای وکالت به شاهزاده رضا پهلوی از سوی احسان کرمی در دسترس عموم قرار گرفته که تا زمان تنظیم این گزارش بیش از ۸۵ هزار نفر در کمتر از ۲۴ ساعت آن را امضا کرده‌اند.

هشتک #من_وکالت_می‌دهم با ده‌ها هزار انتشار در توییتر ترند شده است. همچنین این روزها دو هشتک [RezaPahlavi#](#) و [RezaShahTheSecond#](#) از جمله هشتک‌های ترند در توییتر هستند. هشتک [IRGCterrorrists#](#) نیز که در حمایت از قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار می‌گیرد ترند شده و چند روز است در صدر هشتک‌ها قرار دارد.

گفتنی است که پیشتر و از ماه‌ها پیش شماری از زندانیان سیاسی از درون ایران موضوع «وکالت» و «رأی اعتماد» به شاهزاده رضا پهلوی را مطرح کرده بودند. یکی از سرشناس‌ترین زندانیان سیاسی منوچهر بختیاری پدر پویا از جانب‌باختگان کشتار آبان ۹۸ است که در خرداد ۱۴۰۱ تقریباً سه ماه پیش از آنکه جنبش انقلابی مردم ایران برای آزادی پس از قتل حکومتی مهسا امینی در اواخر شهریورماه آغاز شود، در پیام صوتی از زندان اعلام کرد: «حال که رژیم در سراسرییی سقوط قرار گرفته و همه اقشار ملت با اراده قوی، استوار، همدل، هم‌صدا، یکپارچه و متحد، راه نجات خود را تغییر رژیم قرار داده‌اند #شاهزاده_رضا_پهلوی را به عنوان وکیل و نماینده انتخاب می‌کنم».

همچنین مهدی مسکین‌نواز زندانی سیاسی از زندان «رجایی‌شهر» کرج نیز با ارسال یک پیام صوتی اعلام کرد که برای رسیدن به دموکراسی «رأی اعتماد» خود را به شاهزاده رضا پهلوی می‌دهد.



طرح از قلمفرسا

هستند و از تجزیه‌طلبی حمایت می‌کنند و یا به اقدامات تروریستی باور دارند، کاملاً شفاف اعلام موضع کرد. او با تکیه بر اصولی چون دموکراسی، حقوق بشر، جدایی دین و دولت، و همچنین باورمندی به تمامیت ارضی و یکپارچگی ملی به عنوان پیش‌شرط‌های هر همکاری در قالب اپوزیسیون گفت: «نیروهای دموکراسی‌خواه واقعی که در رفتار و منش تمام اصول شفافیت و دموکراتیک را پذیرا هستند و خط قرمز یکپارچگی ایران را زیر پا نگذارند، جزوی از همکاری هستند و جریان‌ات غیردموکراتیک با جریان‌ات تجزیه‌طلب جزو همکاری نمی‌توانند باشند».

او همچنین در ارتباط با تجزیه‌طلبی و اصل تمامیت ارضی به سنجاق نقشه ایران که همواره به یقه کت دارد اشاره کرد و گفت: «این ایران من است. آذربایجان جزوش است، بلوچستان جزوش است، کردستان جزوش است، خوزستان جزوش است، یک وجب از این خاک جابجا شود، آن ایران دیگر ایران من نیست».

ساعاتی بعد از پخش این گفتگو شمار زیادی از شهروندان از جمله هنرمندان با انتشار مطالبی در توییتر و اینستاگرام اعلام کردند به شاهزاده رضا پهلوی برای رهبری مسیر مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران علیه جمهوری اسلامی «وکالت» می‌دهند.

علی کریمی فوتبالیست، حمید طالب‌زاده خواننده، برزو ارجمند بازیگر، حمید فرخ‌نژاد بازیگر، روناک یونسی بازیگر و فعال مدنی، احسان کرمی مجری و بازیگر، پرستو صالحی بازیگر، حامد نیک‌پی آهنگساز و خواننده از جمله چهره‌های سرشناس هستند که در کنار صدها فعال سیاسی و مدنی و شهروندانی که از داخل و خارج در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند، به شاهزاده رضا پهلوی برای هدایت این مسیر وکالت داده‌اند.

کارزار وکالت دادن به شاهزاده رضا پهلوی با استفاده از

شمار زیادی از شهروندان از جمله هنرمندان با انتشار مطالبی در توییتر و اینستاگرام اعلام کردند به شاهزاده رضا پهلوی برای رهبری مسیر مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران علیه جمهوری اسلامی «وکالت» می‌دهند.

کارزاری اینترنتی برای وکالت به شاهزاده رضا پهلوی از سوی احسان کرمی در دسترس عموم قرار گرفته که تا زمان تنظیم این گزارش بیش از ۸۵ هزار نفر در کمتر از ۲۴ ساعت آن را امضا کرده‌اند.

هشتک #من_وکالت_می‌دهم با هزاران بار انتشار در توییتر ترند شده. دو هشتک [RezaPahlavi#](#) و [RezaShahTheSecond#](#) در کنار از جمله هشتک‌های ترند در توییتر هستند.

هشتک [IRGCterrorrists#](#) نیز که در حمایت از قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا مورد استفاده قرار می‌گیرد ترند شده و چند روز است در صدر هشتک‌ها قرار دارد.

شاهزاده رضا پهلوی شامگاه دوشنبه در گفتگو با شبکه «منوتو» در پاسخ به اینکه چرا بطور روشن نقش رهبری جنبش انقلابی را بر عهده نگرفته گفت: «هر نوع کاری که انجام می‌دهیم باید یک مبنای مشروعیت و یا یک نوع وکالتی از داخل ایران داشته باشد».

گفتنی است که پیشتر و از ماه‌ها پیش از آغاز خیزش انقلابی اخیر، شماری از زندانیان سیاسی از درون ایران موضوع «وکالت» و «رأی اعتماد» به شاهزاده رضا پهلوی را مطرح و در همین ارتباط پیام‌های صوتی ارسال کرده بودند. اینهمه به روشنی نشان می‌دهد آنچه در حال حاضر شکل گرفته در یک روند و با پیشینه‌ای جریان یافته که قلب و مغز آن در جنبش آزادیخواهی داخل کشور می‌تپد و فعال است. تکرار مواضع روشن و صریح شاهزاده رضا پهلوی در گفتگوی اخیر با تلویزیون «منوتو» با توجه به شرایط داخلی و خارجی ایران و وضعیت نکت‌بار جمهوری اسلامی، روح تازه‌ای به روند همبستگی برای آزادی و آبادی ایران دمید و انگیزه‌ی مخاطبان را برای اعلام حمایت از شخصیت ملی و سیاسی که به وی اعتماد دارند بیش از پیش تقویت کرد. یک روز پس از پخش مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی با شبکه تلویزیونی «منوتو» شمار زیادی از ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی از نقش رهبری شاهزاده رضا پهلوی در مسیر مبارزات ملی برای سرنوشتی جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان و انجام رفراندوم برای تعیین شکل نظام حمایت کردند.

شاهزاده رضا پهلوی شامگاه دوشنبه ۲۶ دی ۱۴۰۱ درست ۴۴ سال پس از آنکه محمدرشاه پهلوی ایران را در پاسخ به اعتراضات سال ۵۷ ترک کرد، در یک گفتگوی اختصاصی با تنیا قاضی مراد سردبیر برنامه «اتاق خبر» تلویزیون «منوتو» ارزیابی خود را از چهار ماه خیزش انقلابی مردم ایران تشریح کرد و در پاسخ به اینکه چرا بطور روشن نقش رهبری جنبش انقلابی را بر عهده نگرفته گفت: «هر نوع کاری که انجام می‌دهیم باید یک مبنای مشروعیت و یا یک نوع وکالتی از داخل ایران داشته باشد».

شاهزاده رضا پهلوی درباره احزاب و گروه‌هایی که در قالب اپوزیسیون جمهوری اسلامی فعال هستند اما بطور مستقیم یا غیرمستقیم، پیدا و پنهان، به دنبال تجزیه کشور

شاهزاده رضا پهلوی درباره فریاد زدن نام خاندان پهلوی و خواسته بازگشت پادشاه به ایران در شعارهای مردم در طول اعتراضات اخیر و سالهای گذشته گفت: «من فکر می‌کنم من نقش خود را ایفا می‌کنم اما دقیقاً به دلیل همین اعتمادی که از سوی مردم است باید بتوانم یک بی‌طرفی و یک جدایی کامل از هر نوع کار تشکیلاتی داشته باشم؛



به منظور اینکه اگر یک کمک‌کننده همسویی و همکاری است، درگیر جدل‌ها و موضع‌گیری‌های حزبی یا عقیدتی نشوم. این اعتماد مردم به این خاطرست که می‌توانند باور داشته باشند که یک نفر را دارند که بی‌طرف نگاه می‌کند و هیچ جریانی برایش ارجحیت بر دیگری ندارد. ما باید با فرهنگ همفکری و همکاری در این مرحله از زمان پیش برویم. شکی نیست که اختلاف سلیقه وجود دارد و به همین دلیل است که ما نیازمند مجلس موسسانی هستیم که فراتر از حکومت هر جریانی، اساس تئوری حاکمیت را در آنجا با وجود اختلافات بحث کنند و پیش ببرند.»

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه توضیح درباره نقش خودش در این مرحله افزود: «من تنها نقشی که در این مرحله برای خودم می‌بینم رسیدن به مرحله فروپاشی و گذار از جمهوری اسلامی و تمام شرایط گذار است که من همیشه گفتم در شرایط گذار هم من نقش خودم را برای پشتیبانی انجام خواهم داد. چون مردم حق دارند نگران باشند که آیا در فردای فروپاشی، چیزی هست که خلاء [قدرت] را پر کند؟» شاهزاده رضا پهلوی در بخش دیگری از این گفتگوی مهم درباره اینکه با توجه به اعتماد عمومی نسبت به خود وی، آیا وقت آن نرسیده که او نقش بارزتری به عنوان رهبر و هماهنگ کننده جریانات به عهده بگیرد، گفت: «هر نوع کاری که انجام می‌دهیم باید یک مبنای مشروعیت و یا یک نوع وکالتی از داخل ایران داشته باشد. خیلی ساده بگویم، فردا فرض بفرمایید من بتوانم با دیگرانی که در این مسیر با هم همراه و همسو هستیم با یکسری شخصیت‌های سیاسی دیدار کنم؛ اولین سوالشان این خواهد بود که شما به نمایندگی چی اینجا حضور پیدا کردید! هر کاری که بخواهیم انجام دهیم باید مبنای مقبولیت از داخل داشته باشد. این بایستی بیشتر بیان شود و بیشتر در عمل دیده شود. چون اگر قرار باشد فردا از جانب هم‌میهنان در صحنه بین‌المللی رایزنی لازم را انجام دهیم، باید بتوانیم بگوییم این حرفی که می‌زنیم پشتیبان‌اش زندانیان سیاسی، فعالان مدنی، جریانات فکری و سیاسی داخل کشور هستند و آنها به ما این امکان را داده‌اند که از طرف آنها نمایندگی کنیم.»

«اتاق خبر» تلویزیون «منوتو»، آنچه را طی چهار ماه گذشته در ایران جریان یافته یک انقلاب نوین با نگاهی رو به آینده و دارای یک تفکر مدرن برای آزادی و برابری ارزیابی کرد. او ایران را نمونه کشوری دانست که از دید ترقی تمدنی در قرن بیست و یکم به مرحله‌ای رسیده که تعریف‌اش از آینده چیزی جز برابری و آزادی نیست و به همین دلیل آن



را در تمام شعارهایی که مردم سر می‌دهند و در همبستگی ملی که در چهار گوشه مملکت شکل گرفته می‌توان دید و این موضوع واقعا بی‌سابقه است؛ چه در تاریخ ایران و چه در هر انقلاب نوینی که در دهه‌های اخیر مشاهده کردیم. شاهزاده رضا پهلوی خطاب به مردم درون کشور گفت که می‌داند چقدر سختی کشیده‌اند، می‌داند این سال‌ها چقدر طاقت‌فرسا بوده اما واکنش‌های جهانی همه علائم مثبت است و باید با تمرکزی روی همین نکات مثبت بنا کرد و پیش رفت. وی افزود، همین علائم بازی را عوض خواهد کرد. واقعا اکنون به این فرصت رسیده‌ایم و واقعا نوبت ایران رسیده است. نه فقط به خاطر ایران؛ چون همگی الان فهمیده‌اند که ایران تحت لوای جمهوری اسلامی یک مشکل فراتر از منطقه و معضلی جهانی است. بنابراین دنیا دیگر نمی‌تواند بهانه بیاورد که ما راه حلی غیر از اینکه با جمهوری اسلامی سر و کله بزنیم و یا سازش کنیم نداریم؛ چنین دیدگاهی را نه ایران قبول خواهد کرد و نه مردم ایران. شاهزاده درباره «چشم‌انداز برای آینده این جنبش ملی» گفت هیچ راه حل دیگری جز این برای هموطنانمان وجود ندارد؛ چه از نظر خیرشی که مردم انجام دادند و چه کاری که رژیم انجام داد؛ یعنی قفلی که چهار دهه مملکت ما را درگیر کرده بود، همگان از آن عبور کردند. ما تنها می‌توانیم به این فکر باشیم که چگونه در فردای فروپاشی نظام، انتقال صحیحی از قدرت فعلی به قدرت بعدی حکومت آینده داشته باشیم؛ بر مبنای اصولی که نه تنها جهانشمول است بلکه خواست کلیدی اکثر نیروهای مملکت، به ویژه نیروهای سکولاردموکراتیک است؛ در تعریف حقوق بشر، تمامیت ارضی ایران، سکولاریسم و جدایی دین از حکومت به عنوان پیش‌شرط برای آینده سیاسی کشور است. هدف همه ما در این مرحله مبارزه، رسیدن به وضعیتی است که بتوانیم یک سناریوی پیروزی را ارائه دهیم که فراتر از تغییر نظام باشد و برسیم به جایی که ملت ایران بتواند سرنوشت خودش را با انتخابات آزاد با نمایندگان خودش در مجلسی که همه مسائل را رسیدگی و راه حل نهایی را به جامعه ارائه دهد، تعیین کند.

علی موسی نژاد فرکوش از امضاکنندگان بیانیه ۴۰۱، زندانی سیاسی دیگری بود که با ارسال پیام از زندان «رجایی‌شهر» با پشتیبانی از مواضع شاهزاده رضا پهلوی اعلام کرد «آقای رضا پهلوی دغدغه همه شما را دارد؛ آزادی و پیروزی ایرانیان در گرو اتحاد و همدلی است!» رضا محمدحسینی یکی دیگر از زندانیان سیاسی نیز همان



زمان با یک پیام صوتی از زندان در آنچه با عنوان «کمپین رأی اعتماد» شکل گرفته بود، گفت: «من به شاهزاده رضا پهلوی برای رهبری مبارزات مسالمت‌آمیز مردم ایران جهت دستیابی به آزادی و دموکراسی رأی اعتماد می‌دهم. اتحاد امروز ما ضامن آزادی فردای ماست.» همچنین عبدالرسول مرتضوی از امضاکنندگان بیانیه ۱۴ نفر از زندان با ارسال پیام صوتی از این کمپین حمایت کرده و رأی اعتماد خود را به عنوان وکیل به شاهزاده رضا پهلوی داد.

پس از آن در ۱۸ تیرماه به مناسبت سالگرد مبارزات دانشجویی سال ۱۳۷۸ و فاجعه کوی دانشگاه در تهران، ۲۸۵ تن از دانشجویان دانشگاه‌های ایران و آلمان در نامه‌ای اعلام کردند: «ما امضاکنندگان این نامه ضمن گرامیداشت یاد و خاطره همه‌ی جانب‌اختگان راه آزادی در ایران اعلام می‌کنیم که شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان نمادی ملی در جریان گذار از جمهوری جهل و ظلم اسلامی، به رسمیت می‌شناسیم؛ به او اعتماد داریم و از او حمایت می‌کنیم.» چند ماه بعد، پس از آغاز خیزش انقلابی و آزادخواهانه مردم ایران، در ۲۸ مهرماه ۱۴۰۱ بیانیه‌ای از سوی ۱۱۱۵ معترض امضا و منتشر شد که در آن به نقش «شاهزاده رضا پهلوی و شهبانو فرح پهلوی به عنوان رهبران اصلی مخالفان جمهوری اسلامی» اشاره شده و از آنها به عنوان «تکیه‌گاه قابل اعتماد برای دوران گذار» یاد شده است. کمی بعد شماری از امضاکنندگان این بیانیه در ایران دستگیر شدند. اینهمه به روشنی نشان می‌دهد آنچه در حال حاضر شکل گرفته در یک روند و با پیشینه‌ای جریان یافته که قلب و مغز آن در جنبش آزادخواهی داخل کشور می‌تپد و فعال است. تکرار مواضع روشن و صریح شاهزاده رضا پهلوی در گفتگوی اخیر با تلویزیون «منوتو» با توجه به شرایط داخلی و خارجی ایران و وضعیت نکت‌بار جمهوری اسلامی، روح تازه‌ای به روند همبستگی برای آزادی و آبادی ایران دمید و انگیزه‌ی مخاطبان را برای اعلام حمایت از شخصیت ملی و سیاسی که به وی اعتماد دارند بیش از پیش تقویت کرد. شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با تینا قاضی مراد سردبیر

شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با تلویزیون «منوتو»: تمامیت ارضی یک اصل است؛ با کسی تعارف نداریم!



هماهنگ شوند اما با توجه به فضای درون کشور این کار برایشان مشکل است که به شکل بارز این کار را انجام دهند و بنابراین ابتدای کار مقدار زیادی متکی هستند به یک مکانیزم هماهنگی در خارج کشور که توأمان با همکاری با داخل بتواند این مرحله از همکاری را ارائه دهد؛ چه در رابطه با اقدامات داخل کشور و چه در راینی‌های بین المللی و به‌خصوص معرفی یک مکانیزم آلت‌رناتیو دموکراتیک آینده ایرانیان به جهانیان به ویژه به مسئولان کشورهای کلیدی.»

شاهزاده رضا پهلوی درباره فریاد زدن نام خاندان پهلوی و خواسته بازگشت پادشاه به ایران در شعارهای مردم در طول اعتراضات اخیر و سال‌های گذشته گفت: «من فکر می‌کنم من نقش خودم را ایفا می‌کنم اما دقیقاً به دلیل همین اعتمادی که از سوی مردم است باید بتوانم یک بی‌طرفی و یک جدایی کامل از هر نوع کار تشکیلاتی داشته باشم؛ به منظور اینکه اگر یک کمک‌کننده همسویی و همکاری است، درگیر جدل‌ها و موضع‌گیری‌های حزبی یا عقیدتی نشوم. این اعتماد مردم به این خاطرست که می‌توانند باور داشته باشند که یک نفر را دارند که بی‌طرف نگاه می‌کند و هیچ جریانی برایش ارجحیت بر دیگری ندارد. ما باید با فرهنگ همفکری و همکاری در این مرحله از زمان پیش برویم. شکی نیست که اختلاف سلیقه وجود دارد و به همین دلیل است که ما نیازمند مجلس موسسانی هستیم که فراتر از حکومت هر جریانی، اساس تئوری حاکمیت را در آنجا با وجود اختلافات بحث کنند و پیش ببرند.»

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه توضیح درباره نقش خودش در این مرحله افزود: «من تنها نقشی که در این مرحله برای خودم می‌بینم رسیدن به مرحله فروپاشی و گذار از جمهوری اسلامی و تمام شرایط گذار است که من همیشه گفتم در شرایط گذار هم من نقش خودم را برای پشتیبانی انجام خواهم داد. چون مردم حق دارند نگران باشند که آیا در فردای فروپاشی، چیزی هست که خلاء [قدرت] را پر کند؟» شاهزاده رضا پهلوی درباره شروط همکاری و همفکری جریانات سیاسی و در پاسخ به این پرسش که احزابی وجود دارند که شرط ائتلاف و همکاری را پذیرش «کثیرالملله»

شاهزاده رضا پهلوی خطاب به مردم درون کشور گفت که می‌داند چقدر سختی کشیده‌اند، می‌داند این سال‌ها چقدر طاقت فرسا بوده اما واکنش‌های جهانی همه علائم مثبت است و باید با تمرکزی روی همین نکات مثبت بنا کرد و پیش رفت. وی افزود، همین علائم بازی را عوض خواهد کرد. واقعاً اکنون به این فرصت رسیده‌ایم و واقعاً نوبت ایران رسیده است. نه فقط به خاطر ایران؛ چون همگی الان فهمیده‌اند که ایران تحت لوای جمهوری اسلامی یک مشکل فراتر از منطقه و معضلی جهانی است. بنابراین دنیا دیگر نمی‌تواند بهانه بیاورد که ما راه حلی غیر از اینکه با جمهوری اسلامی سر و کله بزنیم و یا سازش کنیم نداریم؛ چنین دیدگاهی را نه ایران قبول خواهد کرد و نه مردم ایران. شاهزاده درباره «چشم‌انداز برای آینده این جنبش ملی» گفت هیچ راه حل دیگری جز این برای هموطنان‌مان وجود ندارد؛ چه از نظر خیرشی که مردم انجام دادند و چه کاری که رژیم انجام داده؛ یعنی قفلی که چهار دهه مملکت ما را درگیر کرده بود، همگان از آن عبور کردند. ما تنها می‌توانیم به این فکر باشیم که چگونه در فردای فروپاشی نظام، انتقال صحیحی از قدرت فعلی به قدرت بعدی حکومت آینده داشته باشیم؛ بر مبنای اصولی که نه تنها جهانشمول است بلکه خواست کلیدی اکثر نیروهای مملکت، به ویژه نیروهای سکولار دموکراتیک است؛ در تعریف حقوق بشر، تمامیت ارضی ایران، سکولاریسم و جدایی دین از حکومت به عنوان پیش‌شرط برای آینده سیاسی کشور است. هدف همه ما در این مرحله مبارزه، رسیدن به وضعیتی است که بتوانیم یک سناریوی پیروزی را ارائه دهیم که فراتر از تغییر نظام باشد و برسم به جایی که ملت ایران بتواند سرنوشت خودش را با انتخابات آزاد با نمایندگان خودش در مجلسی که همه مسائل را رسیدگی و راه حل نهایی را به جامعه ارائه دهد، تعیین کند.

شاهزاده در ادامه افزود «ما نباید این انتظار را داشته باشیم که کسی در رأس یک هرم تمام استراتژی و راهکارها را در یک مجموعه خیلی متمرکز ارائه دهد. آنچه من در عمل مشاهده می‌کنم و یا مدام با دوستان درون و خارج کشور گفتگو داریم، اینست که نیروها در داخل کشور باید

● شاهزاده رضا پهلوی خطاب به مردم درون کشور گفت که می‌داند چقدر سختی کشیده‌اند، می‌داند چقدر این سال‌ها طاقت فرسا بوده اما واکنش‌های جهانی همه علائم مثبت است و باید با تمرکزی روی همین نکات مثبت بنا کرد و پیش رفت.

● شاهزاده رضا پهلوی با بیان اینکه اکنون «نوبت ایران رسیده است» گفت: قفلی که چهار دهه مملکت ما را درگیر کرده بود، همگان از آن عبور کردند. ما تنها می‌توانیم به این فکر باشیم که چگونه در فردای فروپاشی نظام، انتقال صحیحی از قدرت فعلی به قدرت بعدی حکومت آینده داشته باشیم.

● شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با تجزیه‌طلبی و اصل تمامیت ارضی به سنجاق نقشه ایران که همواره به یقه کت دارد اشاره کرد و گفت: «این ایران من است. آذربایجان جزوش است، بلوچستان جزوش است، کردستان جزوش است، خوزستان جزوش است، یک وجب از این خاک جابجا شود، آن ایران دیگر ایران من نیست.»

● «نیروهای دموکراسی‌خواه واقعی که در رفتار و منش تمام اصول شفافیت و دموکراتیک را پذیرا هستند و خط قرمز یکپارچگی ایران را زیر پا نگذارند، جزوی از همکاری هستند و جریانات غیردموکراتیک یا جریانات تجزیه‌طلب جزو همکاری نمی‌توانند باشند.»

شاهزاده رضا پهلوی در یک گفتگوی اختصاصی با تنیا قاضی مراد سردبیر برنامه «اتاق خبر» تلویزیون «منوتو» ارزیابی خود را از چهار ماه خیزش انقلابی مردم ایران تشریح کرد و با بیان اصول همکاری نیروها و جریانات اپوزیسیون برای کمک به انقلاب ملی تأکید نمود تمامیت ارضی ایران یک اصل است. او همچنین همصدایی و همکاری جریانات و احزاب سیاسی به دور از رقابت را راهکاری مهم جهت پیشبرد انقلاب آزادیخواهی ملت ایران و عبور از جمهوری اسلامی دانست.

در این گفتگو شاهزاده رضا پهلوی در پاسخ به پرسش‌های تنیا قاضی مراد سردبیر «اتاق خبر» تلویزیون «منوتو»، آنچه را طی چهار ماه گذشته در ایران جریان یافته یک انقلاب نوین با نگاهی رو به آینده و دارای یک تفکر مدرن برای آزادی و برابری ارزیابی کرد.

او ایران را نمونه کشوری دانست که از دید ترقی تمدنی در قرن بیست و یکم به مرحله‌ای رسیده که تعریف‌اش از آینده چیزی جز برابری و آزادی نیست و به همین دلیل آن را در تمام شعارهایی که مردم سر می‌دهند و در همبستگی ملی که در چهار گوشه مملکت شکل گرفته می‌توان دید و این موضوع واقعاً بی‌سابقه است؛ چه در تاریخ ایران و چه در هر انقلاب نوینی که در دهه‌های اخیر مشاهده کردیم. شاهزاده رضا پهلوی در ادامه این گفتگو با تأکید بر اینکه ما می‌توانیم دنیا را تکان دهیم و دنیا را وادار به پاسخگویی کنیم، و با اشاره به اعتراضات گسترده‌ای که ایرانیان خارج کشور در حمایت از مردم درون کشور انجام داده و می‌دهند گفت حتی پارلمان اروپا امروز می‌داند اعتراضات و خواسته‌های ایرانیان از آنها، دیگر فقط مربوط به یک الیت سیاسی برون‌مرزی نیست و اینهمه را در خیابان‌های ایران می‌بینند و به‌روز هستند.

باشد، در فردای این فرزندم که شکل نظام هم تعیین شد، در روند نرمالیزاسیون به دو مرحله می‌رسیم: انتخابات نمایندگان مجلس و بعد انتخابات تشکیل دولت. آن موقع اگر احزاب نباشند، کدام انتخابات می‌تواند برگزار شود؟! من سال‌هاست که می‌گویم از هم‌اکنون باید به فکر پایه‌گذاری احزاب آینده کشور باشیم. ممکن است الان نتوانند تشکیل شوند اما حداقل پلتفرم را می‌توانند مشخص کنند، راجع به برنامه کارشان می‌توانند فکر کنند.»

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد که «رقابت احزاب نباید تقدم بر همسویی برای مبارزه در جهت گذار از جمهوری اسلامی داشته باشد و نباید مانعی به وجود آورد. هر تشکیلی هر موضع‌گیری حزبی که دارند در زمان خودش مطرح خواهد شد چون رقابتی است، جنبه رقابتی بین احزاب نباید امروز متبلور شود! این رقابت نباید مانع همسویی و همکاری و اتحاد در این مرحله از مبارزه شود. اتحاد از دید من، به این مفهوم که تقدم را به یکصدایی بدهیم. الان مگر مردم ایران به غیر از یکصدایی انتظار دیگری دارند؟ یکصدایی این نیست که همه یکجور فکر کنیم. می‌دانم فکرها متفاوت است؛ یکصدایی به این معناست که برای آزادی کشور جز یک حرف، یک صدا و یک هدف در این مرحله نمی‌توانیم داشته باشیم. با این درک که در آینده می‌توانیم اختلاف سلیقه و رقابت داشته باشیم. این را اگر به دنیا و به خود بتوانیم نشان دهیم، هم مسئله نگرانی مردم برطرف می‌شود و هم دنیا خواهد دانست که طرف مقابلش کیست.»

شاهزاده همچنین به نقش «اینفلوئنسرها» اشاره کرد که شامل هنرمند، ورزشکار، دانشمند، وکیل و چهره‌های مستقل و غیره می‌شود. وی گفت که «هر کدام یک ظرفیت خاص دارند که اگر با هارمونی و یکصدا باشند خیلی تأثیرگذار است. جامعه‌ای که امروز شعار ملی می‌دهد و به ایران به عنوان یک کشور نگاه می‌کند و فرقی میان بلوچ و آذری و اهوازی نمی‌گذارد و همه جامعه از یکجا صحبت می‌کند، انتظار ندارد جریان‌های ایدئولوژیک سر مسائل عقیدتی‌شان رقابت کنند. چون معتقدند امروز نیازمند خلاص شدن از دست جمهوری اسلامی هستیم و هیچ راهکاری جز اتحاد جریان‌های سیاسی نمی‌تواند به این مسیر کمک کند. در ایالات متحده یک موانعی سر راه بود مانند فرستادن پول به ایران از طریق بانکی، ولی می‌دانم این مسئله تحت بررسی و پیگیری است برای اینکه بهترین راهکار را پیدا کنند و برای موانع سر راه راهکار اساسی پیدا کرد که مستلزم مذاکره با دولت آمریکا است که موانع را برای کمک‌رسانی به مردم درون کشور بردارند. البته اراده سیاسی این دولت‌ها هم مهم است.»

یادآوری می‌شود که شاهزاده رضا پهلوی در روزهای گذشته نیز گفتگویی به زبان‌های فارسی و انگلیسی با تلویزیون «دویچه وله» آلمان داشت و در آنها نیز افزایش تحریم‌ها و اقدامات تنبیهی علیه جمهوری اسلامی را از مهم‌ترین گام‌هایی دانست که جامعه بین‌المللی می‌تواند در جلوگیری از سرکوب و اعدام‌های بیشتر علیه معترضان در ایران بردارد.

شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با «دویچه وله» همچنین تأکید کرد که در ایران افراد قابل‌ی برای پر کردن خلاء قدرت پس از فروپاشی رژیم وجود دارند اما از آنجا که امکان انجام سریع این کار در داخل کشور میسر نیست ممکن است آنها به حمایت افراد خارج کشور نیاز داشته باشند.

شاهزاده رضا پهلوی همچنین تأکید کرده بود «برای من روشن است که این نیروها در لحظه سقوط رژیم می‌توانند متحد شده و با همکاری یکدیگر دوره گذار را تسهیل کنند.»

ادعای دموکراسی و برابری می‌کند اما در خود آن سازمان زنان یکطرف می‌نشینند و مردان یکطرف! و یا با روسری می‌خواهند اسمش را دموکراسی و حقوق بشر بگذارند! ولی این مشکل من نیست؛ مشکل آنهاست که مردم را [درباره ادعایشان] قانع کنند. من اینها را که می‌بینم قانع نمی‌شوم. مشکلی با دیگر جریان‌ها ندارم، راست باشند، چپ باشند، میانه باشند اما روابط می‌بایست در قالب برخورد دموکراتیک و احترام متقابل باشد.»

شاهزاده رضا پهلوی درباره لزوم «خشونت‌پرهیز» بودن جنبش انقلابی و اینکه عده‌ای اصرار به برخورد خشن مردم در جریان اعتراضات دارند نیز گفت: «فلسفه خشونت‌پرهیزی در حرکت مقاومت مدنی یک امر کلیدی است به دو علت: یکی اینکه وقتی به شکل تهاجمی و خشونت‌آمیز با یک حکومت برخورد کنید بهانه را به نفع گفتمان آن نظام در موضوع امنیتی و حفظ ثبات پرزن می‌کنید! [حکومت] آتو را از دست مخالفین‌اش می‌گیرد و دوم، برای دنیا هم دفاع از سناریوهای چریکی را مشکل‌تر می‌کند. در صورتی که اگر امروز جهان در حال تصمیمات دیگری در جهت پشتیبانی از مردم ایران و در تنبیه جمهوری اسلامی به ویژه علیه کشتارها و اعدام‌ها است، از جمله صدور بیانیه و بردن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی همه‌اش در پشتیبانی از مردم است تا بیشتر دست و پای رژیم بسته شود.»

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد که دفاع از خود بحث دیگری است اما این نباید باعث شود که کسی برود و مرتکب قتل شود! این اقدامات در بحث آشتی ملی و عفو عمومی کار را مشکل‌تر می‌کند.

شاهزاده رضا پهلوی در بخش دیگری از این گفتگوی مهم درباره اینکه با توجه به اعتماد عمومی نسبت به خود وی، آیا وقت آن نرسیده که او نقش بارزتری به عنوان رهبر و هماهنگ کننده جریان‌ها به عهده بگیرد، گفت: «هر نوع کاری که انجام می‌دهیم باید یک مبنای مشروعیت و یا یک نوع وکالتی از داخل ایران داشته باشد. خیلی ساده بگویم، فردا فرض بفرمایید من بتوانم با دیگرانی که در این مسیر با هم همراه و همسو هستیم با یکسری شخصیت‌های سیاسی دیدار کنم؛ اولین سوالشان این خواهد بود که شما به نمایندگی چی اینجا حضور پیدا کردید! هر کاری که بخواهیم انجام دهیم باید مبنای مقبولیت از داخل داشته باشد. این بایستی بیشتر بیان شود و بیشتر در عمل دیده شود. چون اگر قرار باشد فردا از جانب هم‌میهنان در صحنه بین‌المللی رایزنی لازم را انجام دهیم، باید بتوانیم بگویم این حرفی که می‌زنیم پشتیبان‌اش زندانیان سیاسی، فعالان مدنی، جریان‌های فکری و سیاسی داخل کشور هستند و آنها به ما این امکان را داده‌اند که از طرف آنها نمایندگی کنیم.»

شاهزاده رضا پهلوی درباره سه تشکل سیاسی جدید «جبهه هفت آبان»، «حزب ایران نوین» و «انجمن مشروطه ایران» که طی هفته‌های گذشته اعلام موجودیت کردند گفت: «ما تمام این روندی که در این سال‌های مبارزه انجام دادیم برای این بوده که به چی برسیم؟ اگر ما یک آینده دموکراسی واقعی برای کشورمان می‌خواهیم، یعنی نظامی که دولت‌هایش در نتیجه انتخاباتی که بین احزاب برگزار می‌شود، شکل می‌گیرند. مگر نهایتاً رقابت احزاب در انتخابات برای تشکیل کابینه و دولت نیست؟ از ژاپن تا کانادا، از برزیل تا سوئد، همه جای دنیا در کشورهای دموکراتیک مینا اساساً همین است. یعنی شما بهترین قانون اساسی و بهترین تعریف از نوع نظام را هم داشته باشید، شکل نظام را هم مشخص کرده باشید و قانون هم چهارمیه شده باشد و حقوق بشر هم در آن وجود داشته

→ بودن ایران دانسته‌اند یا برخی احزاب و افراد از اقوام ایرانی به عنوان «ملل» ایرانی نام می‌برند، و حتی اگر به صورت تاکتیکی الان بگویند ما ایرانی هستیم اما اینها به یکپارچگی و موجودیت ایران و یگانگی ملت ایران باور ندارند، گفت: «خیلی واضح بگویم، نیروهای دموکراسی‌خواه واقعی که در رفتار و منش تمام اصول شفافیت و دموکراتیک را پذیرا هستند و خط قرمز یکپارچگی ایران را زیر پا نگذارند، جزوی از همکاری هستند و جریان‌های غیردموکراتیک یا جریان‌های تجزیه‌طلب جزو همکاری نمی‌توانند باشند.»

در اینجا شاهزاده رضا پهلوی به سنجاق نقشه ایران که همواره به یقه کت دارد اشاره کرد و گفت: «این ایران من است. آذربایجان جزوش است، بلوچستان جزوش است، کردستان جزوش است، خوزستان جزوش است، وقتی که بر فراز کشورم پرواز می‌کردم نگاه می‌کردم زیر پایم که این کدام منطقه است؟ خاک کشورم برای من فرقی نمی‌کند. این من هستم. ممکن است بعضی‌ها بپذیرند و ممکن است بعضی‌ها نپذیرند. ولی یک وجب از این خاک جابجا شود، آن ایران دیگر ایران من نیست.»

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد «یکپارچگی کشور یکی از اصول کلیدی است؛ شوخی هم نیست و تعارف هم با کسی نداریم.»

شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر مسئولیتی که نمایندگان روحانی در ایران مانند مولوی عبدالحمید دارند گفت «امیدوار هستم که در بخش تشیع همان درجه از مسئولیت را روحانیت غیروابسته به نظام که از روز اول اساس ولایت فقیه را زیر سوال می‌بردند داشته باشیم و آنها موضع خودشان را مطرح کنند. چون وقتی می‌بینم اعتراضات ملی است و نه منطقه‌ای یا در قالب یک گروه خاص، نشان‌دهنده آنست که اکثریت مردم اصلاً وارد این ادبیات بیشتر بوداری که تهاش معلوم نیست تجزیه در کار است یا نه، نمی‌شوند و حق هم دارند وارد این ادبیات نشوند. خطر بزرگ اینست که جمهوری اسلامی همیشه تلاش کرده بگوید اگر ما برویم ایران کن‌فیکون می‌شود و جنگ داخلی می‌شود و تجزیه می‌شود! چنین ادبیاتی [از سوی برخی مخالفان] حرف نظام را بیشتر به کرسی می‌نشانند. برای همین وقتی ما می‌گوییم ایران یکپارچه، این نیست که یک عده نشست‌اند که این موضوع را به دیگران تحمیل کنند بلکه این خواست جامعه است و این بحثی است که باید خیلی شفاف و باز مطرح کرد که از دو حال خارج نیست: اگر ایران یکپارچه را قبول دارید که هیچ! اگر ندارید یعنی می‌خواهید ایران تکه تکه شود! کدام ایرانی است که بخواهد ایران‌ش تکه تکه شود؟ من بارها با هم‌میهنان بلوچ، کرد، آذری و... گفتگو داشته‌ام و همیشه گفته‌ام من اول ایرانی‌ام بعد خودم را کرد و بلوچ و آذری می‌دانم.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین درباره گروه مجاهدین خلق در یک اعلام موضع شفاف و صریح گفت: «من قضاوت اخلاقی نمی‌کنم و آن را جامعه باید در نظر بگیرد. من از دید اصول دموکراتیک و جریان‌های دموکراتیک و دیالوگ بین خودشان صحبت می‌کنم. اولین سوال و ساده‌ترین سوال اینست که آیا اعضا یا رهبران سازمان مجاهدین خلق آمادگی دیالوگ باز و شفاف با دیگر نیروهای دموکراتیک را دارند و اصلاً از نظر سازمانی حق چنین کاری را دارند؟! در همین سوال اول کلی گرفتاری برایشان پیش می‌آید! چون اگر بخواهند به شکل باز با همه صحبت کنند از نظر درونی سازمان‌شان بهم می‌ریزد.»

او در ادامه گفت: «حالا اینکه هدف نهایی‌شان چه هست و بر چه اساسی می‌خواهند پیش بروند راستش را بخواهید، من مشکل می‌توانم باور کنم که یک سازمانی

انقلاب زنان ایران و ضرورت حمایت کشورهای همسایه و اسلامی و عربی



● از ویژگی قیام کنونی زنان ایرانی عبور از مشکل قطع عمدی اینترنت از سوی رژیم جمهوری اسلامی است. در اعتراضات سابق رژیم با قطع اینترنت حرکت مردم را در تاریکی و خفقان رسانه‌ای سرکوب می‌کرد اما اینبار حتا سیاست قطع اینترنت نیز برای آن کارساز نبود.

● تظاهرات انقلابی و خیزش علیه رژیم آخوندی نه تنها نوعی بیداری عمومی در ایران به وجود آورده بلکه یک بعد منطقه‌ای مثبت از نظر سیاسی و نظامی نیز برای خاورمیانه به همراه خود دارد زیرا هر تحول یا شکاف در داخل رژیم ایران که به تضعیف یا سرنگونی آن منجر شود، به وجود گروه‌ها و سازمان‌های فرقه‌ای وابسته به این رژیم در عراق، لبنان، یمن و سوریه پایان خواهد داد و در نتیجه با پایان این شبه‌نظامیان فرقه‌گرا، کانون‌های تنش و بحران در منطقه خلیج فارس و جهان عرب از بین خواهد رفت.

● برخورد سطحی و محتاطانه کشورهای عربی و اسلامی با تحولات کنونی در ایران هیچگونه توجیهی ندارد. قیام سراسری و آنچه امروز در ایران می‌گذرد در نهایت به نفع ثبات و امنیت خاورمیانه و کل جهان اسلام به ویژه برای سعادت و خوشبختی ملت ایران پس از سال‌ها وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی خواهد بود.

خالد احمد الطراح (روزنامه القبس) - جرقه خیزش زنان ایران که با هدف تغییر اوضاع سیاسی و اجتماعی پس از کشته شدن «مهسا امینی» ۲۲ ساله در بازداشت گشت ارشاد در این کشور شعله‌ور شد، اکنون به قیامی سراسری تبدیل شده و همه اقشار و گروه‌های جامعه به ویژه جوانان و دانش‌آموزان و دانشجویان و کارگران را فرا گرفته است.

این قیام سراسری توانست حصار سانسور رسانه‌های رسمی تحت کنترل رژیم و نیروها و نهادهای وابسته به آن مانند بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دستگاه تبلیغاتی آنها را بشکند و فریاد طنین‌انداز خود را به روش‌های مختلف از جمله پخش ویدئو به جهانیان برساند تا مردم دنیا نیز از آنچه امروز در ایران رخ می‌دهد، آگاه شوند.

رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب اعتراضات دایره خشم و عصبانیت مردم ایران را گسترش داد بطوری که اغلب گروه‌های اجتماعی ایران در سطوح مختلف از جمله در میان قشر میانه‌رو مذهبی به ویژه زنان «محجبه» نیز که زمانی جمهوری اسلامی از آنان برای تحمیل «مشروعیت انقلابی» خود استفاده می‌کرد، به صف معترضان پیوستند.

این قیام که با شعار «زن، زندگی، آزادی» مسیر خود را باز کرد، یک انقلاب اجتماعی نوین است که زنان ایران علیه رژیم آخوندی و سیاست مبتنی بر صدور و اپس‌گرایی موسوم به صدور انقلاب اسلامی که ثبات، استقرار و امنیت ایران، منطقه و دنیای عرب را هدف قرار داده، به راه انداختند.

آنچه ایران بیش از ۱۰۰ روز شاهد آن است یک جنبش کوچک و شورشی توسط تعدادی «آشوبگر» یا به قول ابراهیم رئیسی «مگس» نیست، بلکه انقلابی مردمی به تمام معنا علیه سرکوب و محدودیت‌های اجتماعی سختگیرانه رژیم است که اعمال و رفتار از مرز ظلم و ستم علیه مردم فراتر رفته و به سلب هر نوع آزادی اجتماعی و سیاسی شهروندان و کشتن صدها تن از آنان رسیده است.

از فصل سیاه و خونین کشورش عبور کند.

برای حمایت از ملت ایران کشورهای عربی و اسلامی باید واقعیت آنچه را در ایران می‌گذرد به جهانیان منتقل کنند تا مردم ایران دوباره قدرت مدنی خود را به دست آورند و کشورشان را از سلطه‌ی عباي آخوندها رها سازند و جلوی خونریزی ناشی از درگیری‌های فرقه‌ای در منطقه را که رژیم آخوندها به راه انداخته است بگیرند.

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند تصویری متفاوت از واقعیت کنونی ایران را به جهان به ویژه کشورهای اسلامی نشان دهد. رژیم انقلابی خمینی با ادعاهای نادرست مبنی بر اینکه عناصر شورشی هدایت کننده این جنبش یک جریان ضد «دین و اسلام» هستند، می‌خواهد حقایق را منحرف کند اما مشارکت زنان مسلمان و محجبه در میان تظاهرکنندگان اعتراضات سراسری، تصویری برخلاف ادعای رژیم را به نمایش گذاشته و خواست‌های برحق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همه اقشار به ویژه زنان ایران را بیان می‌کند.

برخورد سطحی و محتاطانه کشورهای عربی و اسلامی با تحولات کنونی در ایران هیچگونه توجیهی ندارد. قیام سراسری و آنچه امروز در ایران می‌گذرد در نهایت به نفع ثبات و امنیت خاورمیانه و کل جهان اسلام به ویژه برای سعادت و خوشبختی ملت ایران پس از سال‌ها وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی خواهد بود.

*منبع: روزنامه کویتی القبس

*نویسنده: خالد احمد الطراح تحلیلگر و نویسنده کویتی

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

طی مدت بیش از ۱۰۰ روز قیام، معترضان ایرانی از طریق رسانه‌های اجتماعی و ابزار ساده مانند موبایل که رژیم اسلامی قادر به کنترل آن نیست، صحنه‌های وحشتناکی از سرکوب و خشونت سیستماتیک رژیم علیه زنان را به خارج کشور ارسال کردند. این صحنه‌های سرکوب، باعث بیداری وجدان بسیاری از فعالان رسانه‌ای در رسانه‌های غربی شد تا استفاده از ویدئوهای ارسالی جوانان ایران جامعه جهانی را از اقدامات سرکوبگرانه در ایران آگاه سازند. این صحنه‌ها جامعه بین‌المللی را بر آن داشت تا در نوع رفتار و برخورد با رژیم تهران موضعی متفاوت از گذشته نشان دهد.

از ویژگی قیام کنونی زنان ایرانی عبور از مشکل قطع عمدی اینترنت از سوی رژیم جمهوری اسلامی است. در اعتراضات سابق رژیم با قطع اینترنت حرکت مردم را در تاریکی و خفقان رسانه‌ای سرکوب می‌کرد اما اینبار حتا سیاست قطع اینترنت نیز برای آن کارساز نبود.

تظاهرات انقلابی و خیزش علیه رژیم آخوندی نه تنها نوعی بیداری عمومی در ایران به وجود آورده بلکه یک بعد منطقه‌ای مثبت از نظر سیاسی و نظامی نیز برای خاورمیانه به همراه خود دارد زیرا هر تحول یا شکاف در داخل رژیم ایران که به تضعیف یا سرنگونی آن منجر شود، به وجود گروه‌ها و سازمان‌های فرقه‌ای وابسته به این رژیم در عراق، لبنان، یمن و سوریه پایان خواهد داد و در نتیجه با پایان این شبه‌نظامیان فرقه‌گرا، کانون‌های تنش و بحران در منطقه خلیج فارس و جهان عرب از بین خواهد رفت.

ملت ایران در این تحولات استثنائی نیاز فوری و ضروری به حمایت کشورهای عربی و اسلامی همسایه دارد تا بتواند

پس چنانچه ملاحظه گردید بین علماء اولیه شیعه مثل شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی در مقام بحث علامات و روز ظهور امام زمان (عج) بر طبق روایات نقل شده از جانب ائمه اطهار (ع) شنبه مشهور، بلکه اجماعی بوده است. البته علمای بعدی نیز با استفاده از همین روایات، شنبه را روز ظهور حضرت حجت (عج) دانسته‌اند.»

محقق محترم، بعد از همه این مباحث، مقاله مبسوط خود را با عبارتی به پایان می‌رساند که به جای رفع تشکیک، جای شک و تردید را - البته با چرباندن کفه به نفع شنبه - برای مؤمنین باقی می‌گذارد: «نتیجه از مجموع مباحث این که اگر بخواهیم بر اساس روایات شیعی راجع به زمان ظهور امام زمان (عج) اظهار نظر کنیم باید گفت اظهار نظر قطعی ممکن نیست. بنابراین باید با احتمالات سخن گفت چون همه روایات دارای مشکل است ولی روایات مربوط به شنبه قابل اعتمادتر است، چون که:

اولاً مورد توافق مشایخ علمای اولیه شیعه بوده است و آنها از روایات جمعه یاد نکرده‌اند. جمعه از قرن هفتم به این طرف در بین برخی از علما شهرت یافته است.

ثانیاً روایت شنبه در مقام بیان علائم ظهور مطرح شده است نه مثل روایت جمعه که در بین یک روایت مضطرب و طولانی، آن هم در توضیح اهمیت جمعه.

ثالثاً ضعف احادیث شنبه را شهرت شنبه در بین علمای اولیه جبران می‌کند...»

در زمانی که کنستانتینوپل (قسطنطنیه بعدی و استانبول امروزی) مرکز کلیسای شرق و رقیب کلیسای روم بود، دو فرقه مسیحی نسطوری و یعقوبی را اختلاف نظرشان بر سر خلقت عیسی مسیح در برابر یکدیگر قرار داده بود. نسطوریان جنبه لاهوتی (ملکوتی) را در وجود عیسی مسیح از جنبه ناسوتی (بشری) آن، دو وجه متفاوت می‌دانستند که با هم درآمیخته‌اند. یعقوبیه برعکس، تمایزی بین این دو وجه قائل نبودند. این اختلاف به کشمکشهای طولانی و حتی تکفیر و تعقیب نسطوریان منجر شد تا وقتی که سلطان محمد فاتح دروازه‌های کنستانتینوپل را گشود (سال ۱۴۵۳ میلادی) و به این بحث، همچنان که به عمر امپراتوری بیزانس، خاتمه داد.

نوشته‌اند محمد دوم، مشهور به فاتح، هنگامی که کنستانتینوپل را در محاصره داشت جاسوسانی به داخل شهر گسیل داشت تا از اوضاع و احوال عمومی برایش خبر بیاورند و بر اساس آن اطلاعات، نقشه جنگی خود را طراحی کند. جاسوسان رفتند و در پایتخت امپراتوری بیزانس غلغله و اضطرابی ندیدند جز در کلیسای سنت سوفی، که پس از تسخیر شهر به دست مسلمانان، تبدیل به مسجد ایاصوفی شد.

سلطان محمد را خبر دادند که اوضاع جنگ و محاصره در شهر، تحت‌الشعاع غوغای دو دستگی بر سر لاهوت و ناسوت قرار دارد. چه آن که کشیشان بر دو دسته شده‌اند و سخت جرّ و بحث دارند که زخم وارده بر مسیح بر جنبه لاهوتی آن حضرت اصابت کرد یا بر جنبه ناسوتی او، مردم نیز به تبع کشیشان اختلاف به هم زده گروهی از این و گروهی از آن جانبداری می‌کنند. اکنون امپراتور و سران کشور در کلیسا گردآمده‌اند تا اقوال طرفین را بشنوند و به‌نوبه خود نظر بدهند.

محمد، فرماندهان سپاه را گفت که اگر آنها از این بحث فارغ شوند تسخیر شهر آسان نخواهد بود. فرمان داد با توپ سنگین گنبد کلیسا را هدف قرار دهند و چون گلوله توپ به گنبد اصابت کرد گفت هم به لاهوتش خورد و هم به ناسوتش!

دنباله دارد

بازنش

با من

به جمکران بیائید... (۳)

(کیهان لندن شماره ۱۱۴۴-۱۱۴۱)

بهمن تا اسفند ۱۳۸۵

احمد احرار



- شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱) کتاب «کمال‌الدین و تمام‌النعمه» را منحصراً در مورد امام زمان (عج) تألیف کرده است. او تحت عنوان علامات ظهور امام زمان (عج) از امام باقر نقل می‌کند که «خروج قائم در روز شنبه است. روز عاشوراست. همان روزی که در آن حسین بن علی (ع) کشته شد.»

- شیخ مفید (متوفی ۴۱۳) شاگرد شیخ صدوق نیز در کتاب «ارشاد فی معرفه حجج‌الله علی‌العباد» در بخش مربوط به علامات ظهور امام زمان (عج) از امام صادق نقل کرده است که: گوئیم می‌بینم که امام قائم (عج) در روز شنبه دهم محرم در بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل در سمت راست او فریاد می‌زند: بیعت برای خدا! و شیعیان به سوی او هجوم می‌آورند و زمین زیر پایشان پیچیده می‌شود تا خدمتش رفته با او بیعت کنند و خدا به وسیله او زمین را از عدل و داد پر کند چنانچه از جور و ظلم پر شده باشد.

- شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰) نیز در کتاب «الغیبه» که در موضوع غیبت امام زمان (عج) تألیف کرده است باز روایتی در مورد ظهور امام زمان در روز شنبه دارد. کتاب معروف دیگری در مورد امام زمان به نام «الغیبه» توسط نعمانی تدوین شده است که در آن نفیاً یا اثباتاً چیزی در مورد جمعه یا شنبه نیامده است.

اهمیت قضیه را، که روز ظهور جمعه خواهد بود یا شنبه، و اگر اختلاف نظر علمای دین در این باب بر اذهان عامه اثر بگذارد چه عواقب سوئی بر آن مترتب خواهد بود، با توضیحات وافی حجت‌الاسلام محمد نصر اصفهانی دریافتیم. حال ببینیم اختلاف از کجا حادث شده است.

بدواً توضیح مختصری لازم است در مورد روزهای هفته. چون مطابق احادیث و روایات منقول از ائمه اطهار به‌وسیله راویان و محدثان، شنبه با جمعه و جمعه با یکشنبه هم‌ارز نیستند و بین روزهای هفته نیز افضل و تفضیل و سعد و نحس وجود دارد. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (یکی از دو پسر ابن بابویه قمی که در شهر ری مدفون است و کتب متعدد وی مرجع و مأخذ اکثر علمای بعدی است) در کتاب «خصال» خود از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرموده‌اند «شنبه از ماست و یکشنبه از آن شیعیان ماست و دوشنبه از آن دشمنان ما و سه‌شنبه از آن بنی‌امیه و چهارشنبه روز آشامیدن داروست و روز پنجشنبه حاجت‌ها برآورده می‌شود و جمعه برای پاکیزه شدن و عطر زدن است. جمعه عید مسلمانان است و از عید فطر و قربان بهتر است. بهترین عیدها روز غدیر است که روز جمعه هجدهم ذی‌الحجه بوده است، قائم خانواده ما (امام زمان) در روز جمعه ظهور می‌کند. رستاخیز در روز جمعه برپا می‌شود و هیچ کاری در روز جمعه بهتر از صلوات بر محمد (ص) و آل محمد (ع) نیست.»

پژوهشگر حوزوی - آقای محمد نصر اصفهانی - ضمن این که بر اعتبار این روایت، به‌دلیل آن که راویانش از افراد صدیق و جلیل‌القدر بوده‌اند، رقم نفی نمی‌کشد، دلایلی بر سستی آن ذکر می‌کند:

۱ - روایت مذکور با روایاتی که روز شنبه را روز قیام امام زمان دانسته‌اند در تعارض است و با آن قابل جمع نیست.

۲ - خود ناقل حدیث، یعنی شیخ صدوق در جایی که در صدد بیان موضوع علائم و زمان ظهور امام زمان (عج) است، یعنی کتاب «کمال‌الدین و تمام‌النعمه» به این روایت اعتنا نکرده و به‌روایت شنبه تمسک کرده است.

۳ - این روایت در کتاب «خصال» صدوق ذیل عنوان «جمعه» نیامده است بلکه ذیل باب «آنچه درباره روز شنبه رسیده است» آمده است.

۴ - مضمون حدیث دو اشکال اساسی دارد: یکی این که در این حدیث آمده است که روز یکشنبه روز شیعیان ماست. در حالی که در احادیث منقول از کتاب «مَن لایحضر الفقیه» گفته شده است که روز یکشنبه روز بنی‌امیه است و در حدیث منقول از خصال، روز یکشنبه به امیرالمؤمنین (ع) اختصاص داده شده است. دوم، گفته شده است که روز جمعه از عید قربان و عید فطر برتر است در حالی که عید قربان و عید فطر از اعیاد بسیار مهم مسلمانان است و از نظر اهمیت قابل مقایسه با روز جمعه نیست.

۵ - اثری از ظهور امام زمان در روز جمعه در «کتب اربعه» که در نزد شیعه معتبر است، نیست.

«کتب اربعه» که نزد شیعه معتبرترین مأخذ حدیث و روایت شناخته می‌شوند عبارتند از: اصول کافی، من لایحضر الفقیه، استبصار و تهذیب‌الاحکام.

آقای محمد نصر اصفهانی، مستندات از آثار مؤلفین این چهار کتاب برای اثبات اولویت نظریه ظهور در روز شنبه نقل می‌کند به این شرح:

«بلافاصله پس از غیبت کبری، علماء شیعه برای رفع شبهات مطرح شده در مورد امام زمان (عج) به جمع‌آوری احادیث مربوط به این موضوع پرداختند و کتبی مستقل در مورد امام زمان نوشته شد که در آن به ابعاد مختلف مربوط به امام زمان پرداخته شده است ازجمله:

نکته‌هایی در باره «معمای هویدا» (۱)



منوچهر فرمانفرمایان

وزارت دارایی هویدا در کابینه منصور
يك اشتباه بزرگ بود

هویدایی آنکه موافق افزایش بهای نفت و بنزین باشد چوب این تصمیم غلط را خورد
عبدالله انتظام به هویدا گفته بود تو که می‌توانی يك صورت‌حساب ساده را
بخوانی چطور می‌توانی وزیر دارائی شوی؟

بازنش

(تاریخ نشر در کیهان لندن:

مهر تا آبان ماه ۱۳۸۰

شماره‌های ۸۸۰-۸۷۸)

«معمای هویدا» - که بخشی از آن را در خاطرات و تاریخ کیهان خواندید - کتابی است بحث برانگیز. همان گونه که در بازار کتاب مورد توجه قرار گرفت و تیراژ قابل توجهی به دست آورد، در محافل و مجالس نیز موضوع بحث ایرانیان آشنا به مسائل سیاسی و اجتماعی یا دست اندرکاران امور در رژیم پیشین بوده است.

ما وعده کرده بودیم نظریات و انتقادات صاحب‌نظران و مطلعین را، مشروط به آن که مربوط به موضوع و عاری از حب و بغض یا کلی بافی باشد، راجع به این کتاب منعکس کنیم. مقاله مبسوط دکتر منوچهر فرمانفرمایان نمونه يك نقد متین و منطقی در باره «معمای هویدا» است. این مقاله را به نقل از «ره آورد» در سه شماره به نظران می‌رسانیم.

کتاب زندگانی امیرعباس هویدا، نخست وزیر اسبق را که به قلم آقای دکتر عباس میلانی نگاشته شد، با علاقه بسیار خواندم. من امیر عباس را از زمانی شناختم که در انگلیس تحصیل می‌کردم. برای يك تعطیلی کوتاه به بروکسل رفتم و در آنجا آشنایی ما آغاز شد. سالها گذشت و دیگر او را ندیدم تا اینکه شادروان عبدالله انتظام رئیس هیات مدیره شرکت ملی نفت شد و هویدا را به عنوان معاون، از وزارت خارجه به شرکت منتقل کرد. در آن زمان خود من در شرکت نفت کار می‌کردم. با او اختلاف شدید پیدا کردم. سالها جدا شدیم، من به سفارت ونزوئلا رفتم و زمانی که بازگشتم و به منزل او در دروس سر زدم، ضمن مطالبی گفت *il faut sauver la monarchie*. طوفان انقلاب سراسر ایران را گرفته بود و گمان می‌کنم دو سه روز بعد از آن دیدار بود که به خانه‌اش رفتند و او را بازداشت کردند.

به کتاب زندگی خود نگاه می‌کنم:

حدود پایان جنگ اول بود که من پس از تحصیل دانشگاهی به ایران بازگشتم. به سبب نسبی که با مرحوم رجبعلی منصور داشتم، برای ادای احترام به خانه‌اش رفت و آمد می‌کردم. در آنجا بود که با پسرش رابطه دوستی برقرار کردم و در همان سالها بود که امیرعباس را هم در آنجا می‌دیدم.

منصور الملک در سال ۱۹۵۰ بار دیگر نخست‌وزیر شد. نفت در آن سالها سرلوحه کار دولت بود. دو سه بار مرا به نخست‌وزیری در کاخ گلستان احضار کرد. (در آن دوران



امیرعباس هویدا

خبر داده، قطعا يك ساواکی یا عضو شهربانی در میان ما بوده که ما می‌دانستیم. در آسانسور شرکت نفت با هویدا و منصور برخورد کردم. برخورد ما بسیار خشک و عاری از احساس بود. نیم ساعت بعد خرم کردند که بروم دکتر اقبال را ببینم. وقتی به اتاقش رفتم گفت «مگر شما تصمیم دارید شرکت نفت را ترک کنید؟» جواب دادم «خیر؟ چطور مگر؟» گفت «حسنعلی منصور و امیر عباس هویدا که با شما در آسانسور بودند آمدند و گفتند تا دو هفته دیگر که کابینه منصور معرفی خواهد شد مایلند چند نفر مثل دکتر غلامرضا نیک‌پی را به نخست‌وزیری منتقل کنند. بلکه شما هم با آنها بخواهید همکاری کنید» گفتم «چنین خیالی ندارم. دفتر شما کم از نخست‌وزیری نیست.» دکتر اقبال آدم خوش قلبی بود. تبسم کرد. وقتی خواستم از در بیرون بروم گفت «سه شنبه سفیر آمریکا را به شام در الهیه دعوت کردم، شما هم بیایید، اما لطفا از بلندقدها بدگوی نکنید!»

نخست‌وزیری منصور

حسنعلی منصور پس از دو سه هفته به نخست‌وزیری رسید. پدرش شامی ترتیب داد که مرا هم دعوت کرد. حسنعلی به علت بلند پروازیهای بسیار و پشت گرمی امریکایی‌ها، همان اشتباهاتی را مرتکب شد که رزم آرا کرده بود. رزم آرا روزی که نخست‌وزیر شد، با شتاب اعضاء کابینه خود را معرفی کرد. او وزارت خارجه را به صلاحی، (صلاح السلطنه) سپرد. صلاحی آدمی نبود که

من رئیس اداره امتیازات نفت در وزارت دارایی بودم. احضار او موجب افتخار من بود. من شادروان منصور را یکی از داناترین رجال ایران می‌شناختم، متأسفانه مدت زیاد بر سرکار نماند و رزم‌آرا که رئیس ستاد بود جانشین او گردید. در کابینه رزم‌آرا، محسن رئیس وزیر خارجه شد و حسنعلی منصور، پسر او به مدیریت دفتر وزارت خارجه رسید. با حسنعلی رابطه نزدیک داشتم. هفته‌ای دو بار با هم به محکمه دکتر میچارسکی دندان پزشک می‌رفتم. او از جوانی سودای مقام نخست‌وزیری در سر داشت. حق هم داشت. پدرش آدم صاحب نفوذی بود و اقوام نزدیکی داشت. پدرش آدم صاحب نفوذی بود و اقوام نزدیکی همگی در مشاغل مهم مملکتی خدمت می‌کردند. شبی، سفارت آمریکا هم در تهران، آشکارا حسنعلی را کاندیدای خود معرفی کرد، چنان که در همان روزها، سفیر آمریکا بنده را به شام دعوت کرد. بعد از صرف شام، به اتفاق محسن فروغی و خاوش رفتیم به سالن اصلی. بالای پیانو، در يك قاب نقره، عکس حسنعلی منصور را دیدم. سفیر با اشاره به عکس گفت در ایران مردان بزرگ هم هستند. من بی محابا گفتم منظورتان این است که قدشان بلند و درشت است! یکی دو روز بعد با عده‌ای از مدیران در دفتر دکتر اقبال جمع بودیم. دکتر اقبال رو به من کرد و گفت «چطور است که شما با آدمهای بلند قد دشمنی دارید؟ قد من هم بلند است». گفتم «اختیار دارید. من به شما ارادت دارم و اگر جسارتی شد ببخشید. گفت «این طرز اظهار نظرها ممکن است به ضررتان تمام شود.» در این حیرت بودم که چه کسی این موضوع را به دکتر اقبال

inefficient) اداره می شد. بنده با کمال جسارت عرض می کنم اطلاعات آقای میلانی در این مورد بسیار ناقص است، چون مطالبی که می گویند منحصر از کسانی تراوش می کند که جزئی ترین اطلاع از وزارت دارایی نداشته اند و یا مغرض بوده اند.

ثانیا با لفظ «فاسد» که به کار می برند چندین هزار نفری که در وزارت دارایی با صداقت سالها خدمت کرده اند را

بنزین بخزند، نمی خردند و دولت کاری نمی تواند بکند. مردم اگر اجازه انتخاب وکیل را ندارند، یا نمی آیند رأی بدهند یا پول می گیرند و رأی می دهند این روال لازم و ملزوم یکدیگر است.

بالا رفتن بهای نفت نه فقط افکار عمومی را به آبروریزی منصور یاری داد، بلکه آن عده ای هم که می دیدند در بیرون گود مانده اند طبیعتا از هیچ کاری فروگذار نکردند. از جمله

→ وزارت خارجه ای ها قبولش داشته باشند. پس از اعتراض و دستور شاه، محسن رئیس به جای او منصوب شد. و در نتیجه آن تغییر لطمه شدیدی به قدرت ظاهری رزم آرا خورد. حسنعلی به همین شیوه خواست هویدا را وزیر خارجه کند اما شاه که او را درست نمی شناخت، موافقت نکرد. حسنعلی منصور، مصدق السلطنه نبود. هویدا هم دکتر فاطمی نبود، ولی منصور مصمم بود وزارتخانه عمده را به هویدا بدهد. ولی وزارت دارایی از وزارت خارجه کمتر نبود و خلاف آن که آقای میلانی می نویسد «وزارت دارایی از فاسدترین موسسات بوده» شمار کارمندان درستکار آن بسیار بود.

کارمندان ارشد وزارت دارایی پس از انتصاب هویدا به وزارت، علناً علیه او شوریدند. منصور پا به میدان گذاشت. آمد به وزارت دارایی و روسای ادارات را تهدید کرد. آقای انتظام در جلسه هیات مدیره شرکت نفت گفتند دو سه روز پیش از قبول وزارت دارایی، امیرعباس آمده بود منزلش تا صلاح دید بکند. آقای انتظام می گفت به او گفتم تو که نمی توانی یک صورت حساب سود و زیان شرکتی را بخوانی چطور می خواهی وزیر دارایی بشوی؟ اشتباه دیگر منصور و هویدا به عنوان وزیر دارایی، ترقی بهای نفت و بنزین بود. به جای کمک مردم که وعده دولت منصور و تمام دولتها بود، بالا بردن بهای بنزین از پنج ریال به ده ریال تاثیر معکوس در مردم داشت. در گذشته مالیات بنزین و نفت جزو عواید دولت نبود و تا حدودی به مصرف خود شرکت ملی برای تأسیس خطوط لوله و جایگاه بنزین و مخازن می رسید.

هویدا و منصور، الهام ترقی قیمت مواد نفتی را از دکتر غلامرضا نیک پی گرفته بودند که سابقاً رئیس آمار شرکت ملی نفت بود و اداره آمار هم بیشتر به اداره پخش ارتباط داشت که سرپرستش خود من بودم.

در روز های اول، هویدا با من مذاکره کرد و فهمید که من مخالف ترقی بهای مواد نفتی هستم. حقیقت این بود که خود او هم با این نوع ترقی صد درصد مخالف بود ولی منصور و نیک پی اختیار را در دست گرفته بودند. دکتر غلامرضا نیک پی از بهترین عناصر دولت ایران بود. تحصیلات عالی داشت. آدم درستی بود. فارسی دان درجه اول بود و بزرگترین حسن او پرکاری بود که می توانست روزی ۱۶ ساعت پشت میز بنشیند و کار کند.

سبب استخدام دکتر نیک پی را در شرکت نفت خود من شدم که با پدرش دوستی نزدیکی داشتم. دکتر نیک پی با تمام مقاماتی که احراز کرد، هرگز انسانیت خود را از دست نداد. نخوت و تکبر در او نبود و اگر در دنیا یک نفر بیگانه از بین رفت همان دکتر نیک پی بود اما با کمال تاسف این اشتباه ترقی قیمتها از او ناشی شد و در عرض یک هفته مصرف مواد نفتی و بنزین چهل درصد سقوط کرد و نتیجتاً همان مالیات و عوارضی که قرار بود سابقاً به دست بیاید طوری تنزل کرد که اجباراً دولت در اثر چاره بر آمد.

افکار عمومی علیه منصور

در این جا باید نکته ای را عرض کنم: اشتباه عمده بسیاری از زمامداران دوره های جدید ایران این بود که توده مردم ایران را درست نمی شناختند و سلسله مراتب، یعنی پله های وزارت را به تدریج طی نکرده بودند که بدانند در ایران اگر دولت می تواند در انتخابات مداخله کند و وزیر و وکیل بترشد، باز هم افکار عمومی قدرت دارد و همان افکار عمومی است که به دولتها دهن کجی می کند، چنان که در مورد بهای مواد نفتی در بحبوحه دیکتاتوری و قدرت نهایی دولت منصور این موضوع ثابت شد. مردم اگر نخواهند



حسنعلی منصور و تیم او در «کانون مترقی»

ردیف جلو (از راست به چپ) دکتر منوچهر شاهقلی، محسن خواجه نوری، تقی سرک، حسنعلی منصور، امیرعباس هویدا، منوچهر کلالی، هادی هدایتی. ردیف دوم: غلامرضا نیک پی، محمدعلی رشتی، فتح الله ستوده، ضیاء شادمان

با یک چوب می رانند. در صورتی که وزارت دارایی وزارت خارجه و وزارت دادگستری را افراد استخوان دار و طرف اطمینان و کاردان اداره می کردند. چه در زمان رضاشاه و چه در اوایل حکومت محمد رضاشاه، مگر کسی می توانست در این وزارتخانه ها بدون طی سلسله مراتب و مقررات کارگزینی صاحب رتبه و مقامی بشود؟ همه ما از رتبه ۳ با حقوق ۷۳ تومان شروع به کار کردیم، که پس از بیست سال به رتبه ۹ رسیدیم که حقوقش ۷۰۰ تومان بود و برای اطلاع عرض می کنم که در تمام دوره جنگ که تورم، هر چه ایرانی بود را از پا در آورد، یک ریال به این حقوق ها اضافه نشد. حالا نویسنده محترم می گویند که جمعی فاسد بودند.

بنده برای خوانندگان عزیز اسامی پاره ای از آقایانی را که در وزارت دارایی وزیر بودند و یا خدمت کرده اند و آن ها را شناخته ام و تا روز مرگ به آنها ارادت خواهم داشت، می نویسم تا خوانندگان قضاوت کنند کدام یک از آن ها دزد و نادرست و فاسد بودند:

دکتر سجادی — عبدالحسین بهنیا — گلشانیان — محمود نریمان — فروزان — قریب — زرین کفش — امان الله اردلان — منوچهر نیک پی — دکتر حسین پیرنیا — دها — نادر آراسته — نجم الملک — نوری اسفندیاری — مبشر — فروهر — علی اصغر ناصر — علی اکبر ضرغام — شعاعی — خطاطان — هژیر — جلال شادمان — دکتر امینی — نجم آبادی — امیر ناصر دیبا — جواد خلیلی و چند تن دیگر

(دنباله دارد)

روزنامه ها و مجلات که خود را نماینده حقیقی و منعکس کننده افکار عمومی می دانستند، عکسهای متعدد از مردم پیاده در مسیر خیابانها و یا از اتومبیل های خصوصی که مردم را سوار می کنند تا به کارشان برسانند به چاپ رساندند و تماماً بر علیه سیاست افزایش بهای نفت سخن پراکنی کردند. دکتر اقبال که تصور می کرد مجدداً به نخست وزیری خواهد رسید، بیش از همه پافشاری می کرد که آمار روزانه مصرف بنزین و نفت را به دست بیاورد تا به عرض برساند و وقتی دیر می شد می گفت چرا ملا نقطی شده اید. زودتر آمار را بفروستید، غافل از اینکه لازمه تهیه آمار دقیق، ملا نقطی بودن است.

به زودی دستور رسید که تجدید نظر در بهای نفت و بنزین بشود و من که از اول مخالف شدید افزایش بها بودم، پیشنهاد کردم که قیمت های اولیه مجدداً برگشت کنند ولی دولت بیش از اینها آبروریزی نمی خواست و بهای بنزین به ۶ ریال لیتری تعیین شد. در این ماجرا وزیر دارایی که هویدا بود بیش از همه مورد طعن و لعن قرار گرفت، در صورتی که به عقیده من از همه کم گناه تر بود. اگر این پیش آمد در هر مملکتی می شد چند نفر زیر ساطور گیوتین می افتادند، در صورتی که در ایران «حالا اهمیت ندارد، از سر تقصیر هم بگذرید» روز به روز بیشتر رواج پیدا کرد تا اصل تقصیر و مقصر نادیده گرفته شد.

آقای دکتر میلانی در مورد وزارت دارایی، در صفحه ۱۶۵ می نویسد که این وزارتخانه فاسد و به دست یک عده نالایق و زد و بندچی (notoriously crook and)



بودجه عمرانی کشور در ۱۴۰۲ فقط برای نگهداری تأسیسات کافیست!

گذشته نتیجه‌ای مطلوبی در این حوزه شاهد نبودیم.»
بودجه نوسازی و بهسازی راه‌های کشور نیز از بودجه عمرانی تأمین می‌شود؛ نگاهی به پروژه‌های خُرد و کلان راه‌های ریلی و جاده‌ای نیز نشان می‌دهد بودجه عمرانی در این بخش هم هر ساله با کمبود روبرو بوده و بخش پیش‌بینی شده هم تخصیص پیدا نکرده است و همه پروژه‌ها با تأخیر در اجرا و تکمیل روبرو هستند.

علی آذری در اینباره گفته که «ما در وضعیت راه‌ها و ریلی کشور هم متأسفانه در حال یک فرصت سوزی بزرگی هستیم لذا تا وضعیت راه‌ها و ریل‌ها به سمت توسعه و تأمین زیر ساخت‌ها سوق پیدا نکند توسعه به‌کندی صورت خواهد گرفت.»

او با توضیح مثالی گفته که «در حالی که مرز باجگیران به عنوان دروازه ورودی پیمان شانگهای مطرح است اما مشاهده می‌کنیم که آزادراه قوچان - چناران - مشهد به‌صورت کامل در دست اقدام انجام نگرفته است هرچند که این پروژه تعریف‌شده و حدود ۷۰ کیلومتر بعد از چناران بحث تملک اراضی ادامه دارد اما این طرح دولت باید در اولویت قرار گیرد.»

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی «یک سازمان ملی می‌تواند در اختیار دولت، مجلس و قوه قضاییه قرار می‌گرفت که در واقع خیلی کشورهای توسعه‌یافته برنامه‌بودجه و محیط‌زیست بانک مرکزی عنوان‌هایی هستند که به‌صورت ملی‌اند و در اختیار دولت‌ها نیستند و اگر ملی بود دولت‌ها به خود اجازه می‌دادند این‌همه افراد را استخدام کنند و بجای آنکه دانسته‌ها را سوق دهیم می‌توانیم به سمت تفکر تولید حرکت نماییم. متأسفانه برنامه‌بودجه به سمت تأمین حقوق رفته است و درواقع چرا بودجه عمرانی این‌قدر مظلوم است باید اذعان کرد که مشکلات بنیادی داریم.»

علی آذری افزوده «در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته همچون ژاپن کل ساختار اداری از تعداد ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار کارمند بیشتر تجاوز نمی‌کند اما ما در ایران تنها ۴۰۰ هزار مدیر در سطح کشور داریم! این موضوع موجب می‌ود که بخش عظیمی از بودجه و دغدغه‌های دولت و اولویت آن به سمت حقوق برود که سبب اعتراض و نگرانی‌های بسیاری هم در می‌آید. اگر بخواهیم بحث بودجه کشور رونقی پیدا کند بالاخره مشکلاتی مانند چاپ پول؛ نقدینگی بی‌حساب و کتاب و استقلال برنامه بودجه در این راه می‌تواند راهگشا باشد.»

وضعیت اعتباری دولت را نیز باید در نظر بگیریم که با لحاظ وضعیت کنونی، ۲۶ درصد افزایش می‌تواند قابل قبول باشد.» رئیس پیشین مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی گفته که «بودجه‌های در نظر گرفته شده برای بخش عمرانی در سال‌های اخیر هیچگاه تخصیص اعتبار کامل پیدا نکرده و عملاً به همین دلیل زیرساخت‌های توسعه کشور دچار مشکل شده است و نیاز به به‌روزرسانی و ترمیم دارد.»

این کارشناس ارشد مسکن نیز تأکید کرده که در برخی سال‌ها تخصیص بودجه عمرانی در حد «صفر درصد» بوده و دولت منابع در نظر گرفته شده برای بخش عمران را برای جبران کسری بودجه استفاده کرده است.

دولت ابراهیم رئیسی نیز در سال جاری با کسری بودجه روبرو بود و به گفته رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی رقم کسری بودجه امسال حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان است. در سال آینده نیز رقم درآمدهای دولت هر چند افزایش یافته اما دستنیافتنی و غیرواقعی هستند. در چنین شرایطی دولت بدون شک باز هم با کسری بودجه روبرو خواهد شد و بودجه عمرانی حکم «دیوار کوتاه» در لایحه را دارد که دولت آن را برای جبران کسری بودجه و پرداخت هزینه‌های جاری کشور صرف خواهد کرد.

البته دولتمردان ابراهیم رئیسی مدعی شده‌اند که در ۹ ماه امسال ۸۳ هزار میلیارد تومان بودجه‌های عمرانی به پروژه‌ها اختصاص یافته است و در سه ماه باقی‌مانده از سال، اختصاص بودجه‌های عمرانی بیشتر از ۹ ماه گذشته از سال خواهد بود.

این رقم با واقعیت‌های آنچه در بخش عمران کشور رخ داده ناهمخوانی دارد. مهمترین پروژه‌ای که دولت باید انجام می‌داد ساخت مسکن ارزان در قالب طرح «نهضت ملی مسکن» بود که هنوز روی هوا مانده و اجرا نشده است. علی آذری عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی معتقد است در شیوه بودجه بخش عمران باید یک «تحول» اساسی صورت بگیرد. او با اشاره به طرح «نهضت ملی مسکن» گفته که «وزارت راه و شهرسازی برای ساخت سریع‌تر واحدهای مسکونی نباید تک بعدی باشد بلکه باید از چند روش در کنار هم استفاده کند از جمله «صنعتی سازی ساختمان» این مهم باید جز سیاست‌های اولویت دار وزارت راه قرار بگیرد. شیوه‌های دیگر استفاده از ظرفیت انبوه سازان و سازندگان معتبر، خود مالکان و مردم سازی ساخت مسکن است. هم اکنون در تأمین زمین ساخت مسکن دچار عقب افتادگی هستیم و در یک سال و نیم

● حتی اگر افزایش صد درصدی بودجه عمرانی به این بخش اختصاص پیدا کند باز هم رقمی ناچیز است و به گفته یک کارشناس تنها برای نگهداری تأسیسات کافیست!
● نگاهی به پروژه‌های خُرد و کلان راه‌های ریلی و جاده‌ای نیز نشان می‌دهد بودجه پیش‌بینی شده برای این بخش هم تخصیص پیدا نکرده و همه پروژه‌ها با تأخیر در اجرا و تکمیل روبرو هستند.

در لایحه بودجه ۱۴۰۲ سهم بودجه عمرانی در ظاهر افزایش ۲۶ درصدی دارد اما در عمل این بودجه تنها برای نگهداری تأسیسات کشور کافیست و نمی‌توان امید به پیشبرد پروژه‌های عمرانی و زیربنایی داشت. از سوی دیگر با توجه به کسری شدید بودجه در کشور به احتمال زیاد امسال هم بودجه عمرانی برای جبران کسری بودجه استفاده خواهد شد.

لایحه بودجه سال آینده با سقف کلی ۵۲۶۱ هزار میلیارد تومان در دولت سیزدهم بسته شده که نسبت به سال جاری حدود ۱۵۰۲ هزار میلیارد تومان و معادل ۴۰ افزایش دارد. یکی از مهمترین بخش‌های بودجه به ویژه برای کشورهای در حال توسعه، بودجه عمرانی است که به پروژه‌های عمرانی و وزارت راه و شهرسازی تعلق می‌گیرد. در سال‌های گذشته بودجه عمرانی فقط رقمی در لایحه بوده و در عمل منابع آن صرف جبران کسری بودجه دولت‌ها شده است. در لایحه امسال نیز بودجه بخش عمرانی ۳۲۷ هزار و ۹۲۰ میلیارد تومان تعیین شده که این میزان نسبت به بودجه سال گذشته ۲۶ درصد افزایش پیدا کرده است.

هرچند رسانه‌های حکومتی «افزایش ۲۶ درصدی» بودجه عمرانی را تبلیغ می‌کنند اما با توجه به کسری بودجه لایحه ۱۴۰۲، بدون شک این مبلغ به بخش عمران تخصیص نخواهد یافت. از سوی دیگر حتی اگر صد درصد بودجه عمرانی به این بخش اختصاص پیدا کند باز هم رقمی ناچیز است و به گفته یک کارشناس تنها برای نگهداری تأسیسات کافی است!

محمود فاطمی عقدا کارشناس ارشد مسکن درباره رقم بودجه عمرانی گفته که «با توجه به وضعیت زیرساخت‌های کشور نمی‌توان گفت افزایش ۲۶ درصدی بودجه بخش عمرانی می‌تواند تا حد زیادی کارگشا باشد، اما با این وجود اگر صد در صد این مبلغ پرداخت شود می‌تواند حداقل تأسیسات را نگهداری کند!»
محمود فاطمی عقدا افزوده که «البته از طرف دیگر



وفاداران به بشار اسد نچنان ولادیمیر پوتین را دوست داشتند که به او لقب «ابو پوتین» داده بودند

سرنوشت مشترک رژیم‌های ایران و سوریه و روسیه

امتیاز بیشتری در راستای منافع راهبردی تهران در معادلات سوریه خواهد داد.

علاوه بر این، ماهیت فرقه‌ای رژیم اسد و ارتباط ایدئولوژیک آن با رژیم ایران، آن را به گزینه‌ای مهم برای اتحاد با تهران تبدیل کرده است. حتی اسد بیش از مسکو به تهران اعتماد دارد، زیرا آل اسد می‌دانند که رژیم تهران از نظر ساختاری هرگز نمی‌تواند از ماهیت فرقه‌گرای خود دور شود. ماهیت فرقه‌ای رژیم سوریه به عنوان ضامن اصلی حضور جمهوری اسلامی ایران در این کشور است، این در حالیست که درباره روسیه تردیدهای داخلی در سوریه وجود دارد مبنی بر اینکه هر آن ممکن است مسکو بر سر خانواده اسد چانه‌زنی و معامله کند.

البته در حال حاضر معادله تغییر اسد به مهره دیگری از سوی روسیه منتفی شده چرا که روسیه و رژیم ایران هر دو به شخص بشار اسد به عنوان نماد پیروزی خود در این کشور که هیچکس نمی‌تواند او را سرنگون کند، نگاه می‌کنند.

بر اساس آنچه گفته شد، شرط محدود کردن نقش جمهوری اسلامی ایران در سوریه توسط مسکو با اولین پهباد ایرانی که ارتش روسیه علیه شهرهای اوکراین به کار برد، برای همیشه از بین رفت و این بدان معناست که اتحاد روسیه پوتین و رژیم ایران برای مسکو عمیق‌تر از برخی مسائل در سوریه است.

برخی کشورها در نتیجه اختلافاتشان با آمریکا یا به بهانه پر کردن خلاءها یا تحمیل نوعی توازن عربی یا منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران مشتاق عادی ساختن روابط با اسد هستند. اما این کشورها باید:

اول سربازان یا مزدوران خود را برای محافظت از رژیم اسد به سوریه بفرستد، همانطور که تهران انجام داد!

و دوم، باید پهبادهای خود را برای جنگ در کنار مسکو در اوکراین بفرستد همانطور که تهران انجام داد!

پس از طی این مراحل این کشورها می‌توانند در سوریه برای خود ناحیه‌ای به دست آورند، اما پس از آنکه رژیم‌های روسیه و ایران با هم آن را تعریف کردند!

*منبع: وبسایت عربی تلویزیون آمریکایی «الحره»

*نویسنده: مصطفی فصیح

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

ملی و ثبات رژیم اسد غافل نبود، زیرا روسیه اولین کشوری است که به ضرورت سرکوب انقلاب مردم سوریه و جلوگیری از دستیابی به اهداف آن خیزش پی برد. مسکو می‌دانست که سقوط اسد بطور مستقیم تأثیرات و پیامدهای منفی برای تهران در پی خواهد داشت و آتش شعله‌های انقلاب مردم سوریه به سمت تهران هم سرایت خواهد کرد و اگر در تهران موفق می‌شد، ناگزیر به دیوارهای کرم‌لین هم می‌رسید. بنابراین در لحظه حساسی که ماشین جنگی اسد که متکی به جمهوری اسلامی بود در مقابل گروه‌های مسلح سوری شروع به عقب‌نشینی کرد، روسیه دست به مداخله نظامی زد و شهرها و روستاهای سوریه را که علیه رژیم اسد قیام کرده بودند با خشونت بی حد و حصر بمباران و انقلاب را به یک جنگ و خشونت‌بار و ویرانگر و خونین تبدیل کرد. به این ترتیب وحدت راه و سرنوشت را دوباره بین تهران و دمشق برقرار و ریختن خون مردم سوریه را مجاز نمود.

در جنگ روسیه علیه اوکراین، تهران که از سوی غرب ناامید شده بود، برای انعقاد یک اتحاد استراتژیک با مسکو خیز برداشت. به گفته ویلیام برنز رئیس سازمان سیا، آمریکا مسئولیت نزدیکی بیش از حد میان مسکو و تهران را بر عهده دارد. زیرا رژیم ایران به دلیل تحریم‌های مربوط به پرونده هسته‌ای و روسیه به دلیل انزوا از سوی آمریکا و اروپا به دلیل جنگ اوکراین، بهم نزدیک شدند.

پس از جنگ اوکراین و افزایش نقش نظامی رژیم ایران در کنار روسیه، عملاً دیگر نمی‌توان مسیر راهبردی این دو را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از هم جدا کرد.

آنچه تهران در این جنگ در اختیار مسکو قرار داد، اینست که رژیم جمهوری اسلامی به عنوان تنها متحد آشکار روسیه که ممکن است هزینه این ماجراجویی را در آینده بپردازد، معرفی می‌شود. رژیم جمهوری اسلامی در چندین پرونده که مهم‌ترین آنها پرونده سوریه است با روس‌ها از نظر استراتژیک اتفاق نظر دارد گرچه در برخی موارد از نظر تاکتیکی با هم اختلاف دارند.

از این رو، همه شایعات اخیر درباره کاهش نقش جمهوری اسلامی ایران در سوریه در نتیجه فشار روسیه بر حکومت ایران نه تنها درست نیست بلکه مسکو به بهای نقشی که رژیم ایران در جنگ اوکراین ایفا می‌کند، به آن

● جمهوری اسلامی در سوریه سرنوشت تهران را به دمشق گره زد و پس از جنگ اوکراین و افزایش نقش نظامی رژیم ایران در کنار روسیه، مسیر راهبردی تهران و مسکو نیز در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بهم پیوند خورد. ● آنچه تهران در این جنگ در اختیار مسکو قرار داد، اینست که رژیم جمهوری اسلامی به عنوان تنها متحد آشکار روسیه که ممکن است هزینه این ماجراجویی را در آینده بپردازد، معرفی می‌شود.

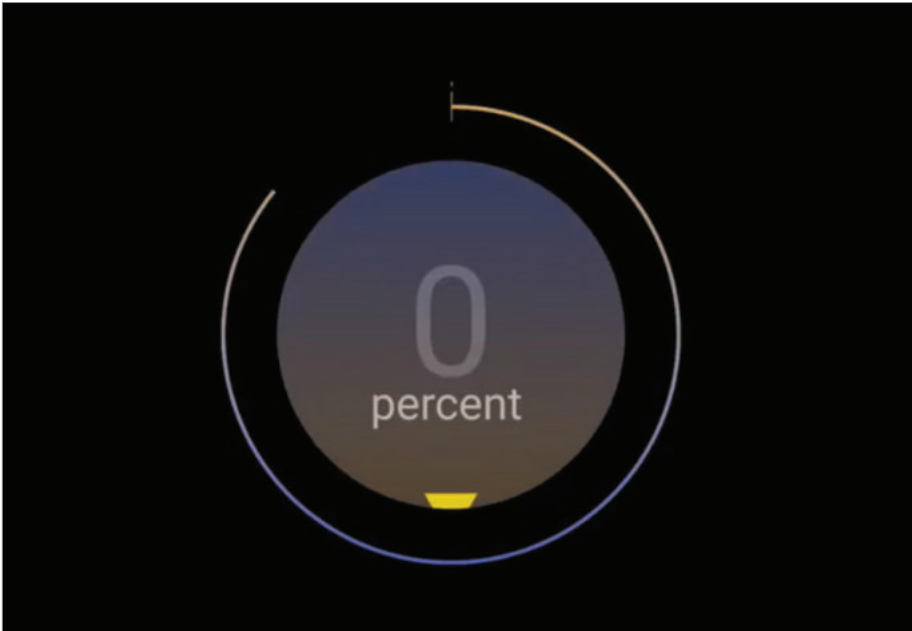
● همه شایعات اخیر درباره کاهش نقش جمهوری اسلامی ایران در سوریه در نتیجه فشار روسیه بر حکومت ایران نه تنها درست نیست بلکه مسکو به بهای نقشی که رژیم ایران در جنگ اوکراین ایفا می‌کند، به آن امتیاز بیشتری در راستای منافع راهبردی تهران در معادلات سوریه خواهد داد.

مصطفی فصیح (شرق الاوسط) - از پایان جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۹۰ تا تاریخ خروج ارتش اشغالگر سوریه از لبنان در سال ۲۰۰۵، قشر سیاسی لبنان شعار وحدت راه و سرنوشت سوریه و لبنان را به منظور توجیه تسلیم خود در برابر اراده رژیم اسد ترویج می‌کرد. رژیم سوریه در آن زمان تمام مفاصل دولت لبنان، نهادها، احزاب و نقش آنها را کنترل می‌نمود و حتی تلاش می‌کرد کل جامعه لبنان را با اعمال امنیتی خود از طریق به کار گرفتن دستگاه امنیتی مشترک سوریه - لبنان مرعوب کند و همه صداهای مخالف را محاصره، سرکوب، تبعید، زندانی یا منزوی کند.

شعار «وحدت در سرنوشت» تنها یک هدف داشت و آن پیوند دادن مسیر و سرنوشت دو رژیم به یکدیگر بود به این معنی که سقوط قیمومیت سوریه بر لبنان باعث بی‌ثباتی و سقوط رژیم آل اسد در سوریه می‌شود. رژیم جمهوری اسلامی نیز بعدها برای حضور پرهزینه خود در سوریه چنین رویکردی داشت. پس با آغاز انقلاب مردم سوریه علیه اسد، رژیم تهران برای حفاظت از اقتدار خانواده اسد خیز برداشت و سقوط اسد در دمشق را باعث بی‌ثباتی داخلی و تضعیف خود در خارج دانست و شعار وحدت راه و سرنوشت دمشق با تهران را مطرح کرد.

مسکو از وضعیت سوریه و ایران و ارتباط آنها با امنیت

نگاهی به یک نظرسنجی علمی از ایرانیان؛ آینده‌ای برای حکومتگران اسلامی در افق سیاسی ایران دیده نمی‌شود



● آنچه در پژوهش نظرخواهی، «تاثیر پروانه‌ای» نامیده می‌شود، در جمهوری اسلامی وجود دارد. تمام رویدادها غیرقابل پیش‌بینی بوده‌اند؛ به بیان ساده، آنها توسط هیچ گروه مخالف خاصی، برنامه‌ریزی و رهبری نشده‌اند، هماهنگی اپوزیسیون هم بر اساس درک عمیق از باور عمومی بر ارزش‌های مشترک در میان معترضان شکل گرفته است.

● حتی اگر رژیم بر فرض محال، به سرکوب اعتراض‌های سراسری موفق بشود، دشمنی حاکم بر فضای ایران با رژیم مذهبی همچنان باقی خواهد ماند و بحران‌های جاری زیست محیطی و اجتماعی و اقتصادی که از فساد و دزدسالاری حکومتگران و عوامل آنها ناشی می‌شود، تاثیرات «پروانه‌ای» بر امور خواهند داشت و خواه ناخواه به حوادث غیرقابل پیش‌بینی در ایران خواهد انجامید و احتمال قوی وجود دارد که جمهوری اسلامی از هجوم حوادث آینده جان سالم به در نبرد؛ حتا واگذاری امور حکومتی به شایسته‌سالاران و تکنوکرات‌ها نیز تنها می‌تواند بطور موقت به نظام، فرصت بقا بدهد ولی با توجه به تحولات اخیر، در افق سیاسی ایران بطور کلی آینده‌ای برای حکومتگران اسلامی دیده نمی‌شود.

● تمام سازمان‌های معتبر نظرسنجی می‌کوشند از پرداختن به متغیرهای انبوه بپرهیزند. به نظر می‌رسد که برخی سازمان‌های نظرسنجی، به ویژه آنهایی که در ایران و یا برای ایران فعال بوده و هستند، این شیوه استفاده از متغیرها را با هدف خاصی انجام می‌دهند، مثلا می‌بینید که ابراهیم رئیسی که از منفوترترین و کم‌سوادترین افراد در کادر رهبری جمهوری اسلامی است، با ۱۷٪ یکبارہ در ردیف رهبران مورد اقبال در ایران قرار داده می‌شود؛ و یا در موردی دیگر، ۳۰٪ مردم پرچم جمهوری اسلامی را قبول دارند و آن را به پرچم ملی و تاریخی ایران ترجیح می‌دهند؛ در حالی که استفاده از بعضی متغیرها و تعمیم دادن پرسش‌ها به یک نظرسنجی سیاسی، بزرگترین خطائی است که در چنین پروژه‌ای ممکن است رخ دهد و «پژوهشگر» می‌تواند با اعمال چنین روشی، یک باور سیاسی را به مخاطبان القاء کند!

نادر صدیقی - در ایران به دنبال کشته شدن دختر جوان ۲۲ ساله، مهسا «ژینا» امینی، در بازداشت گشت ارشاد اسلامی، اعتراضات بزرگی از سوی ایرانیان شروع شد که به سرعت ماهیت ضدحکومتی گرفت و تا کنون نیز ادامه دارد. این اعتراضات مهمترین و منسجم‌ترین خیزش اعتراضی طی ۴۴ سال گذشته محسوب می‌شود.

به سخن دیگر، خشم از رژیم جمهوری اسلامی سراسر ایران را فراگرفته و زن و مرد و شهری و روستائی را در برابر حکومت

متحد ساخته است. جوانان ایران موتور محرکه اعتراض‌ها هستند و حاضرند برای ارزش‌های والایی مانند میهن و آزادی، جان فدا کنند. در برابر، رژیم مذهبی به سرکوب وحشیانه معترضان دست زده و به صدور احکام اعدام، بازداشت‌های غیرقانونی، شکنجه و حبس‌های طولانی‌مدت پرداخته است.

«انستیتو پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (Empirical Research and Forecasting / ERFI) یک سازمان تخصصی استفاده از روش‌های آماری در مطالعه افکار و عقاید عمومی در آمریکاست که در یک نظرسنجی به بررسی کُمی، علل و ویژگی‌های اعتراضات اخیر در ایران پرداخته و پرسش اصلی از ایرانیان را بر این محور قرار داده است که: انگیزه شما از تظاهرات اعتراض‌آمیز، با وجود خطراتی که زندگی شما را تهدید می‌کند، چیست؟

نتایج حاصله، فرضیه اصلی این پژوهش را قاطعانه تأیید می‌کند که اکثر تظاهرکنندگان برای به دست آوردن ارزش‌هایی چون آزادی، عدالت، آینده‌ای بهتر و ابراز احساسات میهن‌پرستانه به خیابان‌ها آمده‌اند. میهنی که در چارچوب باورهای ایدئولوژی دینی حاکمان کنونی ایران مفهومی انتزاعی و نه التزامی دارد. جان باختن مهسا امینی زنجیره مخالفت‌های اجتماعی را برانگیخت و البته تنها یک تکانه بود، چرا که حدود ۱۰٪ از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی، شرکت خود در اعتراضات را با جان باختن مهسا امینی توجیه کرده‌اند.

یافته‌های نظرسنجی نشان می‌دهد که تظاهرکنندگان ایرانی به دنبال اصلاح نظام سیاسی کنونی نیستند و می‌خواهند به رژیم مذهبی ۴۴ ساله پایان دهند.

حدود ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان به رضاشاه بنیانگذار سلسله پهلوی احترام می‌گذارند و نوستالژی پهلوی‌خواهی در میان جوانان ایران جریانی مداوم است. این یکی از عوامل نگرانی عمیق جمهوری اسلامی شده و علی‌خامنه‌ای رهبر این جمهوری و پایوران کوچک و بزرگ آن علیه این پدیده بارها موضع‌گیری کرده و اتهامات ۴۴ سال گذشته علیه رضاشاه بزرگ را تکرار کرده‌اند.

شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی همچنین تأکید کرده‌اند که: - از یک رفتارندوم آزاد حتی بدون رضایت و مشارکت حکومت فعلی استقبال می‌کنند.

- خواستار پایان گفتگوهای اتمی در چارچوب توافق ملغی شده برجام و اجرای کامل تحریم‌های موجود آمریکا علیه صادرات نفت خام ایران به چین هستند.

- خواهان اجرای عدالت در پاسخ به وحشیگری‌ها و بی‌عدالتی رژیم و فساد توأمان آن هستند.

- و بخشی نزدیک به نیمی از پاسخ‌دهندگان [متأسفانه] از

حمله نظامی خارجی علیه جمهوری اسلامی حمایت کرده‌اند. معترضان به دنبال سرنگونی جمهوری اسلامی‌اند. اصلاحات به هیچ وجه، چاره‌ساز رژیم نیست. مجموعه این داده‌های آماری از میزان استیصال ایرانیان از وجود حکومت مذهبی حکایت می‌کند.

آنچه در پژوهش نظرخواهی، «تاثیر پروانه‌ای» نامیده می‌شود، در جمهوری اسلامی وجود دارد:

- تمام رویدادها غیرقابل پیش‌بینی بوده‌اند؛ به بیان ساده، آنها توسط هیچ گروه مخالف خاصی، برنامه‌ریزی و رهبری نشده‌اند، هماهنگی اپوزیسیون هم بر اساس درک عمیق از باور عمومی بر ارزش‌های مشترک در میان معترضان شکل گرفته است.

- تمامی اعتراض‌ها علیه رژیم و زبان معترضان علیه علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بوده و مفاهیم آنها خصمانه‌تر شده است.

- خامنه‌ای به دلیل کشتار ده‌ها تن از کودکان، نوجوانان و جوانان دختر و پسر، با عنوان «ضحاک»، اسطوره خونخوار در افسانه‌های شاهنامه فردوسی معرفی می‌شود.

- جوانان فریاد می‌زنند «مرگ بر خامنه‌ای» و از او به عنوان منفورترین سیاستمدار تاریخ ایران یاد می‌کنند.

- علی‌خامنه‌ای همچنین عامل اصلی بحران‌های اقتصادی معرفی شده و تفکر انقلابی کلاسیک و تمایل بی‌وقفه او به رویارویی با غرب، ایران را منزوی کرده است.

حتی اگر رژیم بر فرض محال، به سرکوب اعتراض‌های سراسری موفق بشود، دشمنی حاکم بر فضای ایران با رژیم مذهبی همچنان باقی خواهد ماند و بحران‌های جاری زیست محیطی و اجتماعی و اقتصادی که از فساد و دزدسالاری حکومتگران و عوامل آنها ناشی می‌شود، تاثیرات «پروانه‌ای» بر امور خواهند داشت و خواه ناخواه به حوادث غیرقابل پیش‌بینی در ایران خواهد انجامید و احتمال قوی وجود دارد که جمهوری اسلامی از هجوم حوادث آینده جان سالم به در نبرد؛ حتا واگذاری امور حکومتی به شایسته‌سالاران و تکنوکرات‌ها نیز تنها می‌تواند بطور موقت به نظام، فرصت بقا بدهد ولی با توجه به تحولات اخیر، در افق سیاسی ایران بطور کلی آینده‌ای برای حکومتگران اسلامی دیده نمی‌شود.

از شرکت‌کنندگان پرسیدیم خودتان را در کدام سپهر سیاسی می‌بینید؟ از چپ به راست: انقلابی، اصلاح‌طلب، هیچکدام، بدون پاسخ

جزئیاتی از داده‌های کلیدی نظرسنجی

نکته قابل توجه در این نظرسنجی اینست که اکثریت بزرگ شرکت‌کنندگان از جوانان و میانسالان بوده‌اند که

گروه‌های سنی ۱۷ تا زیر ۵۰ سال را تشکیل می‌دهند. نتایج به دست آمده خواسته‌های این قشر پرتوان و تاثیرگذار جامعه امروز ایران را به شرح زیر تصویر می‌کند:

۱- امید برای آینده‌ای بهتر (۷۱٪) و آرزوی قوی برای آزادی (۴۹٪) از جمله هدف‌های شرکت کنندگان در نظرسنجی است. ۲- ۴٪ شرکت کنندگان به اصلاح جمهوری اسلامی ابراز تمایل کرده‌اند که در مقایسه با سایر شرکت کنندگان، گروهی حاشیه‌ای به شمار می‌روند. حدود ۳۹٪ به مبارزه با فساد دولتی ابراز تمایل کرده‌اند و به باور ۱۷٪ از پاسخ‌دهندگان «مها امینی» دلیل اصلی اعتراضات معرفی شده است.

۳- در مجموع ۵۴/۴۱٪ از پاسخ‌دهندگان از حمله نظامی [خارجی] علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پشتیبانی می‌کنند. ۴- حدود ۷۱٪ از پاسخ‌دهندگان خود را «انقلابی» می‌دانند. این افراد یک گذار اساسی در ایران را دنبال می‌کنند که شامل عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی می‌شود.

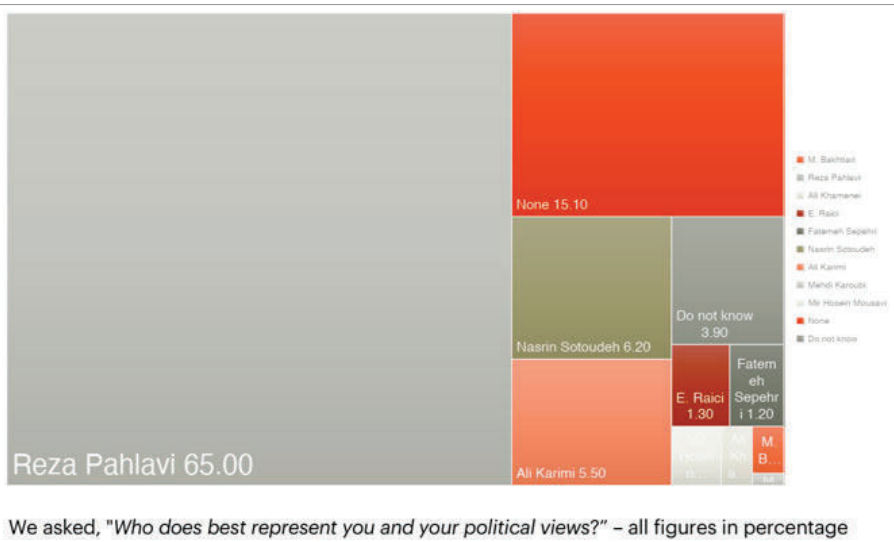
۵- ۸۶٪ از این انقلابیون هیچ ترسی از سرکوب جمهوری اسلامی ندارند. از طرفی ۴۶٪ از پاسخ‌دهندگانی که نتوانستند خود را در هیچ اردوگاه سیاسی قرار بدهند، به دلیل عواقب احتمالی مشارکت در نافرمانی مدنی اخیر و جنبش ضد رژیم، ترس قابل توجهی از سیستم قضایی رژیم داشتند.

۶- ۸۴٪ از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که مایل به استفاده از اسلحه گرم علیه جمهوری اسلامی هستند، در حالی که ۹۴/۴٪ فعالیت‌های خود را به نافرمانی مدنی مسالمت‌آمیز محدود کرده‌اند. تفاوتی حدود ۸٪ با کسانی که برخورد مسلحانه را ترجیح می‌دهند ولی این نظرسنجی به وضوح نشان می‌دهد که اکثریت جامعه، موافق برخورد مسلحانه با ماموران رژیم نیستند و نافرمانی مدنی و راه‌های دور از خشونت را در ارتباط با حکومت ترجیح می‌دهند.

از جمله این نافرمانی‌ها، در نگاه دقیق به داده‌های اطلاعاتی همین نظرسنجی به دست می‌آید:

۷- بیش از ۹۶٪ درصد معترضان در ایران خواستار اعتصابات گسترده در بخش‌های خصوصی و دولتی از جمله بازار هستند. این نکته نشانه هوشمندی جوانان ایران در سنجش کاربرد اقداماتی از قبیل اعتصاب است. اعتصاب‌ها اگرچه بر جوامع مصرف کننده، عرضه کننده، تولید کننده، وارد کننده و سایر عوامل اقتصادی از تولید تا توزیع و نهایتاً مصرف کننده کالا تأثیر می‌گذارد، ولی برای رسیدن به یک هدف مهمتر، هزینه کمتری دارد و جالب است که در میان پاسخ دهندگان به این پرسش، طیف متنوعی از افرادی دیده می‌شوند که اگرچه به طبقات گوناگون جامعه تعلق دارند ولی پاسخ‌شان به مسئله برخورد مسلحانه در مقابل نافرمانی دور از خشونت، یکی است.

۸- ۹۴٪ خواهان دسترسی به اینترنت رایگان شده‌اند تا مبارزه و مقابله با خشونت نیروهای انتظامی و سپاه را بازتاب دهند. منظور از اینترنت رایگان لزوماً به مفهوم داشتن یک سرویس مجانی نیست بلکه اشتیاق به امکان بهره‌مندی از اینترنت ماهواره‌ای است. این اشتیاق پس از ابتکار ایلان ماسک میلیاردر مبتکر و کارآفرین معروف آمریکایی، در بسیاری از جوامع از جمله در ایران یکباره به گرایش اجتماعی گسترده‌ای تبدیل شد. آنچه در ایران دلیل چنین استقبالی تلقی می‌شود، محدودیت‌های بی‌غری است که حکومت اسلامی علیه جوانان ایران اعمال می‌کند که البته تبعات منفی آن بسیاری از کسانی را هم که فعالیت‌های بازرگانی آنلاین دارند، شامل می‌شود و به همه آسیب می‌زند. چندی پیش مجتبی توانگر رئیس کمیته اقتصاد دیجیتال مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای خطاب به ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم جمهوری اسلامی اعلام کرد که: «قطع اینترنت در ایران، طی یک سال ۷۷۳ میلیون دلار خسارت اقتصادی برای شهروندان به بار آورده و ده‌ها میلیون شهروند از دسترسی به بسیاری از خدمات و ارتباطات مورد نیازشان محروم گشته و ده‌ها هزار کسب و کار کوچک و بزرگ آسیب‌های جبران‌ناپذیری متحمل شده‌اند و بنا بر آمار و مستندات گوناگون، کمر اقتصاد دیجیتال کشور شکسته است». او در این نامه هشدار داده که: «ادامه چنین وضعیتی،



از شرکت کنندگان پرسیدیم کدام شخص به بهترین شکل نگرش سیاسی شما را نمایندگی می‌کند؟ به ترتیب رضا پهلوی، هیچ‌کدام، نسرين ستوده، علی کریمی، فی‌دائم، ابراهیم رئیسی، فاطمه سپهری و...

یک همبستگی ملی در چارچوب شعاری مانند: «از زاهدان تا تهران- جانم فدای ایران» متبلور شده و بر مردود شمردن تلاش و شایعات جدایی‌طلبان و بر همبستگی ساکنان چهارگوشه ایران تأکید می‌کند.

نحوه جمع‌آوری داده‌ها

در این نظرسنجی ۲۲۶۲ شهروند ایرانی مورد پرسش قرار گرفتند و نمونه‌ای از حدود ۶۰۰ تن برگزیده شد که مستقیم در اعتراضات اخیر در داخل ایران نقش داشتند. اکثر شرکت کنندگان در نظرسنجی، یعنی ۷/۶۴٪، نوجوانان و جوانان و میانسالان زیر ۵۰ سال بودند و حدود ۲۱٪ شرکت کنندگان را افراد مسن‌تر تشکیل می‌دادند. حدود ۷۸٪ درصد از پاسخ دهندگان دارای مدرک دانشگاهی هستند که بطور قابل توجهی بالاتر از میانگین توزیع فعلی در جمعیت ایران (۲/۴۶٪) است. ۵۱٪ شرکت کنندگان مرد و ۴۹٪ زن هستند. ۷/۹۶٪ از پاسخ دهندگان در کلانشهرها ساکنند.

از شهروندانی که در ایران فعالانه در اعتراضات اخیر شرکت داشتند، به وضوح خواسته شده بود تا ۳۱ سؤال را که شامل ۵۷ متغیر بودند، پاسخ دهند. ولی تأکید نظرسنجی بر مبنای دو متغیر اساسی تنظیم شد: یکی جنسیت و دیگری سن افراد. اگر متغیرهای اساسی بیشتری استفاده می‌شد، از کیفیت داده‌ها می‌کاست و از نظرات شرکت کنندگان دور می‌شد. تمام سازمان‌های معتبر نظرسنجی می‌گویند که پرسش‌ها به متغیرهای انبوه بپیروند. به نظر می‌رسد که برخی سازمان‌های نظرسنجی، به ویژه آنهایی که در ایران و یا برای ایران فعال بوده و هستند، این شیوه استفاده از متغیرها را با هدف خاصی انجام می‌دهند، مثلاً می‌بینید که ابراهیم رئیسی که از منفورترین و کم‌سوادترین افراد در کادر رهبری جمهوری اسلامی است، با ۱۷٪ یکباره در ردیف رهبران مورد اقبال در ایران قرار داده می‌شود! و یا در موردی دیگر، ۳۰٪ مردم پرچم جمهوری اسلامی را قبول دارند و آن را به پرچم ملی و تاریخی ایران ترجیح می‌دهند! استفاده از بعضی متغیرها و تعمیم دادن پرسش‌ها به یک نظرسنجی سیاسی، بزرگترین خطائی است که در چنین پروژه‌ای ممکن است رخ دهد و «پژوهشگر» می‌تواند با اعمال چنین روشی، یک باور سیاسی را به مخاطبان القاء کند!

«انستیتو پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (Empirical Research and Forecasting ERFI) نظرسنجی خود را روز ۲۸ مهر ۱۴۰۱ خورشیدی (۲۰ اکتبر ۲۰۲۲) ساعت ۱۴ به وقت اروپای مرکزی آغاز کرد و روز ۴ آذر ۱۴۰۱ خورشیدی (۲۵ نوامبر ۲۰۲۲) در ساعت ۲۲ به وقت اروپای مرکزی به پایان برد.

خود می‌تواند عاملی برای تولد درگیری‌های تازه، ایجاد ناامنی، اعتراض‌های بیشتر و احتمالاً «آشوب آفرینی» شود. با تمام محدودیت‌ها می‌بینیم که تکنولوژی به پیشرفت خود ادامه می‌دهد و حکومت وابسته به ایدئولوژی درمانده می‌ماند. ۹- بیش از ۶۵٪ از شرکت کنندگان در نظرسنجی، رضا پهلوی را به عنوان محبوب‌ترین رهبر اپوزیسیون و نماینده خود می‌دانند. پس از وی، با فاصله‌ی بسیار، نسرين ستوده، فعال زندانی حقوق بشر با ۲/۶٪ و علی کریمی از نامداران فوتبال در ایران با ۵/۵٪ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. البته اینها تنها نام‌هایی نیستند که در نظرسنجی از شرکت کنندگان در باره آنها پرسش شده بود؛ کسانی مانند مریم رجوی هم بودند و همچنین دیگران که هیچ‌یک کمتری رأی نیاوردند. ۱۰- ۹۸٪ معترضان، خواهان برگزاری یک رفراندوم آزاد هستند تا از این طریق به جمهوری اسلامی و دگرترین انقلابی آن که آیت‌الله خمینی در سال ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی) معرفی و به ایرانیان تحمیل کرد، پایان دهند. نمونه وزنی نظرسنجی نشان می‌دهد که ۱/۹۹٪ درصد معترضان مخالف جمهوری اسلامی هستند. حتی پاسخ دهندگان وفادار به علی خامنه‌ای نیز از تغییر در جمهوری اسلامی استقبال می‌کنند. در این مورد، نتیجه نهائی حاکی از آن است که محبوبیت علی خامنه‌ای حتی در میان هوادارانش نیز کاهش یافته است. نکته قابل تعمق در رقم ۹۹٪ این است که درست چنین رقمی به ادعای خمینی و طرفدارانش، در رفراندوم کاذب انقلاب اسلامی (۱۲ فروردین ۱۳۵۸) و برای استقرار نظام جمهوری اسلامی ثبت شد. منتها تفاوت عمده این دو رقم مشابه، در کمیت و ماهیت آنهاست. تفاوت اول در میزان آنها و به عبارتی مورد کمی رقم‌هاست. در آغاز سال ۱۳۵۸ تعداد رای دهندگان موافق جمهوری اسلامی با آن شیوه غیرومکارانیک در رای‌گیری، بسیار کمتر از جمعیت امروزی بود. به عبارتی میزان مخالفت تمام‌عیار با حکومتی به نام جمهوری اسلامی، بیش از دو برابر، افزایش پیدا کرده است.

۱۱- ارزیابی آماری داده‌ها نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان در این نظرسنجی برای اجرای عدالت در برابر فساد رژیم، سیاست سرکوب رژیم و نیز جان باختن مهسا امینی ۲۲ ساله در ایران انگیزه داشته‌اند. انگیزه تردیدناپذیر انقلابیون امروز، عدالت، آزادی، عشق به میهن و حقوق بشر است. یک نکته مهم دیگر داده‌های اطلاعاتی در نظرسنجی این است که برای بسیاری از مردم ایران، امروزه، دین و برادری با فلسطین، هیچ نقشی در نظام ارزشی معترضان ندارد. البته این یک دگرگونی تازه نیست. از سال‌ها پیش مردم فریاد می‌زنند «نه غزه، نه لبنان- جانم فدای ایران». امروزه این شعار در

رژیم ایران در تنگنای شکاف‌ها و ریزش‌های درونی

● گذشت نزدیک به چهار ماه از آغاز جنبش سراسری ایرانیان و تبدیل آن به یک نیروی واقعی نه تنها ثبات و استقرار جمهوری اسلامی را مختل کرده بلکه باعث تشدید نگرانی مقامات رژیم در مورد بقای آن شده است. رژیم تهران برای جلوگیری از ادامه جنبش ابتدا از روش‌های گوناگون ارباب و سرکوب استفاده کرد و سپس به همه نخبگان خود اعم از اصلاح‌طلب، میانه‌رو و اصولگرا درباره خطر سقوط جمهوری اسلامی هشدار داد.

● اعدام اکبری در این مرحله، پیامی بسیار قوی و واضح برای شمعانی، لاریجانی و قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی فعلی دارد که برای کمک گرفتن از رهبران اصلاح‌طلب، اعتدالگرا یا خانواده‌های خمینی و هاشمی رفسنجانی و ارتباط آنها با برخی نیروهای اجتماعی و دعوت از نخبگان سیاسی و یا شنیدن نظرات آنها و برای یافتن راهی جهت خروج از بحران کنونی رژیم و پر کردن شکاف میان مردم و نظام تلاش می‌کنند.

مصطفی فحس (شرق الاوسط) - اغراق آمیز نیست اگر بگوییم شکاف‌ها و ریزش‌هایی در ساختار رژیم جمهوری اسلامی به جود آمده و رهبران آن از راه‌های مختلف تلاش می‌کنند از علنی شدن این ریزش‌ها جلوگیری کنند.

تصمیم به اعدام علیرضا اکبری معاون سابق وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران که بیش از سه سال به اتهام جاسوسی در بازداشت بسر می‌برد، شاید یکی از روش‌های بازدارندگی رژیم برای ارباب مقامات سیاسی خود و جلوگیری از جدایی یا حتی فکر کردن به جدایی از ساختار رژیم یا حمایت از معترضان باشد.

گذشت نزدیک به چهار ماه از آغاز جنبش سراسری ایرانیان و تبدیل آن به یک نیروی واقعی نه تنها ثبات و استقرار جمهوری اسلامی را مختل کرده بلکه باعث تشدید نگرانی مقامات رژیم در مورد بقای آن شده است. جنبش سراسری ایرانیان اکنون دیگر مرزهای داخلی را درنور دیده و رژیم اسلامی که قادر به مهار کردن آن نیست، هزینه عدم پاسخگویی به خواسته‌های عینی و موضوعی مردم را که بلافاصله پس از کشته شدن مهسا امینی فرصتی دوباره برای طرح شدن یافت می‌پردازد.

رژیم تهران برای جلوگیری از ادامه جنبش ابتدا از روش‌های گوناگون ارباب و سرکوب استفاده کرد و سپس به همه نخبگان خود اعم از اصلاح‌طلب، میانه‌رو و اصولگرا درباره خطر سقوط جمهوری اسلامی هشدار داد.

محمود حسینی پور استاندار مازندران در اوایل آغاز بحران



حسن خمینی و علی خامنه‌ای

اموال و اسناد مردم و کشور به عنوان یکی از روش‌های اجرایی برای جلوگیری از شکاف‌های و ریزش درونی رژیم در حال تدوین است. اما طرف دیگر ساختار رژیم اسلامی یعنی اردوگاه تندروهای «انقلابی» که با کنترل و مهندسی انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، قانونگذاری و انتصاب مقامات قضایی یکدست بودن رژیم را احیا کردند، مجازات اعدام و پایان دادن به آینده سیاسی هر کسی را در نظر گرفته‌اند که به فرار یا ایجاد تمایز به دور از اراده این اردوگاه فکر کند.

از این رو جناح تندرو رژیم جمهوری اسلامی تصمیم به اعدام اکبری یکی از مهره‌های نزدیک به علی شمعانی دبیر شورای امنیت داخلی و عضو سابق تیم مذاکره کننده هسته‌ای در زمان علی لاریجانی که ۳ سال پیش به اتهام جاسوسی برای بریتانیا دستگیر شده بود، صادر کرد.

تصمیم اعدام اکبری تنها به دایره اتهامات جاسوسی محدود نمی‌شود، بلکه به امور سیاسی کشور، مقامات ارشد کنونی رژیم و شخصیت‌هایی که با آنها کار می‌کنند، مربوط می‌شود. اعدام اکبری در این مرحله، پیامی بسیار قوی و واضح برای شمعانی، لاریجانی و قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی فعلی دارد که برای کمک گرفتن از رهبران اصلاح‌طلب، اعتدالگرا یا خانواده‌های خمینی و هاشمی رفسنجانی و ارتباط آنها با برخی نیروهای اجتماعی و دعوت از نخبگان سیاسی و یا شنیدن نظرات آنها و برای یافتن راهی جهت خروج از بحران کنونی رژیم و پر کردن شکاف میان مردم و نظام تلاش می‌کنند. به این ترتیب، تصمیم به اعدام اکبری نشان می‌دهد که نبرد تسویه حساب‌های سخت در اردوگاه تندروها و نزاعی جدی در میان جناحین رژیم بر سر دوره انتقالی و روند انتخاب رهبر جدید پس از مرگ خامنه‌ای آغاز شده و فصلی خونین در پیش خواهد داشت.

*منبع: روزنامه شرق الاوسط

*نویسنده: مصطفی فحس

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

به این موضوع اشاره کرد و به مسئولان اصلاح‌طلب و اصولگرا هشدار داد که اگر در آینده اتفاقی برای نظام بیفتد هیچیک از آنها نمی‌توانند از خشم مردم و مجازات فرار کنند و «اول از همه» اعدام خواهند شد.

با این حال هشدار این مسئول نه تنها از سوی تصمیم‌گیران ارشد رژیم در نظر گرفته نشد بلکه تعدادی از تندروهای رژیم و برخی از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنان به تهدید معترضان و مجازات‌های سنگین متوسل شدند. یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران ضمن تهدیدی گفت بحران کنونی «نشان داد که چه کسی در کنار ما و چه کسانی در مقابل ما ایستاده‌اند و آنها که در برابر ما ایستاده‌اند، در آینده پاسخگو خواهند بود».

تهدیدهای سپاه پاسداران پیامی آشکار برای همه کسانی به شمار می‌رود که به نحوی با معترضان ابراز همدردی کرده و از مطالبات برحق آنها حمایت نموده یا از مقامات بالاتر یعنی رهبر جمهوری اسلامی خواسته بودند که به خواست‌های مردم گوش فرا دهد و با گرفتن تصمیمات جسورانه جلوی خشونت را که توسط دستگاه ایدئولوژیک رژیم اعمال می‌شود بگیرد. پیام تهدید سپاه پاسداران شامل همه کسانی مانند رؤسای جمهوری از خاتمی و روحانی گرفته تا خانواده رفسنجانی و میرحسین موسوی که زمانی از زمامداران نظام جمهوری اسلامی بودند رسیدند. پیام تهدید سپاه همچنین شامل همه نخبگان فرهنگی، رسانه‌ای و ورزشی و سیاستمداران سابق که اغلب آنها اکنون آشکارا از جنبش اعتراضی مردم ایران حمایت می‌کنند، شده است. افزایش شکاف‌ها و تشویش و نگرانی از ریزش‌های درونی رژیم زیر بار سنگین اعتراضات فزاینده و تشدید انتقادات از درون نهادهای حکومتی، رهبران رژیم را بر آن داشت تا دست به اقدامات قاطع تری بزنند.

به همین دلیل لایحه قانون ممنوعیت سفر مقامات سابق به خارج کشور توسط جلال رشیدی کوچی نماینده استان فارس تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. این لایحه به بهانه حفظ

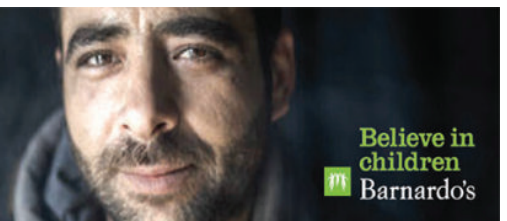
Boloh مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:

۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵

تماس بگیرید.



Believe in
children
Barnard's



علی خامنه‌ای در کنار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی قاتل مردم ایران و شریک جرم روسیه در تجاوز به اوکراین: سناریوی عملیات ترکیبی علیه رژیم ایران بسط پیدا کرده است

زمین و زیر کوه‌ها فعال‌اند بدون پیاده کردن نیرو در ایران ناپود کند. فقط ایالات متحده هواپیماهایی دارد که قادر به حمل bunker buster (بمب سنگر شکن) است. هرچند در زمان باراک اوباما برنامه‌هایی برای اقدام نظامی علیه رژیم ایران تدارک دیده شده بود اما اکنون این سناریوها بسط پیدا کرده است. البته اسرائیل می‌تواند با پرتاب موشک از زیر دریایی‌هایش و پیوستن به ایالات متحده در حملات هوایی و نیز اشتراک‌گذاری اطلاعات و انجام خرابکاری‌ها و ترور به حمله احتمالی ملحق شود.

دنیا با رژیم‌های طرف است که برای ادامه ادامه غنی‌سازی انگیزه کافی دارد. از سوی دیگر پایین آمدن اعتبار بین‌المللی رژیم ایران، هزینه‌های دیپلماتیک برای یک حمله را کاهش می‌دهد. انگیزه «ائتلاف منطقه‌ای» شامل اسرائیل و شرکای منطقه‌ای آن، برای استفاده از گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی کم نیست. اتفاقاً با وجود اختلاف میان تل‌آویو و واشنگتن در دوران ریاست جمهوری بایدن، ایالات متحده حمایت خود را از «عملیات ترکیبی» علیه رژیم ایران به صراحت اعلام کرده است. ارتش ایالات متحده هم ظرفیت تخریب زیرساخت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی را دارد.

البته باید پرسید که چقدر از این موارد بیشتر از آنکه برای اجرا باشد، جزئی از یک غایب است. حمایت ایالات متحده از اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی می‌تواند بیشتر برای اطمینان دادن به اسرائیل از همراهی واشنگتن باشد اما در عین حال این پیام را نیز منتقل کند که در چنین حمله‌ای اسرائیل به تنهایی نمی‌تواند موفق شود. همچنین اعلام احتمال اقدام نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل نیز ممکن است به همان اندازه با تشویق جمهوری اسلامی برای بازگشت مجدد به برجام و به تأخیر انداختن غنی‌سازی تسلیحاتی مرتبط باشد. چرا که بعید نیست بحران‌هایی که رژیم ایران را احاطه کرده همراه تحریم‌های کمرشکن آنرا به سمت مصالحه سوق دهد.

«فارین پالیسی» در پایان می‌نویسد وضعیت رویکرد دولت بایدن به سمت «بازدارندگی قاطعانه‌تر» با تهدید به حمله در صورتی که جمهوری اسلامی بیش از حد برنامه هسته‌ای خود را جلو برد، ممکن است زمان ببرد، اما این زمان نیز در نهایت به پایان می‌رسد. در مقاله «مسائل بین‌المللی» پیش‌بینی شده از آنجا که بایدن باید ترمز برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی ایران را بکشد، احتمالاً وضعیت در خاورمیانه بدتر خواهد شد.

پیش از این نصرالله تاجیک دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی نیز هشدار داده بود «نزدیکی به روسیه کار دست جمهوری اسلامی می‌دهد» و غربی‌ها به خاطر اعتراضات اجتماعی در ایران و «انگولک خارجی» (فروش پشه‌پاد به روسیه) روی جمهوری اسلامی حساس شدند و چشم‌انداز «احیای برجام» تیره‌تر شده است.

در همین ارتباط نشریه «فارین پالیسی» (مسائل بین‌المللی) وضعیت برجام را «بد» توصیف می‌کند و با اشاره به صحبت‌های جو بایدن که گفت «برجام مُرده» می‌نویسد سرکوب اعتراضات در ایران و ارسال پشه‌پاد انتحاری به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین انگیزه‌های ضد جمهوری اسلامی در واشنگتن را تشدید کرده است.

در این مقاله آمده اکنون در کنگره آمریکا این قضیه وجود دارد که اساساً دولت بایدن قادر به توافق با رژیم ایران هست یا نه! زیرا توافق مستلزم کاهش تحریم‌هاست اما در شرایطی که رژیم شهروندانش را سرکوب می‌کند و از ولادیمیر پوتین در جنگ اوکراین پشتیبانی می‌کند، ممکن نیست. در این میان، هیچ کشوری به اندازه اسرائیل از افزایش غنی‌سازی اورانیوم در ایران نگران نیست. در ماه‌های گذشته، بنی گانتز وزیر دفاع وقت اسرائیل، ایال هولاتا مشاور امنیت ملی وقت اسرائیل و دیوید بارنیا رئیس موساد به واشنگتن سفر کرده‌اند تا از دولت بایدن بخواهند برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی برنامه‌ریزی کند. دو کشور در چند نوبت اقدام به برگزاری رزمایش‌های مشترک نیز کردند.

هرچند گانتز با روی کار آمدن دولت جدید به زودی وزارت دفاع اسرائیل را ترک می‌کند اما گفته بود که متوقف کردن مسیر برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی از طریق حمله نظامی راهکار نیست که اکثر اسرائیلی‌ها با آن موافق هستند. او به خلبانان جدید نیروی هوایی اسرائیل اعلام کرده بود که برای حمله احتمالی به تأسیسات اتمی داخل ایران می‌بایست آمادگی داشته باشند.

«فارین پالیسی» در ادامه می‌نویسد مقامات آمریکایی از پیش‌بینی در مورد آینده اجتناب کرده‌اند، اما کارشناسان اطلاعات درز داده شده از سوی اسرائیل درباره برنامه‌ریزی جدی‌تر واشنگتن و تل‌آویو برای نوعی حمله به جمهوری اسلامی را رد نکرده‌اند.

اکنون پرسش این است: چه نوع حمله‌ای؟ فقط ایالات متحده این توانایی را دارد که سانتریفئوژهایی را که در عمق

ابوالقاسم دلفی سفیر پیشین جمهوری اسلامی در فرانسه به صراحت هشدار داده «روس‌ها ایران را در اوکراین شریک جرم کردند و اگر از حالا به فکر این نباشیم که این لکه را از خودمان پاک کنیم، قطعاً دچار مشکلات بعدی خواهیم شد.» او معتقد است غربی‌ها در حال جمع‌آوری مدارک هستند و روسیه تاوان تجاوز به اوکراین را خواهد داد و برای جمهوری اسلامی هم تبعات خواهد داشت.

نشریه «فارین پالیسی» (مسائل بین‌المللی) در مقاله‌ای وضعیت برجام را «بد» توصیف می‌کند و با اشاره به صحبت‌های جو بایدن که گفت «برجام مُرده» می‌نویسد سرکوب اعتراضات در ایران و ارسال پشه‌پاد انتحاری به روسیه برای استفاده در جنگ اوکراین انگیزه‌های ضد جمهوری اسلامی در واشنگتن را تشدید کرده است.

«فارین پالیسی» اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی را محتمل خوانده و می‌نویسد: اکنون پرسش این است: چه نوع حمله‌ای؟ فقط ایالات متحده این توانایی را دارد که سانتریفئوژهایی را که در عمق زمین و زیر کوه‌ها فعال‌اند بدون پیاده کردن نیرو در ایران ناپود کند. فقط ایالات متحده هواپیماهایی دارد که قادر به حمل به bunker buster (بمب سنگر شکن) است.

«هرچند در زمان باراک اوباما برنامه‌هایی برای اقدام نظامی علیه رژیم ایران تدارک دیده شده بود اما اکنون این سناریوها بسط پیدا کرده است. البته اسرائیل می‌تواند با پرتاب موشک از زیر دریایی‌هایش و پیوستن به ایالات متحده در حملات هوایی و همچنین اشتراک‌گذاری اطلاعات و انجام خرابکاری‌ها و ترور به حمله احتمالی ملحق شود.»

در شرایطی که دولت‌های اروپایی قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی را بررسی می‌کنند، برخی در ایران به حکومت در مورد پیامدهای ادامه همکاری با روسیه در جنگ اوکراین هشدار می‌دهند. ابوالقاسم دلفی سفیر پیشین جمهوری اسلامی در فرانسه به صراحت هشدار داده «روس‌ها ایران را در اوکراین شریک جرم کردند و اگر از حالا به فکر این نباشیم که این لکه را از خودمان پاک کنیم، قطعاً دچار مشکلات بعدی خواهیم شد.» او معتقد است غربی‌ها در حال جمع‌آوری مدارک هستند و روسیه تاوان تجاوز به اوکراین را خواهد داد و برای جمهوری اسلامی هم تبعات خواهد داشت.



تقدیم بودجه ۱۴۰۲ از سوی ابراهیم رئیسی به مجلس شورای اسلامی

افزایش بودجه نهادهای مذهبی و تبلیغات ایدئولوژیک در لایحه ۱۴۰۲

رسید.

یاد شهید و امور ایثارگران پس از سپاه پاسداران، بیشترین بودجه را در میان تمام دستگاه‌های اجرایی خواهد گرفت. دولت در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ بیش از ۷۲ هزار و ۴۲۶ میلیارد تومان اعتبار برای این مجموعه در نظر گرفته است اما جالب‌تر اینکه برای بنیاد شهید برای این عدد، هیچ برنامه یا ردیف مشخصی (به غیر از یک ردیف آن هم با نام خود) تعریف نشده است.

بودجه بخش‌های دیگر تبلیغاتی و پروپاگاندای حکومتی نیز افزایش یافته است. مرکز خدمات حوزه علمیه قم حدود شش هزار میلیارد تومان، شورای عالی حوزه‌های علمیه قم با بیش از ۶۰ درصد افزایش حدود سه هزار میلیارد تومان و وزارت ارشاد هم حدود پنج هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بودجه دریافت خواهند کرد. ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر از دیگر نهادهای حاکمیتی خبرساز و حاشیه‌ساز است که بودجه آن در لایحه با ۳۳ درصد رشد، به ۷۶ میلیارد تومان رسید. بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس که نهادی فعال در حوزه جنگ هشت ساله عراق علیه ایران است، هم بودجه‌اش با ۱۵۹ درصد رشد مبلغ ۴۳۳ میلیارد تومان پیشنهاد شد.

همچنین بودجه موسسه نشر آثار روح‌الله خمینی به ۱۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته و بودجه جداگانه‌ای نیز برای مقبره خمینی در تهران به میزان ۳۶ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که نسبت به سال جاری بیش از ۷۱ درصد رشد نشان می‌دهد. بودجه موسسه نشر آثار روح‌الله خمینی و مقبره خمینی به طور مستقیم به خانواده خمینی اختصاص دارد. حسن خمینی نوه روح‌الله خمینی و متولی این دو بخش، در عمل کاری انجام نمی‌دهد اما بخش مهمی از بودجه مردم را سالانه به جیب می‌زند.

بودجه‌پاشی به سازمان‌ها و نهادهای تبلیغات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی دامنه گسترده‌ای دارد. به جز موارد یاد شده، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی معروف به «نور» در سال ۱۴۰۲ بیش از ۵۸ میلیارد تومان بودجه دریافت می‌کند؛ بودجه این مرکز امسال ۳۸ میلیارد تومان بوده است.

«حوزه نت»، «مجلات تخصصی (نورمگز)»، «کتابخانه دیجیتال نور» از زیرمجموعه‌های این مرکز هستند و به گفته دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی روی هوش مصنوعی در منابع حوزوی کار می‌کند که یک نوع اجتهاد هوشمند در این حوزه است.» مرکز «الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت» نیز با افزایش ۱۷۰ درصدی بودجه نسبت به امسال قرار است سال آینده حدود ۲۴ میلیارد تومان بودجه دریافت کند.

پولپاشی به نهادهای مذهبی و تبلیغات ایدئولوژیک

جمهوری اسلامی در حالی هر ساله افزایش می‌یابد که اکثر این موسسات برنامه‌ها و صورت حساب هزینه‌ای شفاف‌ی ندارند و اصلاً مشخص نیست بودجه‌های کلانی که دریافت می‌کنند کجا و چگونه هزینه می‌شود.

کیهان لندن هفته گذشته به بودجه بخش‌های سرکوب جمهوری اسلامی پرداخته و نوشته بود که یکی از بخش‌های بودجه سرکوب که افزایش داشته، بودجه سازمان زندان‌های کشور است که از ۶۳ درصد افزایش به حدود ۹ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان رسیده و سطح بودجه فرماندهی کل انتظامی هم با افزایشی ۴۴ درصدی به بیش از ۶۲ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

این در حالیست که جمهوری اسلامی طی چهار ماه گذشته با جنبش انقلابی مردم روبروست. مردم ایران با پایداری و همبستگی توانستند اعتراضات را به جنبش انقلابی تبدیل کنند. جدا از آنکه با ادامه‌دار بودن مسیر انقلاب ملی علیه جمهوری اسلامی، بودجه نهادهای سرکوبگر چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی و سازمان زندان‌ها افزایش داشته، بودجه نهادهایی چون حوزه علمیه و صداوسیما رژیم نیز افزایش چشمگیر پیدا کرده است.

علی خامنه‌ای اخیراً طی سخنانی گفته بود «باتوم» یا به بیان بهتر سرکوب مسلحانه شهروندان معترض، کارساز نیست و از دستگاه‌های حکومتی خواسته بود به «جهاد تبیین» یا همان فعالیت‌های تبلیغی و سایبری علیه مردم بپردازند. در چنین شرایطی است که می‌بینیم بودجه نهادهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی که هر یک بازوهای «جهاد تبیین» هستند نیز در لایحه بودجه سال آینده افزایش یافته است.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی با وجود شبکه‌های فارسی‌زبان خارج کشور و شبکه‌های اجتماعی که گردش آزادانه اطلاعات در آنها در جریان است، خودش را در یک نبرد رسانه‌ای با مخالفانش یافته است. در دهه‌های نخست بعد از انقلاب انحصار گردش اطلاعات در دست جمهوری اسلامی بود، حالا این انحصار با اینترنت و ماهواره از دست نظام خارج شده است. در چنین شرایطی و در جریان انقلابی که از سوی مردم ایران طی چهار ماه گذشته آن را پیش می‌برند، علی خامنه‌ای این توهم را دارد که با جهاد تبیین و پولپاشی در نهادهای فاسدی چون صداوسیما دولتی و حوزه علمیه قادر است نظام را تجهیز، و از برانداخته شدن خود جلوگیری کند! اکنون در حالی ردیف‌های درآمدی لایحه بودجه با ارقام نجومی و تخیلی پر شده و ردیف‌های هزینه‌ای نیز در خدمت جلوگیری از فروپاشی حکومت قرار گرفته که اساساً دولت با کسری بودجه روبروست و این کسری در سال آینده نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

● بودجه موسسه نشر آثار روح‌الله خمینی به ۱۰۰ میلیارد تومان افزایش یافته و بودجه جداگانه‌ای نیز برای مقبره خمینی در تهران به میزان ۳۶ میلیارد تومان در نظر گرفته شده که نسبت به سال جاری بیش از ۷۱ درصد رشد نشان می‌دهد.

● مرکز خدمات حوزه علمیه قم حدود شش هزار میلیارد تومان، شورای عالی حوزه‌های علمیه قم حدود سه هزار میلیارد تومان و وزارت ارشاد هم حدود پنج هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بودجه دریافت خواهند کرد.

● پولپاشی به نهادهای مذهبی و تبلیغات ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در حالی هر ساله افزایش می‌یابد که اکثر این موسسات برنامه‌ها و صورت حساب هزینه‌ای شفاف‌ی ندارند و اصلاً مشخص نیست بودجه‌های کلانی که دریافت می‌کنند کجا و چگونه هزینه می‌شود!

در لایحه بودجه ۱۴۰۲ که در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است، با وجود وضعیت بحرانی اقتصاد ایران و کمبود شدید منابع درآمدی کشور، بودجه‌پاشی به نهادهای مذهبی و تبلیغاتی ادامه یافته است.

یکی از ویژگی‌های مهم لایحه بودجه ۱۴۰۲ تمرکز بر تأمین بودجه نهادها و سازمان‌هایی است که برای سرکوب شهروندان و جلوگیری از فروپاشی جمهوری اسلامی فعالیت دارند. از سوی دیگر بودجه دستگاه‌های تبلیغاتی و مذهبی افزایش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است که به نظر می‌رسد به دلیل توهم علی خامنه‌ای نسبت به اثرگذاری «جهاد تبیین» که همان توجیه ناکارآمدی رژیم است، در برابر موج جنبش انقلاب ملی است. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نیز در صدر جدول بودجه‌بگیرها اما در بخش نظامی قرار دارد که این وزارتخانه هم بیشترین سهم بودجه‌اش را به تأمین اجتماعی پرسنل خود اختصاص داده است. دولت برای سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح بالغ بر ۱۱۲ هزار میلیارد تومان یعنی بیش از ۷۴ درصد اعتبار کل وزارت دفاع را پیش‌بینی کرده است. همچنین ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیش از ۱۱۹ هزار و ۴۴۰ میلیارد تومان بودجه در سال آینده دریافت خواهد کرد.

فرماندهی کل انتظامی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با بودجه حدود ۶۲ هزار میلیارد تومان در رتبه هفتم در میان دستگاه‌های اجرایی و در رتبه سوم در میان نهادهای نظامی قرار می‌گیرد و ۹۳ درصد از این بودجه سهم ستاد فرماندهی کل ناجاست و باقیمانده حدود چهار هزار میلیارد تومانی بودجه این نهاد نظامی به دیگر بخش‌های آن مانند به تقویت بنیه انتظامی، مرزبانی، سازمان عقیدتی سیاسی و غیره خواهد

تهدید به اقدامات تروریستی برای اثبات تروریست نبودن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی! پهلوان پنبه‌ها اروپا را تهدید می‌کند!



رزمایش لشکر «محمد رسول‌الله» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

عمده‌ای در قتل عام مردم و بازداشت‌ها و شکنجه و تجاوز دارند. این در حالیست که روزنامه «جوان» نزدیک به سپاه پاسداران این تنگنای رژیم را از چشم مخالفان نظام می‌بیند. در گزارش این روزنامه آمده «اروپا جمعی از براندازان فرتوت را برای حمایت از تروریستی خواندن سپاه در استراسبورگ فرانسه جمع کرده است. پاسخ ایران به این ملیجک‌بازی، اما احتمالاً بسیار سخت و پشیمان‌کننده خواهد بود.» «جوان» غربی‌ها را تهدید کرده «سپاه را در خلیج فارس ملاقات خواهد کرد!»

روزنامه جوان می‌نویسد «اروپا اگر مرتکب اشتباه تاریخی خود شود و سپاه را تروریستی اعلام کند، درواقع به ایران اعلان جنگ کرده است.»

از قرار معلوم مقامات و بلندگوهای تبلیغاتی رژیم متوجه نیستند که وقتی کل تهدیدات و اقدامات آنها در واکنش به قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی کنار هم قرار می‌گیرد نتیجه چیزی نیست جز تأیید تروریستی بودن آن! همین مسئله نیز در شبکه‌های اجتماعی به سوژه‌ی کاربران تبدیل شده است!

سینا ولی‌الله کم‌دین سرشناس ایرانی در تویییت می‌نویسد «فقط به خر می‌تونه در مخالفت با تروریست شناخته شدنش، کل منطقه رو تهدید به حمله تروریستی کنه، وگرنه به تروریست اینقدر خر نیست.»

در این میان، باز هم برخی از افراد و رسانه‌های حکومتی «اخراج بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از ایران» را مطرح کرده‌اند. گروهی هم گفته‌اند «جریان مقاومت» این اقدام را تلافی می‌کند! اما مسئله اینجاست که همگی این تهدیدات سه سال پیش وقتی دونالد ترامپ قصد داشت سپاه پاسداران را تروریستی اعلام کند نیز تکرار شده بود. نتیجه چه بود؟ ترامپ این تصمیم را عملی کرد اما هیاهوهای سپاه و سرداران و مقامات کشوری و رسانه‌های تبلیغاتی در حد شعار و تهدید باقی ماند؛ تازه در آزمون، جمهوری اسلامی به اختلافات و شکاف‌ها و فلاکتی که امروز در داخل و خارج دست و پا می‌زند، گرفتار نبود!

چگونه مواجه بشوند و تمام منافع این کشورها و شرکت‌ها و منافع‌شان در هر جایی که در منطقه باشد در خطر خواهد بود.»

یک آخوند دیگر عضو مجلس شورای اسلامی به نام مجید نصیریایی عضو «فراکسیون روحانیت» تهدید کرد اقدام اروپا علیه سپاه هزینه‌های سنگینی را برای آنها خواهد داشت. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در واکنش به تلاش اروپا برای قرار دادن سپاه در لیست گروه‌های تروریستی، طرحی دوفوریتی را آماده کردند که با تصویب آن نیروهای مسلح کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سوی آنها به عنوان تروریست قلمداد می‌شوند!

با اینهمه تهدید اما پرسش این است در صورت قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی تهدیدات پهلوان پنبه‌ها چه هستند و تا چه اندازه عملی خواهند شد! تهدیدات مقامات رژیم همه تکرار است. بعضی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تهدید به خروج جمهوری اسلامی از ان‌پی‌تی (پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) کردند! برخی دیگر مدعی شدند «تنگه هرمز بسته خواهد شد!»

واقعیت اما اینست که تهدید اروپایی‌ها توسط مقامات حکومتی عین پهلوان پنبه‌هاست. مجید میراحمدی معاون امنیتی وزارت کشور در واکنش به اقدام اتحادیه اروپا برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران، بدون توضیح جزئیات هشدار داد: «اگر اروپایی‌ها بخواهند همچنان در این مسیر حرکت کنند، اقدامات متقابل و سختی را پیش‌بینی کرده‌ایم که اعلام می‌شود!»

اعلان جنگ علیه جمهوری اسلامی هرچند همکاری در تجاوز روسیه به اوکراین توسط جمهوری اسلامی از دلایل اصلی تمرکز رهبران غرب روی مجازات جمهوری اسلامی است اما موضوع تروریست خواندن سپاه پاسداران پس از آن در اروپا مطرح شد که رژیم دست به سرکوب مردم در جریان خیزش آزادیخواهانه‌ی ایرانیان زد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج نقش

● حسین امیرعبداللّهان به جوزپ بورل گفته تروریستی اعلام کردن سپاه برای اروپا تبعات منفی خواهد داشت!
● برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی تهدید کردند اگر اروپا سپاه را تروریستی اعلام کند جمهوری اسلامی خروج از پیمان آن‌پی‌تی را بررسی می‌کند. برخی دیگر گفته‌اند این اقدام تبعات سخت و سنگینی خواهد داشت. از جمله بستن تنگه هرمز و حمله نیروهای مقاومت به منافع اروپا و متحدانش!

● روزنامه «جوان» نزدیک به سپاه پاسداران می‌نویسد «این یک اعلان جنگ به جمهوری اسلامی است» و «اروپا جمعی از براندازان فرتوت را برای حمایت از تروریستی خواندن سپاه در استراسبورگ فرانسه جمع کرده است. پاسخ ایران به این ملیجک‌بازی، اما احتمالاً بسیار سخت و پشیمان‌کننده خواهد بود» و «سپاه را در خلیج فارس ملاقات خواهید کرد!»

● سینا ولی‌الله کم‌دین سرشناس ایرانی در تویییت می‌نویسد «فقط به خر می‌تونه در مخالفت با تروریست شناخته شدنش، کل منطقه رو تهدید به حمله تروریستی کنه، وگرنه به تروریست اینقدر خر نیست.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به تصویب «متهم پیشنهادی» برای شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان سازمان تروریستی ادعا کرد «اقدام پارلمان اروپا در اتهام تروریستی خواندن سپاه، به نوعی شلیک به پای خود اروپاست.» شماری از مقامات جمهوری اسلامی نیز برای اروپایی‌ها خط و نشان کشیدند.

نمایندگان پارلمان اروپا پیش‌نویس طرحی را که بند ۱۳۰ آن تروریستی خواندن سپاه پاسداران است تصویب کردند و رأی‌گیری برای قرار گرفتن این نهاد نظامی موازی و نامتعارف و تروریستی در این فهرست قرار است پنجشنبه ۲۹ دی‌ماه انجام شود.

حسین امیرعبداللّهان در گفتگوی تلفنی با جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با انتقاد شدید از اقدامات اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی رفتار آنها را «نسنجیده و نادرست» خواند و گفت، «متأسفانه صدور پیش‌نویس یک قطعنامه احساسی، تند و غیرحرفه‌ای از سوی پارلمان اروپا بودیم که در تعارض با عقلانیت سیاسی و مدنیت است.»

وی بار دیگر ادعا کرد «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک نهاد رسمی و حاکمیتی است که نقش مهم و حیاتی در تامین امنیت ملی ایران و امنیت منطقه، به خصوص در مبارزه با تروریسم داشته و دارد.»

امیرعبداللّهان نیز تهدید کرد تروریستی خواندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «تبعات منفی» خواهد داشت.

حجت‌الاسلام محمود نبویان نایب رئیس کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی می‌گوید انگیزه اروپایی‌ها از تحریم سپاه پاسداران مقابله با «اندیشه اسلامی» است. او حتا ادعا کرده در جریان «اغتشاشات»، قرآن و «پرچم سیدالشهدا» را هم با همین انگیزه آتش زدند و شارلی ابدو هم به همین دلیل به مقدسات توهین کرد!
نبویان تهدید کرده «مدافعین مقاومت در منطقه بلدند

عمده کردن موضوع «حجاب» در برابر انقلاب سیاسی و اجتماعی علیه کل نظام؛ از یارانه چادر تا «جرم مشهود»!



● در شرایطی که حذف یارانه‌ها معیشت روزانه‌ی مردم را با بحران روبرو کرده، انسیه خزعلی معاون ابراهیم رئیسی در امور زنان و خانواده از تخصیص یارانه برای «چادر» خبر داده است!

● استاندار لرستان: حجاب و عفاف به عنوان یک ارزش از مهم‌ترین محصولات نظام جمهوری اسلامی ایران است! ● طی ماه‌های گذشته اصرار مقامات نظام به اجباری بودن حجاب و سازماندهی نهادهای مدنی با هدف منحرف کردن مسیر اعتراضات مردم یعنی «براندازی» کل نظام صورت می‌گیرد.

در آستانه آغاز پنجمین ماه از انقلاب ملی، مقامات جمهوری اسلامی همچنان تلاش دارند با عمده کردن «حجاب» آن را موضوع اصلی اعتراضات مردم قلمداد کرده و ماهیت انقلاب سیاسی و اجتماعی علیه کل نظام را به حاشیه برانند. زنان و مردان ایران اما از نخستین روزهای جنبش انقلابی، با آتش زدن روسری‌ها موضوع حجاب را حل کرده و با شعارهایشان نشان دادند موضوع اصلی در ایران امروز چیزی جز «براندازی» جمهوری اسلامی نیست.

«حجاب اجباری» هرچند یکی از مهمترین محورهای جامعه ایده‌آل جمهوری اسلامی است و پس از انقلاب ۵۷ «حجاب اسلامی» به زنان تحمیل شد اما طی ماه‌های گذشته اصرار مقامات نظام به اجباری بودن حجاب و سازماندهی نهادهای مدنی با هدف منحرف کردن مسیر اعتراضات مردم یعنی «براندازی» کل نظام صورت می‌گیرد.

نهادهای امنیتی باور دارند اگر «حجاب» به عنوان «مطالبه» اعتراضات مردمی عمده قلمداد شود، «براندازی» حکومت به مرور از شعارها به حاشیه رانده شده و جامعه تلاش می‌کند خواسته‌ی اختیاری بودن حجاب را در چارچوب جمهوری اسلامی پیگیری کند.

در ارتباط با همین سناریوی امنیتی، در شرایطی که حذف یارانه‌ها معیشت روزانه‌ی مردم را با بحران روبرو کرده انسیه خزعلی معاون ابراهیم رئیسی در امور زنان و خانواده از تخصیص یارانه برای «چادر» خبر داده است!

انسیه خزعلی که از زن‌ستیزترین زنان جمهوری اسلامی است گفته «موضوع لباس و پوشش مناسب طبق گفته عضو کابینه رئیسی، هم در شوراهای فرهنگی و هم در دولت مورد توجه بوده و طرحی در دست است که چادر به عنوان کالای فرهنگی شناخته شده و به آن یارانه تعلق گیرد تا پوشش مناسب با قیمت مناسب در اختیار افراد قرار داده شود.»

معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده گفته که «موضوع سبک زندگی ایرانی-اسلامی، هم در آموزش و پرورش و هم در طرح خانواده و جوانی جمعیت مطرح است اما به دلیل اهمیت آن نیازمند بررسی‌های بسیار در این حوزه است.»

فرهاد زیویار استاندار لرستان نیز معتقد است که «حجاب و عفاف به عنوان یک ارزش از مهم‌ترین محصولات نظام جمهوری اسلامی ایران است.»

استانداری لرستان نشستی با موضوع «حجاب و عفاف» برگزار کرده و فرهاد زیویار در حاشیه این نشست گفته که «عمل به وظایف در حوزه حجاب و عفاف از مهم‌ترین

انواع دوگانه‌های سیاسی و اجتماعی میان ملت ماست، بازی نکنند.»

با اینهمه شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید کرده که «مواجهه با آنچه در جامعه ما «بی‌حجابی» نامیده می‌شود باید کاملاً هوشمندانه و واقع‌بینانه باشد. چنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی هشدار دادند ضعف حجاب بعضی از بانوان را نباید به معنای بی‌اعتقادی آنان به مبانی دینی و مخالفت آنان با انقلاب و جمهوری اسلامی دانست.»

یکی دیگر از راه‌های برجسته کردن «حجاب» به عنوان «موضوع اعتراضات» فشارهای سازمان‌های دولتی در تأکید بر پوشش اجباری در ادارات است. از جمله وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در نامه‌ای به هشت اپراتور نسبت به رعایت «ثبوتات اسلامی» توسط پرسنل این اپراتورها هشدار داد.

این نامه به تاریخ ۱۷ دی‌ماه، با اشاره به آنچه «گزارش‌های واصله درباره عادی انگاشتن بدحجابی» نامیده، از مدیران این اپراتورها خواسته در ارتباط با حجاب پرسنل خود دستور دهند تا «نسبت به رعایت ثبوتات اسلامی بطور کامل اقدام‌های لازم صورت گیرد.»

به گزارش فاکس نیوز مقامات جمهوری اسلامی حتی برای شناسایی افراد بدحجاب در ایران از فناوری‌های جدید اسکن چهره استفاده می‌کند. مهسا علیمردانی محقق دانشگاه آکسفورد و فعال مدنی گفته که شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این فناوری در حال حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. او افزوده که «رژیم سال‌ها وقت صرف ایجاد یک بانک اطلاعاتی بیومتریک از تمامی شهروندان کرده که شامل اسکن چهره نیز هست.»

به گفته فاکس نیوز «جمهوری اسلامی سال‌هاست که از نظارت بر رسانه‌های اجتماعی و نظارت دیجیتال خودکار برای اجرای قوانین و هدف قرار دادن منتقدان خود استفاده می‌کند.»

نکاتی بوده که ضرورت دارد در هر جایگاهی به این موضوع اهتمام وجود داشته باشد زیرا رعایت این مهم بر اشاعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه و پیشگیری از ناهنجاری‌ها موثر است.»

معاون دادستان کل در امور نظارت بر دادرها و ضابطین سراسر کشور نیز خبر داده که طی بخشنامه‌ای از سوی دادستانی کل کشور به پلیس دستور داده شده است در سراسر کشور با قاطعیت با «کشف حجاب» برخورد کند. مقامات قوه قضاییه نیز از طریق رسانه‌های حکومتی قوانین مرتبط با حجاب را مورد تأکید قرار می‌دهند. بر اساس این قوانین جرم «کشف حجاب» یکی از جرائم مشهود است و مأموران انتظامی مکلفند در اجرای تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و قسمت اخیر ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری مرتکبان جرائم مشهود را دستگیر و جهت اعمال مجازات به مراجع ذیصلاح قضائی معرفی نمایند. اخیراً طی بخشنامه‌ای از سوی دادستانی کل کشور به پلیس دستور داده شده در سراسر کشور با قاطعیت با جرم کشف حجاب برخورد کند.

در جهت برجسته کردن موضوع «حجاب» حتی شورای عالی انقلاب فرهنگی بیانیه‌ای با موضوع «حجاب و عفاف» صادر کرده و نوشته که «حجاب یک حکم اسلامی و شرعی است و از اموری نیست که مذاهب اسلامی بر سر آن اختلاف داشته باشند.»

در این بیانیه از «همه دستگاه‌ها و نهادهای مسئول» خواسته شده که «علاوه بر عمل به وظایف قانونی خود، در درجه اول با تبیین دیدگاه اسلام و قانون درباره زن و مسئله حجاب به تحکیم مبانی اعتقادی بانوان، به ویژه نسل جوان به رعایت این فریضه الهی کمک کنند و ثانیاً در برخورد با بعضی هنجارشکنی‌ها در مسئله حجاب، مراقب باشند در دامی که دشمنان برای ملت ما طراحی کرده‌اند گرفتار نشوند و در زمین غرب که پیوسته درصدد ایجاد

افزایش حوادث در محیط کار؛ جان باختن ۱۷ کارگر در ۲۱ روز



نیز پس از تحمل چندین روز رنج و درد، در بیمارستان جان باختند.

شهرام غریب کارشناس ارشد و متخصص ایمنی افزایش چشمگیر حوادث کار در پاییز و زمستان امسال را ناشی از «نقصان ساختاری در بحث ایمنی محیط کار» دانسته و گفته که «تفکر ایمنی باید بر این اساس باشد: اول پیش‌بینی، بعد کنترل و در مرحله‌ی بعدی اگر اتفاقی افتاد، اعلام و اقدام صحیح، که متأسفانه اینگونه نیست. در اینکه برخی شرکت‌ها در مورد خرید تجهیزات ایمنی و وسایل ایمن به دلیل مسائل مالی خساست به خرج می‌دهند، شکی نیست؛ اما بحث اصلی این است که تفکر پیشگیری و کنترل اساساً حاکم نیست.»

آنگاه که این کارشناس ارشد و متخصص ایمنی توضیح داده علت اصلی افزایش نرخ حوادث کار «فقدان تفکر ایمنی در سازمان‌ها، واحدها و کارخانجات» است چون از یکسو کارفرمایان هزینه برای رعایت استانداردهای ایمنی در محل کار را در اولویت آخر قرار داده و از سوی دیگر سازمان‌های نظارتی نیز سطح نظارت پایینی را برای بررسی این استانداردها دارند.

شهرام غریب معتقد است که «باید گروهی را بگذاریم تا ناظر بر ناظران ما باشند! سوالات بسیار است؛ اگر ایمنی در یک کارگاه یا سازمان مشکل دارد، این ناظران چرا یقه مدیرعامل کارخانه یا مدیر آن سازمان را نمی‌گیرند، چرا فشار بالادستی از ارگان‌های مرتبط وارد نمی‌شود؛ چرا مسپان به درستی و براساس میزان جرم، مجازات نمی‌شوند؟ که اگر همه‌ی اینها اتفاق می‌افتاد، مطمئن باشید نه تنها حوادث کار و آتش‌سوزی زیاد نمی‌شد، بلکه امروز شاهد کاهش نرخ حوادث کار بودیم.»

ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است. بسیاری از کارشناسان معتقدند طی سال‌های گذشته و در پی افزایش تورم در کشور، هزینه‌ها در کارگاه‌ها و مجتمع‌های صنعتی و تولیدی با افزایش روبرو شده است. در چنین شرایطی کارفرمایان برای جلوگیری از زیان و ورشکستگی ناچار می‌شوند هزینه‌های جاری را کاهش دهند و یکی از این هزینه‌ها مربوط به رعایت و افزایش استانداردهای ایمنی محل کار است. قربانیان این روند بطور مشخص کارگران هستند.

کردن مایع درون ظروف با یک قطعه فلزی بوده‌اند تا گاز آن‌ها تخلیه شود که ناگهان با حرارت بخاری هیزمی که آنها برای گرم کردن محیط کار خود ایجاد کرده بودند، این ظروف یکی پس از دیگری منفجر می‌شوند....»

در این گزارش تأکید شده «زمستان امسال به قاعده‌ی سال‌های قبل، انفجارها و آتش‌سوزی‌هایی رخ می‌دهد اما نرخ حوادث مرگبار این حوزه برای کارگران بسیار بیشتر از سال‌های قبل است؛ وسایل گرمایشی نایم، جان کارگران را قربانی می‌کند و این، فاجعه‌ی کوچکی نیست؛ غم سنگینی‌ست که چهار کارگر مشغول خالی کردن ظروف باشند اما فقط به خاطر یک بخاری هیزمی، این چنین طعمه‌ی حریق شوند و جان خود را از دست بدهند؛ در حادثه‌ی شهرک صنعتی البرز، علاوه بر چهار فوتی، دو کارگر هم مصدوم شدند که حال یکی از آنها وخیم گزارش شده است.»

در حادثه دیگری که سوم دی‌ماه رخ داد نیز سه کارگر قربانی نایم‌های وسایل گرمایشی و آتش‌سوزی شدند؛ آتش‌سوزی در کانکس استراحت کارگران معدن خاک صنعتی فاطمیه واقع در جاده اردکان به چوپانان، منجر به مرگ سه کارگر شد؛ در این معدن، کارگران در کانکس‌های استراحت از حداقلی‌ترین امکانات گرمایشی محروم بوده‌اند.

یک روز قبل، سیزدهم دی‌ماه، بازهم وسایل گرمایشی حادثه‌ی مرگبار آفریدند؛ سه کارگر کچ کار در شهرک «سنقرآباد» بخش بیستون از توابع شهرستان هرسین استان کرمانشاه هنگام استراحت بر اثر استنشاق گاز سمی در محل سکونت جان خود را از دست دادند. در همان سیزدهم دی، انفجار کوره ذوب آهن در کارخانه «ذوب ریزان شرق پایتخت» واقع در بخش ایوانکی شهرستان گرمسار منجر به مرگ یک کارگر و مصدومیت پنج کارگر دیگر شد.

دهم دی، دو کارگر یک کارواش در اسلام آباد غرب بر اثر گازگرفتگی جان باختند. چهارم دی، هفت نفر از کارگران معدن سنگ فلورین واقع در روستای تویه دامغان در محل استراحتگاه‌شان با یک بخاری نفتی چکه‌ای اقدام به گرم کردن خود کرده بودند که بخاری به دلیل جمع شدن گاز ناگهان منفجر می‌شود؛ در این حادثه سه کارگر جان باختند، مرگ دو نفر آبی بود و سومی روزهای بعد در بیمارستان فوت شد. در همین روزها دو نفر از مصدومان حادثه‌ی مینی‌بوس بروجن

● در حالی که فعالان کارگری تلاش دارند گزارش‌هایی از حوادث در محل کار تنظیم کنند اما آمار ارائه شده از سوی دولت درباره حوادث در محل کار و قربانیان آن ناقص هستند.

● ایران در زمینه رعایت مسائل ایمنی کار در میان کشورهای جهان رتبه ۱۰۲ را به خود اختصاص داده که رتبه بسیار پایینی است.

● در شرایط رکود تورمی کارفرمایان برای جلوگیری از زیان و ورشکستگی ناچار می‌شوند هزینه‌های جاری را کاهش دهند و یکی از این هزینه‌ها مربوط به رعایت و افزایش استانداردهای ایمنی محل کار است.

حوادث و سوانح محیط کار همواره یکی از موارد تهدیدکننده نیروی کار در ایران بوده و در هفته‌های گذشته تعداد این حوادث افزایش یافته و تنها در سه هفته ۱۷ کارگر جان خود را به دلیل حوادث در محیط کار از دست دادند.

حوادث در محل کار در ایران هر ساله شمار بالایی از کارگران را قربانی می‌کند. بخشی از آنها مجروح و معلول شده و برخی دیگر در پی این حوادث جان می‌بازند. در حالی که فعالان کارگری تلاش دارند گزارش‌هایی از حوادث در محل کار تنظیم کنند اما آمار ارائه شده از سوی دولت درباره حوادث در محل کار و قربانیان آن ناقص هستند.

برای نمونه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شمار کارگران فوت کرده بر اثر حوادث کار در سال ۱۴۰۰ را کمتر از ۸۰۰ نفر اعلام کرده است. این در حالی‌ست که آمار وزارت کار تنها حوادث کاری رخ داده در کارگاه‌های مشمول قانون کار را در برمی‌گیرد. حوادث کار منجر به مصدومیت و معلولیت دائمی کارگران و یا مرگ آن‌ها در کارگاه‌های خارج از شمول قانون کار در آمارهای رسمی در این آمارها اعلام نمی‌شود.

جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران ۲۲ دی‌ماه از مرگ دو کارگر در حادثه آتش‌سوزی پنج واحد صنعتی در محله چیدر خبر داد. ملکی گفت: «در این حادثه پنج باب موتورسازی، آرایشگاه و سوپرمارکت در کنار یکدیگر قرار داشت که در قسمت پشت این مغازه‌ها نیز یک کارگاه میل‌سازی واقع شده بود و آتش به این پنج مغازه قدیمی سرایت کرد.» سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران، علت این آتش‌سوزی را وجود سقف شیروانی قدیمی و سیستم سیم‌کشی نایم‌ن در مغازه‌ها اعلام کرد. او گفت: «در مغازه موتورسازی، مکانی برای استراحت وجود داشت که آتش‌نشان‌ها یک خانم و آقا حدود ۴۰ ساله را مشاهده کردند که به تأیید عوامل اورژانس مشخص شد این افراد به دلیل شدت سوختگی جان باختند.»

خبرگزاری ایلنا نیز در گزارشی از افزایش حوادث در محل کار طی هفته‌های گذشته خبر داده و اعلام کرده که طی سه هفته ۱۷ کارگر جان خود را به دلیل حوادث در محیط کار از دست دادند. بر اساس این گزارش غروب سه‌شنبه ۲۰ دی‌ماه، حادثه آتش‌سوزی در شرکت لابراتورهای «سیانس» در شهرک صنعتی البرز قزوین، منجر به مرگ چهار کارگر و سوختگی بالای دو کارگر دیگر شد.

علت این حادثه انفجار گاز پروپان ناشی از سوراخ شدن ظروف اسپری‌های تتراپاکلین برگشتی از سوی مشتری بوده که در کنار آن کارگران با افروختن آتش در حال استراحت بودند.

ایلنا گزارش داده که «این شش کارگر مشغول بازیابی و خالی

«شنیده‌هایی از غزه» پروژه‌ای میدانی با انیمیشن از «مرکز ارتباطات صلح» که فارسی آن در همکاری با کیهان لندن منتشر می‌شود



سخنان مصاحبه‌شوندگان را با انیمیشن بجای چهره‌ی واقعی آنها منتشر کند. غیث العمری می‌گوید «تصاویر دلخراش الهام گرفته از این محدودیت‌ها، بازگویی واقعیت‌های غزه را قوی‌تر می‌کند: هر شخصیت انیمیشن بیانگر یک قضیه بزرگتر است، و همگی داستانی را روایت می‌کنند که به ندرت از غزه شنیده می‌شود.»

«مرکز ارتباطات صلح» یک سازمان غیرانتفاعی در نیویورک است و تلاش می‌کند تا فرهنگ مدارا و تفاهم را بسی فراتر از مرزهای «هویتی» تقویت کند و روابط بین فلسطینی‌ها، اسرائیلی‌ها و ساکنان منطقه را به منظور تسهیل توسعه در خاورمیانه بهبود بخشد. دنیس راس دیپلمات ارشد آمریکایی ریاست هیئت مدیره این مرکز را بر عهده دارد.

مدیر این مرکز، جوزف پرود، گفت که پروژه «شنیده‌هایی از غزه» به چالشی سازنده بین طرفین مباحث بین‌المللی درباره امور غزه دامن می‌زند: «از یکسو، کسانی را که ستیزه جویی حماس را توجیه می‌کنند، به چالش می‌کشد تا بین حمایت از حماس که فلسطینی‌ها را سرکوب می‌کند و پشتیبانی از فلسطین یکی را انتخاب کنند. همچنین امیدواریم که دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی که با کمک مستقیم به حماس برای کمک به مردم فلسطین در غزه تلاش می‌کنند، شواهد قابل توجهی مبنی بر ابهامات مالی حماس را که از این واقعیات به دست می‌آید، بررسی کنند. از سوی دیگر، این پروژه بسیاری از مخالفان حماس را با این واقعیت روبرو می‌کند که در حالی که شهروندان بسیاری در غزه خواهان آینده‌ای روشن و صلح‌آمیز هستند، برای توانمند ساختن آنها چه کاری می‌توان انجام داد.»

به نوعی از دنیای خارج جدا شده‌اند. آنها از ابراز عقیده در مورد واقعیت کنونی زندگی خود و با آینده که با ایدئولوژی حماس همخوانی ندارد، ممنوع هستند. روزنامه‌نگاران خارجی مستقر در غزه نیز نمی‌توانند در مورد تنوع دیدگاه‌ها در داخل خاک بدون خطر اخراج توسط مقامات حماس گزارش دهند.

برای کمک به غلبه بر این محاصره اطلاعاتی، «مرکز ارتباطات صلح» با ده‌ها تن از شهروندان غزه از همه قشرها مصاحبه کرده و سخنان آنان را برای اطلاع افکار عمومی جهان در مجموعه‌ی «شنیده‌هایی از غزه» منتشر می‌کند. کیهان لندن خوشوقت است که با این مرکز در انتشار این پروژه به زبان فارسی همکاری می‌کند، در حالی که برخی رسانه‌ها در هماهنگی با این مرکز آنها را به زبان انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، پرتغالی و عبری نیز منتشر می‌کنند. در این پروژه ۲۵ کلیپ تهیه شده که به تدریج منتشر خواهند شد.

غیث العمری کارشناس ارشد «موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» در ارتباط با این پروژه می‌گوید: «درباره تأثیر سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل بر جمعیت غیرنظامی غزه زیاد گفته شده اما رفتار حماس که حاکمان اصلی نوار غزه هستند و فضایی ظالمانه و خفقان‌آور بر اکثریت ساکنان آن تحمیل کرده‌اند، بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است. از این رو پروژه «شنیده‌هایی از غزه» یک تلاش قابل ستایش جهت فراهم کردن بستری برای مردم عادی غزه و برقراری ارتباط آنان با مخاطبان بین‌المللی است.»

«مرکز ارتباطات صلح» با بازتاب فضای وحشتی که توسط مقامات حماس بر نوار غزه حاکم شده، تصمیم گرفت تا

● «شنیده‌هایی از غزه» پروژه‌ای میدانی با انیمیشن از «مرکز ارتباطات صلح» که فارسی آن در همکاری با کیهان لندن منتشر می‌شود

● «مرکز ارتباطات صلح» مستقر در آمریکا با ده‌ها تن از شهروندان غزه از همه قشرها مصاحبه کرده و سخنان آنان را برای اطلاع افکار عمومی جهان در مجموعه‌ی «شنیده‌هایی از غزه» منتشر می‌کند. کیهان لندن خوشوقت است که با این مرکز در انتشار این پروژه به زبان فارسی همکاری می‌کند، در حالی که برخی رسانه‌ها در هماهنگی با این مرکز آنها را به زبان انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، پرتغالی و عبری نیز منتشر می‌کنند. در این پروژه ۲۵ کلیپ تهیه شده که به تدریج منتشر خواهند شد.

● این پروژه «از یکسو، کسانی را که ستیزه جویی حماس را توجیه می‌کنند، به چالش می‌کشد تا بین حمایت از حماس که فلسطینی‌ها را سرکوب می‌کند و پشتیبانی از فلسطین یکی را انتخاب کنند. از سوی دیگر، این پروژه بسیاری از مخالفان حماس را با این واقعیت روبرو می‌کند که در حالی که شهروندان بسیاری در غزه خواهان آینده‌ای روشن و صلح‌آمیز هستند، برای توانمند ساختن آنها چه کاری می‌توان انجام داد.»

این پروژه و ویدئوها از سوی «مرکز ارتباطات صلح» (سی‌پی‌سی‌سی CPC) متشکل از کارشناسان و پژوهشگران کشورهای مختلف مستقر در ایالات متحده آمریکا تهیه شده و در همکاری با کیهان لندن انتشار می‌یابد.

در زمان طولانی بین جنگ‌های حماس و اسرائیل، مردم فلسطین ساکن نوار غزه در شرایط سختی بسر می‌برند و

آیلود فیلم «احمد» از این حادثه در شبکه‌های اجتماعی، این کلیپ در فضای مجازی دست به دست منتشر شد و او سه روز بعد را در فرار از دست مأموران امنیتی حماس می‌گذرانند.

حماس بطور معمول از روش‌های قهری و خشونت‌آمیز برای ساکت کردن منتقدان استفاده می‌کند. بر اساس یک نظرسنجی در فلسطین مربوط به سال ۲۰۲۲، ۶۲ درصد از فلسطینی‌ها معتقدند «مردم در نوار غزه نمی‌توانند بدون ترس از مقامات حماس انتقاد کنند». این ترس دلیل دارد: تحقیقات دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۷ به این نتیجه رسید «از زمانی که حماس در ژوئن ۲۰۰۷ کنترل غزه را به دست گرفت، مسئولان حماس منتقدان را مورد آزار و اذیت قرار داده و افرادی را که در بازداشت بودند مورد سوء استفاده و خشونت قرار دادند.» در این گزارش آمده است، پس از اینکه یکی از روزنامه‌نگاران غزه از رهبران حماس در فیس‌بوک پرسید: «آیا فرزندان شما هم مانند ما روی زمین می‌خوانند؟» او دستگیر و به «سوء استفاده از فناوری» متهم شد! مأموران امنیتی حماس به او گفتند که «این کار ممنوع است! علیه حماس بنویس و ما به شما شلیک خواهیم کرد!»

۴- «رقص دیکه را به ما برگردانید!»



«مریم» یک رقصنده حرفه‌ای دیکه، رقص سنتی عربی منطقه، است و به قدرت هنر برای بهبود اوضاع جهان اعتقاد دارد. اما پس از اینکه حماس در سال ۲۰۰۷ کنترل نوار غزه را به دست گرفت، به او گفتند که رقصیدن را کنار بگذارد و بجای آن قرآن بخواند! پس از اینکه او نپذیرفت، شروع به تهدید خانواده‌اش کردند. «مریم» در این زمینه تنها نیست. حماس از زمان به دست گرفتن قدرت، آزادی‌های اساسی زنان و بیان هنری توسط آنان از جمله رقص را که غیراسلامی تلقی می‌شود، سرکوب کرده است. در ژوئیه ۲۰۲۲ حماس کنسرت‌های خیابانی را هم ممنوع کرد. یک موزیسین به المانی‌تور گفت: «حماس اقدامات ناعادلانه‌ای را به اجرا گذاشته چون هنر و موسیقی را خلاف قوانین اسلامی می‌داند». حماس همچنین در سال ۲۰۲۱ مقرر داشت که زنان برای سفر به اجازه سرپرست مرد نیاز دارند. این سازمان پیشتر در سال ۲۰۱۸ یک کانال تلویزیونی زنان را مسدود کرده بود و فعالیت مدرسه باله برای دختران را نیز ممنوع کرد. در سال ۲۰۱۷ به بهانه «محافظت از زنان و کودکان» حضور شهروندان با سگ را در خیابان‌ها ممنوع اعلام کرد. پیش از آن در سال ۲۰۱۳ یک مارتن که از سوی سازمان ملل متحد تدارک دیده شده بود، پس از تصمیم حماس مبنی بر ممنوعیت حضور زنان در این مسابقه لغو شد. در این سازمان هیچ نشانه‌ای از تغییر مسیر دیده نمی‌شود.

برادر «فاطمه» به عنوان یک دستفروش در خیابان کار می‌کرد و سبزیجاتی را که مادرشان پرورش می‌داد می‌فروخت. اما پلیس حماس در غزه اجناس او را مصادره می‌کرد و از او رشوه می‌خواست تا به او اجازه کار بدهد. آنها او را با زندان و ضرب و جرح و بدتر از اینها تهدید می‌کردند.

تحت حاکمیت حماس، مرز بین مالیات و فشار و رشوه محو شده است. بر اساس نظرسنجی فلسطینی‌ها، ۷۳ درصد از مردم فلسطین معتقدند نهادهای حماس فاسد هستند. در سال ۲۰۱۹، پس از اعمال یکسری مالیات جدید توسط حماس، حدود هزار نفر از مردم غزه یک تظاهرات خیابانی با عنوان «ما می‌خواهیم زندگی کنیم» برگزار کردند. یکی از معترضان گفت: «ده‌ها تن از مقامات حماس ثروت خود را از طریق فساد مالی افزایش داده‌اند در حالی که جیب مردم ما را با تحمیل مالیات بیشتر و نادیده گرفتن فقر ما می‌زنند.» در سال ۲۰۲۲، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده یک مقام مالی حماس و شبکه‌ای از افراد و شرکت‌های وابسته به حماس را به دلیل سرمایه‌گذاری بیش از پانصد میلیون دلار در یک روند سرمایه‌گذاری مخفی تحریم کرد و خاطرنشان کرد که حماس از این طریق «مبلغ هنگفتی درآمدزایی داشته در حالی که غزه بی‌ثبات و مردم با شرایط سخت معیشتی و اقتصادی روبرو هستند.»

همین فساد و اخاذی که «فاطمه» تعریف می‌کند، بسیاری از مردم غزه از جمله برادر او را به فرار از نوار غزه واداشته است. یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که ۴۸ درصد از مردم غزه خواهان مهاجرت هستند. در حالی که اقدام به مهاجرت سفری خطرناک است و مهاجران را با اخاذی بیشتر در بازار سیاه و توسط قاچاقچیان روبرو می‌کند. یک مادر ساکن غزه می‌گوید که چگونه برای فرار دختر اوتیست خود به بلژیک یازده هزار دلار هزینه کرد. بسیاری نیز در تلاش برای فرار جان خود را از دست می‌دهند. در سال ۲۰۱۴ نزدیک به ۴۰۰ شهروند غزه در حمله قاچاقچیان به قایق آنها را برای فرار سوار کرده بودند غرق شدند. یک مرد جوان می‌گوید «کسی در اینجا نیست که فردی را نشاند که به ترکیه مهاجرت کرده که اعضای بدنش را بفروشد تا به والدینش کمک کند... حماس از خود به عنوان مقاومت در برابر اشغال تمجید می‌کند، اما خودشان در کاخ‌هایی با پاسپورت قطری خود زندگی می‌کنند که بهایش را ما می‌پردازیم!»

۳- «دوباره با سنگ...»



وقتی مأموران حماس برای قطع برق خانه «احمد» آمدند، پسرعموی او که کودکی مبتلا به سندرم داون بود، سعی کرد جلوی آنها را بگیرد. آنها او را مورد ضرب و جرح قرار دادند و با گلوله‌های جنگی به درون خانه شلیک کردند. پس از

۱- «به من نگو چگونه مقاومت کنم»



«ایاد» هرچا در غزه می‌رود، رهبران حماس را می‌بیند که به او خیره می‌شوند. عکس‌ها و شعارهایشان دیوارها و کوچه‌ها را پوشانده است. «ایاد» با کنایه می‌پرسد: «اینجا شهر است یا پادگان نظامی؟! وقتی می‌شنود که اهالی غزه خود را «آماده شهادت» می‌دانند، ناامید می‌شود و می‌گوید: «بسیار خوب، فلسطین آرمان ما و عادلانه است، اما به این معنی نیست که باید همچنان به کشتار فلسطینیان بدون هیچ نتیجه‌ای ادامه داد.» در حالی که انتقاد علنی از جنگ‌افروزی‌های حماس بسیار کم است اما نگاه دقیق‌تر نشان می‌دهد که مردم عاقلانه بودن این درگیری دائم را به پرسش می‌کشند. در ماه اوت ۲۰۲۲ در یک تصمیم نادر که حماس از شلیک موشک به اسرائیل در دوره‌ای که تنش بسیار شدید شده بود خودداری کرد، ۶۸ درصد از مردم غزه از این تصمیم حمایت کردند. حلیمه جندی، مادر غزه، با اشاره به آسیب‌هایی که فرزندان از جنگ ۲۰۱۴ هنوز تحمل می‌کنند، به نیویورک تایمز گفت: «ما نمی‌خواهیم حماس موشک شلیک کند. ما جنگ دیگری نمی‌خواهیم.» نظرسنجی دیگری در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که ۵۳ درصد از مردم غزه تا حدودی موافق هستند که «حماس باید از خواست نابودی اسرائیل دست بردارد و راهکار دو کشور را بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ بپذیرد.» به نظر می‌رسد نشانه‌هایی که بیانگر افزایش نارضایتی مردم نوار غزه از ایدئولوژی و سیاست‌های حماس است دست‌کم گرفته می‌شود. آنها در حالی که با توجه به یافته‌های اخیر ۶۲ درصد از مردم غزه معتقدند که «نمی‌توانند بدون ترس از مقامات حماس انتقاد کنند». یکی از مخالفان حماس به شرط ناشناس ماندن به مجله ۹۷۲+ صحبت گفت: «ما چهار جنگ وحشتناک را پشت سر گذاشتیم و هیچ چیز به دست نیاوردیم.»

۲- «برادرم از اینجا رفت»



۵- «مثلث برمودا»



میلیاردها کمک خارجی به غزه سرایز شده است. اما «اسماعیل» می‌گوید انگار همه اینها را دریا بلعیده است! او می‌گوید: «غزه مثل مثلث برمودا است. هر چیزی که وارد آن شود، ناپدید می‌شود.»

بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ نهادهای مختلف سازمان ملل متحد نزدیک به چهار و نیم میلیارد دلار کمک به غزه ارسال کردند. قطر نیز یک میلیارد و سیصد میلیون دلار دیگر از سال ۲۰۱۲ به نوار غزه داده است. با این حال وضعیت معیشتی ساکنان غزه اسفبار است. سازمان حماس ادعا می‌کند با وجود نقش فعالی که در توزیع کمک‌های دریافتی ایفا می‌کند ما «به یک سنت» هم از این کمک‌های بین‌المللی دست نمی‌زنند. با این حال، بیشتر مردم به حماس بدبین هستند. یک نظرسنجی به تازگی نشان داد که ۷۳ درصد از مردم غزه معتقدند نهادهای تحت مدیریت حماس فاسد هستند. گاهی حماس در دزدی آشکار هم گیر افتاده است. در سال ۲۰۰۹ پس از سرقت چند صد تن آرد، پتو و سایر کمک‌های بین‌المللی توسط افراد مسلح حماس، سازمان ملل برای مدت کوتاهی مجبور شد ارسال این کمک‌ها را متوقف کند. یک سخنگوی UNRWA (اژانس امداد رسانی و کارایی برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک) به نیویورک تایمز گفت: «آنها مسلح بودند و ما نه!»

۶- «امکان هیچ صلحی با آنها در کار نیست»



«بسم» داروساز دارای مجوز در غزه، بارها توسط حماس به دلیل وابستگی به سازمان «فتح» مورد آزار و اذیت قرار گرفت. پس از اینکه او داروخانه خود را باز کرد، حماس داروخانه‌ی وی را از بازار خارج کرد و او را مجبور ساخت که آن را تعطیل کند. حکومت حماس در غزه که از سال ۲۰۰۷ پس از نبرد مرگبار با نیروهای سازمان «فتح» و تشکیلات خودگردان آغاز شد، با ترکیبی از روش‌هایی خشونت‌آمیز

۸- «پیروزی کجاست؟»



«عثمان» می‌گوید: «در دوران انتفاضه اول و دوم، ما به چیزی به نام مقاومت اعتقاد داشتیم. اما امروز «مقاومت» به یک تجارت تبدیل شده است.» او می‌گوید که همه دکه‌های سیگارفروشی و کافه‌ها مجبورند «باج حمایت» به حماس بپردازند و وقتی جنگ شروع می‌شود، «حماس در پناهگاه‌های خود می‌نشیند در حالی که ما باید بار اصلی جنگ را تحمل کنیم. در پایان هم بدون اینکه چیزی به دست بیاید به ما می‌گویند این یک پیروزی است!»

سازمان حماس از بدو تأسیس خود یک تصویر فساد ناپذیری از خود به نمایش گذاشته است. در سال ۲۰۰۶، نامزدهای حماس با شعار «اصلاحات و تغییر» با موفقیت در انتخابات فلسطین در غزه شرکت کردند. آنها وعده «نسل جدیدی از رهبری اسلامی» را دادند که «آماده به اجرا درآوردن اصول مبتنی بر ایمان در محیطی از مدارا و وحدت بود» و «شفافیت در دولت» را متعهد می‌شد.

در عوض، حماس به ایجاد اقتصادی مبتنی بر حمایت و جانبداری سیاسی پرداخت و تعرفه‌های سنگینی بر خدمات اساسی از جمله مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی تحمیل کرد. سپس از انزوای غزه در شرایط بسته برای ایجاد و نهادینه کردن یک شبکه قاچاق که بطور انحصاری آن را کنترل می‌کرد، استفاده نمود. پنج سال پس از به دست گرفتن قدرت، شبکه تونل‌های قاچاق حماس سالانه نیم میلیارد دلار کالا جابجا می‌کردند و بیش از چهارده و نیم درصد «عوارض واردات» وضع کرد. همانطور که یکی از قاچاقچیان می‌گوید «انتخاب درواقع این است که یا به حماس پول بدهی یا به تو شلیک می‌شود». در همین حال، با وجود فقیر شدن غزه، حماس یکسری مالیات برای تأمین بودجه غیرشفاف خود وضع کرد که حتی هدف آن نیز مبهم است. در یک گزارش آسوشیتدپرس آمده است، حماس «خدمات کمی در ازای این مالیات‌ها ارائه می‌کند و بیشتر پروژه‌های کمک‌رسانی و امدادی تحت پوشش جامعه بین‌المللی است.»

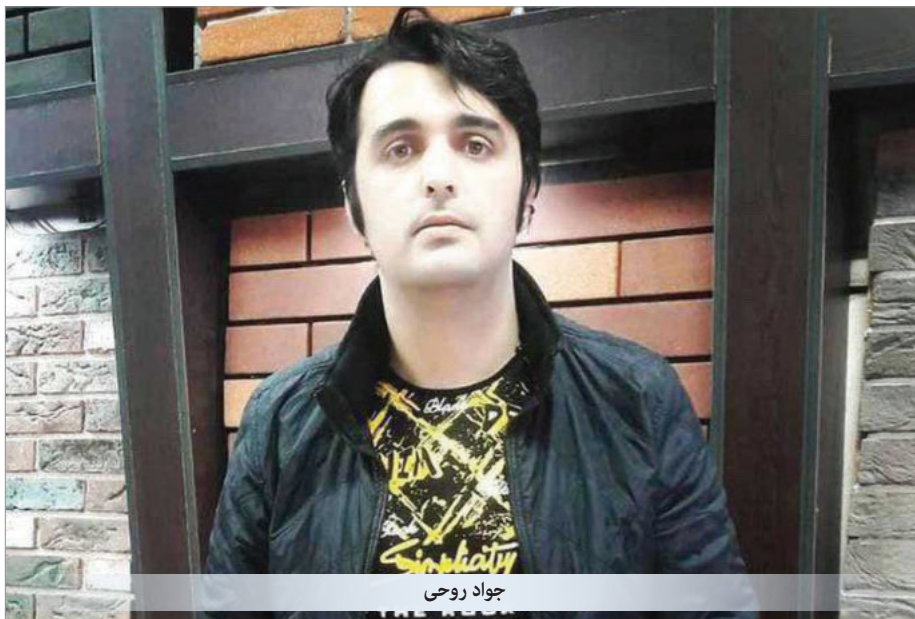
جای تعجب نیست که یک نظرسنجی در فلسطین نشان می‌دهد که ۷۳ درصد از مردم غزه معتقدند نهادهای تحت مدیریت حماس فاسد هستند. زمانی که حماس جنگی را آغاز می‌کند، مردم عادی غزه بهای سنگین‌تری را می‌پردازند. همانطور که یک جوان ساکن غزه به فایننشال تایمز گفت: «وقتی اسرائیلی‌ها آمدند، حماس رفت و در تونل‌ها پنهان شد و ما را بیرون تنها گذاشت.» یکی از شرکت‌کنندگان در جنبش اعتراضی «ما می‌خواهیم زندگی کنیم» در سال ۲۰۱۹ خاطرنشان کرد: «واقعا هیچکدام از ما جوانان به حماس رأی ندادیم... حماس از خود به عنوان مقاومت در برابر اشغال تمجید می‌کند، اما خودشان در کاخ‌هایی با پاسپورت قطری خود زندگی می‌کنند که بهایش را ما می‌پردازیم!»

و غیرخشونت‌آمیز برای نابودی همه مخالفان سیاسی تلاش می‌کند. در سال‌های پس از تسلط حماس، مقامات تشکیلات خودگردان (به رهبری محمود عباس) این سازمان را متهم کردند که «تفنگ‌هایش را به سمت اعضای فتح نشانه گرفته است». همچنین نهادهای مدنی حقوقی سوء استفاده مداوم و قتل‌های دوره‌ای توسط حماس را مستند کردند. در سال ۲۰۱۴، گزارش سازمان عفو بین‌الملل با عنوان «گردن‌های به دار آویخته» به مستند ساختن آدم‌ربایی، شکنجه و قتل فلسطینی‌ها توسط نیروهای حماس در جریان درگیری ۲۰۱۴ و سوء تحرکات جدی سرکوبگرانه‌ی این سازمان علیه اعضای فتح و اعضای سابق نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین در غزه پرداخت. با ابزارهای مختلفی که حماس از طریق آنها یک شبکه حمایتی ایجاد کرده به اعضای خود کمک می‌کند و همزمان دیگر فلسطینی‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد و از امکانات محروم می‌کند. اما به ظاهر در همه جا زندگی عادی و روزانه جریان دارد. دهه‌ها هزار نفر بر اساس وفاداری به این سازمان در خدمات دولتی به کار گرفته شده و ارتقاء یافته‌اند و به بسیاری دیگر سهم‌های سودآوری در معاملات تجاری متعلق به حماس داده شده است. در همین حال، پزشکان و سایر متخصصان پزشکی به دلیل حفظ ارتباط با سازمان «فتح» خودسرانه اخراج شده‌اند. در عمل با وجود مشکلات مزمن در مسائل درمان و بهداشت، بسیاری از کلینیک‌ها به همین دلیل تعطیل شده‌اند.

۷- «سیاست دهان بستن»



«ماها» زمانی آرزو داشت در زادگاهش غزه روزنامه‌نگار شود، اما دیگر برای این آرزو تلاش نمی‌کند. ابتدا صفحه فیس بوک او را حذف کردند. سپس حماس به او گفت: «اگر دست از این کارها نکشی، ممکن است اتفاق بدی برای خانواده‌ات بیفتد.» سازمان حماس کنترل شدیدی بر رسانه‌های مستقر در غزه دارد. «خانه آزادی» برای «رسانه‌های آزاد و مستقل» در نوار غزه نمره چهاردهم (۰/۴) می‌دهد و به «تداوم دستگیری، بازجویی و در برخی موارد ضرب و جرح و شکنجه خبرنگاران در غزه» اشاره می‌کند. حماس اغلب خبرنگاران را با تهدید خانواده‌های آنها ساکت می‌کند. در اکتبر سال ۲۰۲۲، یکی از فعالان رسانه‌ای غزه پس از تهدید یک عضو حماس علیه والدین‌اش، ویدئویی از این تهدید را منتشر کرد. چند هفته بعد، به گفته فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، گزارشگر دیگری توسط حماس پس از افشای مشارکت این سازمان در عملیات قاچاق از غزه به اروپا توسط حماس دستگیر شد. در بازجویی توسط دستگاه امنیتی حماس، به او گفته شد که «به محدودی ممنوعه یا گذاشته است». گزارش IFJ (فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران) می‌افزاید که مأموران امنیتی به خانه وی نیز هجوم برده و خانواده او را تهدید کردند.



جواد روحی

جواد روحی؛ محکوم به «سه بار اعدام» بدون اینکه کسی را کشته یا مجروح کرده باشد!

پیام درباره وضعیت فرزندشان که سابقه بیماری اعصاب و روان نیز دارد، اظهار نگرانی کردند و خواستار همیاری و کمک مردم ایران برای نجات او شدند.

پدر این جوان بازداشت شده اعلام کرد که از زمان دستگیری فرزندش، خانواده او تنها یکبار به صورت حضوری او را ملاقات کرده اما از ۲۲ آذر و جلسه محاکمه‌اش تا کنون، از او خبری ندارند. برخی منابع از شکنجه شدن و اعمال فشارهای روانی به جواد روحی برای گرفتن اعتراف اجباری از او اشاره کرده‌اند.

آنها در پیام خود، درباره وضعیت فرزندشان صراحتاً اعلام کردند که او سابقه بیماری اعصاب و روان دارد و در زمان حضور در اعتراضات و بازداشت نیز، تحت درمان بوده است. دادگاه انقلاب استان مازندران پیشتر نیز برای دو جوان ۱۸ ساله دیگر حکم اعدام صادر کرده بود. مهدی محمدی‌فرد نوجوان ۱۸ ساله‌ای است که در جریان اعتراضات سراسری در نوشهر بازداشت شده و توسط شعبه اول دادگاه انقلاب ساری، به اتهام «افساد فی‌الارض» و «محرابه»، به «دو بار اعدام» محکوم شده است.

عرشیا تکدستان نیز جوان ۱۸ ساله دیگری است که در نوشهر بازداشت و توسط دادگاه انقلاب، به جرم «محرابه و افساد فی‌الارض» به اعدام محکوم شده است.

در جنبش انقلابی اخیر که از اواخر شهریور ۱۴۰۱ آغاز شده تا کنون بیش از ۱۹ هزار و ۲۰۰ شهروند بازداشت شدند. به گزارش «سازمان حقوق بشر ایران» دست‌کم ۱۰۹ معترض در ایران در خطر صدور یا اجرای احکام اعدام قرار دارند.

بر اساس این گزارش، در استان خوزستان، دست‌کم ۲۴ معترض، در سیستان و بلوچستان، ۲۲ معترض و در تهران، ۲۰ معترض بازداشتی در معرض خطر صدور یا اجرای حکم اعدام هستند.

محسن شکاری ۲۳ ساله، مجیدرضا رهنورد ۲۳ ساله، محمدمهدی کرمی ۲۲ ساله و محمد حسینی ۳۸ ساله شهروندانی هستند که حکم اعدام آنها اجرا شده است. درخواست فرجام‌خواهی شماری از متهمان محکوم به اعدام از سوی دیوان عالی کشور پذیرفته شده و پرونده به دادگاه هم‌عرض ارسال شده اما همچنان شهروندان زیادی در زندان‌های جمهوری اسلامی در بیم و امید نسبت به سرنوشت خود بسی می‌پرند.

سلیمان وطن دوست وکیل تسخیری جواد روحی هم پیشتر گفته بود که «جواد روحی مبتلا به بیماری اعصاب و روان است، او در هیچ احراق و تخریبی مشارکت نداشته است. حتی در تصاویر ضبط شده نیز او تنها در صحنه حضور دارد و مشارکتی در اقدامات ندارد.»

جواد روحی مانند اکثر شهروندان بازداشت‌شده که با اتهامات سنگین روبرو شده‌اند از حق داشتن وکیل «تعیینی» (انتخابی) محروم بوده است. این جوان در حالی به «سه بار اعدام» محکوم شده که دادگستری استان مازندران در ادعایی دروغ گفته که برای جواد روحی «به دلیل عدم معرفی وکیل در مرحله دادرسی و دادگاه، وکیل تسخیری انتخاب شده است.»

در کیفرخواست صادر شده علیه جواد روحی، به اعترافات او در دوران بازجویی اشاره شده و به اتکای این اعترافات اجباری، وی به «ساخت کوکتل مولوتف و پرتاب آن به داخل مقر راهنمایی رانندگی میدان آزادی نوشهر که باعث حریق و صدمات جدی به مکان پلیس شده» متهم شده است. بسیاری از شهروندان بازداشت شده که در روند دادرسی اتهامات سنگین علیه آنها مطرح شده، زیر شکنجه ناچار به اعتراف اجباری و اقرار علیه خود شده‌اند. هرچند برخی متهمان در دادگاه به قاضی گفته‌اند زیر ضرب و جرح و شکنجه اعتراف کرده‌اند، اما قضات یا همان حاکمان شرع انقلاب اسلامی بدون اهمیت به اظهارات متهمان، آنها را به شدیدترین احکام از جمله «اعدام» محکوم می‌کنند.

یک منبع مطلع نزدیک به خانواده روحی نیز پیش از این به خبرگزاری «هرانا» گفته بود «تمامی اعترافاتی که در دوران بازجویی از جواد اخذ شده، تحت آزار و اذیت و فشار اعمال شده بر وی صورت گرفته است. تنها مستندات پرونده علیه وی که منجر به صدور حکم اعدام برایش شده است، اعترافات اجباری اخذ شده از او در دوران بازجویی و همچنین فیلمی از صحنه اعتراضات است؛ ویدیویی که به هیچ عنوان چهره فردی که در آن اقدام به آتش زدن قرآن می‌کند مشخص نیست، اما دادگاه اقدام مذکور را منتسب به جواد دانسته و او را «مرتد» خوانده است.»

مادر و پدر جواد روحی هفته نخست دی‌ماه و در حالی که فرزندشان به «محرابه» و «افساد فی‌الارض» متهم شده بود با انتشار ویدیویی اعلام کردند که جواد وضعیت روحی مناسبی ندارد و از مردم ایران کمک خواستند. آنها در این

● جواد روحی در حکمی عجیب که با قوانین ضدبشری خود جمهوری اسلامی نیز تناقض دارد به اتهام «محرابه» و «افساد فی‌الارض» به دلایلی چون «آتش زدن مقر راهنمایی و رانندگی» و «آتش زدن روسری» به سه بار اعدام محکوم شده است.

● وکیل تسخیری: «جواد روحی مبتلا به بیماری اعصاب و روان است، او در هیچ احراق و تخریبی مشارکت نداشته است. حتی در تصاویر ضبط شده نیز او تنها در صحنه حضور دارد و مشارکتی در اقدامات ندارد.»

جواد روحی از بازداشت‌شدگان خیزش انقلابی، به اتهام «آتش زدن مقر راهنمایی و رانندگی»، به «سه بار اعدام» محکوم شده است.

جواد روحی جوان معترض ۳۵ ساله که اوایل مهرماه در اعتراضات آمل بازداشت شده بود در حکمی عجیب که حتی با قوانین ضدبشری خود جمهوری اسلامی نیز تناقض دارد، به اتهام «محرابه» و «افساد فی‌الارض» به دلایلی چون «آتش زدن مقر راهنمایی و رانندگی» و «آتش زدن روسری» به سه بار اعدام محکوم شده است.

بر اساس حکم صادرشده علیه این شهروند توسط دادگاه انقلاب ساری او به دو اتهام «محرابه» و «افساد فی‌الارض» به «سه بار اعدام» محکوم شده است. جواد روحی اما با اتهامات دیگری نیز در این پرونده روبروست که شامل «اخلال در نظم و امنیت جامعه، تحریک برخی از شهروندان به ایجاد ناامنی، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی کشور، ارتداد از طریق هتک حرمت قرآن و آتش زدن آن و همچنین توهین به مقدسات» است.

در حکم صادر شده آمده که تخریب و به آتش کشیدن مقر پلیس راهنمایی و رانندگی، اماکن دولتی و نظامی، بانک‌ها و شهرداری نوشهر» و همچنین «لیدری و عاملین اصلی هدایت و برنامه‌ریزی» تجمع اعتراضی «روز یکشنبه ۲۰ آذرماه» از دلایل صدور این حکم بوده است.

بنا بر ادعای مندرج در حکم و اظهارات قاضی، تجمع صورت گرفته در ۲۰ آذرماه در نوشهر به کشته شدن ۵ تن و جراحت تعدادی از مأموران» منجر شده است. این در حالیست که در پرونده حتی یک سند و مدرک دال بر اینکه جواد روحی کسی را به قتل رسانده یا مجروح کرده وجود ندارد!

ابعاد تازه پرونده سانچی درباره زنده بودن خدمه! از رد پای سازمان اطلاعات سپاه (ساس) تا جابجایی جغرافیایی سیم کارت دریانوردان

ملی نفتکش، افزوده که «طبق آن چه ثبت شده، کاپیتان کشتی پس از تصادف بلافاصله دستورات لازم را صادر می‌کند. آژیر خطر به صدا درمی‌آید و سرنشینان هر کدام به اقداماتی دست می‌زنند که هر روز تمرین می‌شده است.»

عبدالله عبداللہی به اتفاقات کابین کاپیتان کشتی در آن لحظات اشاره کرده و گفته که «با وجود آنکه سه چهار دقیقه از مکالمات کابین ضبط شده است، شرکت ملی نفتکش اصرار دارد که همه سرنشینان کشتی در همان لحظات ابتدایی فوت کرده‌اند و برای این که ادعای خود را ثابت کنند، در گزارشی که به دادرسی بین‌المللی ارائه داده‌اند، بخش مهمی از مکالمات مانند دستور به صدا درآوردن آژیر خطر را حذف کرده‌اند.»

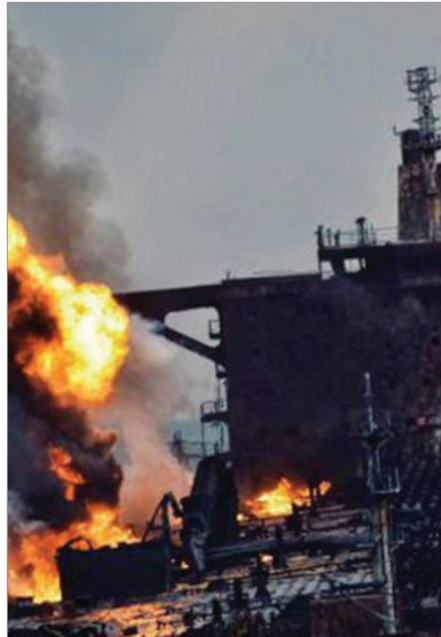
او از نحوه برخورد دولت با این حادثه چنین انتقاد کرد: «آقای ربیعی، وزیر وقت کار به همراه گروهی از شرکت ملی نفتکش به عنوان نماینده دولت ایران، بجای بررسی میدانی و حاضر شدن در محل، به شانگهای سفر کردند و از آن جا پیگیر حادثه بودند در حالی که محل حادثه با شانگهای ۳۰۰ کیلومتر فاصله دارد.» همچنین بنا به گفته پدر سجاد، آن ویدئوهایی که دولت و صداوسیما از غرق شدن کشتی آتش گرفته منتشر کردند مربوط به حدود ۱۲ ساعت پس از تصادف سانچی با یک کشتی چینی بوده است. این در حالیست که دریانوردان حاضر در سانچی برای نجات خود حداکثر ۱۵ دقیقه وقت نیاز داشته‌اند بنابراین در زمان آن آتش‌سوزی بزرگ، اصلاً در کشتی حضور نداشته‌اند!

پدر سجاد تأکید کرده «ما باور داریم که بچه‌هایمان زنده از سانچی خارج شده‌اند. تعداد زیادی سند و مدرک هم وجود دارد که این حرف را ثابت می‌کند اما دولت اراده‌ای برای شنیدن این حرف ندارد.»

عبدلله عبداللہی در پاسخ به این پرسش که «اگر بچه‌ها زنده از کشتی خارج شده‌اند، کجا رفته‌اند و چرا اثری ازشان نیست» گفته که «ما هم می‌خواهیم جواب این سوال را پیدا کنیم اما هم مطمئن هستیم بچه‌ها زنده از کشتی خارج شده‌اند اما به دلایلی که نمی‌توان درباره‌شان حرف زد، دچار مشکل شده‌اند. یعنی به نظر ما این قضیه ابعاد دیگری دارد. یکی از بزرگ‌ترین ابهامات پرونده سانچی ماجرای کشتی چینی است؛ اینکه برای خدمه کشتی کریستال هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد و آنان بعد از چند ساعت به مسیر خود ادامه می‌دهند یا این که دولت چین اجازه هیچ‌گونه صحبتی با خدمه این کشتی را نداده است، نشان می‌دهد مسئله فراتر از تصادف عادی دو کشتی بوده است.»

پدر سجاد در این گفتگو تأکید کرده که «ما باور داریم بچه‌ها با قایق نجات از سمت راست کشتی خارج شده‌اند اما نمی‌دانیم در ایران هستند، در چین هستند یا در کشور دیگری. شما باید از اعضای شورای امنیت ملی بپرسید که فرزندان ما کجا هستند. اسناد دیگری مانند تماس‌های تلفنی در اختیار داریم که زنده بودن بچه‌ها را اثبات می‌کند. در این مدت با شماره‌هایی تماس گرفته شده که جز بچه‌ها، هیچ‌کس از وجودش اطلاع نداشته است. مثلاً فرض کنید فقط سجاد می‌دانسته که من یک خط دیگر هم دارم و با آن خط از خارج از کشور تماس گرفته شده است. همین‌طور با یکی از خانواده‌ها تماسی گرفته شده و اسم کوچکی را استفاده کرده‌اند که فقط فرزندشان می‌دانسته است.»

هنوز مشخص نیست چرا باید دریانوردان کشتی



از ادامه دادخواهی منصرف کند و این خانواده‌ها در این مدت هیچ حقوق و مزایایی دریافت نکرده‌اند.

نفتکش سانچی در دی‌ماه ۹۶ در نزدیک سواحل چین و در پی آنچه برخورد با کشتی باربری چینی «کریستال» عنوان شد، دچار آتش‌سوزی شده و غرق شد. پس از چند روز اعلام شد که همه ۳۲ خدمه سانچی، شامل ۳۰ ایرانی و دو خدمه بنگلادشی، جان باخته‌اند. از همان روزها خانواده‌ها بنا به شواهدی، مانند داشتن تماس از سرنشینان یا داشتن سیگنال موبایل در حالیکه ادعا شده بود کشتی و خدمه‌ای غرق شده‌اند، امیدوار بودند که دست‌کم شماری از سرنشینان زنده باشند. سه سال بعد در اسفند ۱۳۹۹ گواهی درگذشت ۹ نفر از خدمه نفتکش سانچی با حکمی از سوی دادگاه لغو شد. این حکم در حالی که شرکت ملی نفتکش را موظف به برقراری حقوق و مزایای آنان کرد، به معنای در دست بودن اسناد معتبری برای زنده‌بودن یا در رد کشته شدن این ۹ دریانورد بوده است. از سوی دیگر عبدالله عبداللہی، پدر سجاد، یکی از سرنشینان کشتی سانچی به تازگی در گفتگویی با وبسایت «انصاف نیوز» از احتمال زنده بودن سرنشینان خبر داده و گفته که «از همان روز حادثه تا امروز، ابهامات بسیار زیادی درباره سرنوشت بچه‌ها وجود داشت که هیچ‌کدام هم حل نشد و مسئولان شرکت ملی نفتکش نتوانستند پاسخ مناسب و قانع‌کننده‌ای به ما بدهند. بنابراین چند نفر از خانواده‌هایی که عزیزانشان در کشتی بوده‌اند، جمع شدیم تا با هم این مساله را پیگیری کنیم.»

پدر سجاد به روایت رسمی از حادثه اشاره کرده و گفته که «بر خلاف آن چه گفته شده که بچه‌ها در همان ثانیه‌های اول به دلیل تنفس گاز سمی از بین رفته‌اند، مدارکی وجود دارد که ثابت می‌کند سرنشینان کشتی حداقل ۱۵ دقیقه وقت داشته و در این مدت طبق دستورالعمل‌هایی که از قبل می‌دانستند، عمل کردند.»

پدر سجاد عبداللہی با بیان اینکه خانواده‌ها توانسته‌اند به محتویات جعبه سیاه کشتی دست یابند اما نه از کانال شرکت

● جمهوری اسلامی از طریق سانچی یک محموله سری را به کره شمالی فرستاده بود و بر اساس اسناد، رهبر کره شمالی طی نامه‌ای از علی خامنه‌ای به خاطر ارائه محموله سانچی تشکر کرد.

● اقامه شکایت در بریتانیا در پنجمین سالگرد آتش گرفتن سانچی صورت می‌گیرد و از قبل نیز در واشنگتن دی‌سی شکایتی علیه شرکت ملی نفتکش، وزیر کار دولت روحانی و علاءالدین بروجردی صورت گرفته است.

● پدر سجاد عبداللہی: مدارکی وجود دارد که ثابت می‌کند سرنشینان کشتی حداقل ۱۵ دقیقه وقت داشته و در این مدت طبق دستورالعمل‌هایی که از قبل می‌دانستند، عمل کردند. رضا عبداللہی وکیل خانواده‌های سانچی: اگر طبق ادعای آقایان بچه‌ها در کشتی بوده و کشتی غرق شده است، چگونه سیم‌کارت‌های‌شان جابجا می‌شود؟ من فایلی در اختیار دارم که تغییرات نقطه به نقطه سیم‌کارت بچه‌ها را نشان می‌دهد.

در پنجمین سالگرد حادثه تلخ آتش‌گرفت و غرق شدن نفتکش سانچی، ابعاد تازه‌ای از این پرونده مشخص شده است. بر اساس تازه‌ترین اطلاعات ۲۲ خدمه سانچی زنده هستند. شرکت ملی نفت ایران با همکاری سازمان اطلاعات سپاه فشارهای زیادی به خانواده‌ها آورده تا آنها از شکایت صرف نظر کنند اما به تازگی شماری از خانواده‌ها شکایتی را علیه شرکت ملی نفتکش، وزیر کار دولت روحانی و علاءالدین بروجردی به ثبت رسانده‌اند.

علی هریسچی که وکالت گروهی از خانواده‌های خدمه کشتی سانچی را برعهده دارد در پنجمین سالگرد غرق شدن این کشتی اعلام کرده به اسنادی دست یافته که نشان می‌دهد ۲۲ خدمه سانچی زنده هستند و پس از آتش گرفتن این نفتکش، چند هفته در بازداشت نیروهای ایران بودند و سازمان اطلاعات سپاه (ساس) نیز بازداشت آنها را به اطلاع علی خامنه‌ای رسانده بوده است.

بنا بر اعلام شرکت خدمات حقوقی علی هریسچی و بر اساس اسناد موجود، گروهی از خدمه کشتی سانچی پس از حادثه آتش‌سوزی، با قایق نجات از این نفتکش خارج شده و به سواحل چین رسیدند. همچنین قوه قضاییه جمهوری اسلامی دستور گرفته که اعلام کند همه خدمه سانچی جان باخته‌اند و هر گونه پرونده حقوقی و تحقیق و تفحص درباره این موضوع باید مختومه شود.

علی هریسچی تأکید کرده که طبق گواهی شاهد عینی، یک نامه و عکس‌ها، جمهوری اسلامی از طریق سانچی یک محموله سری را به کره شمالی فرستاده بود و بر اساس اسناد، رهبر کره شمالی طی نامه‌ای از علی خامنه‌ای به خاطر ارائه محموله سانچی تشکر کرد.

علی هریسچی همچنین اعلام کرده که این خانواده‌ها در دادگاه دریایی بریتانیا از شرکت ملی نفتکش ایران و شرکت‌های بیمه‌گر این شرکت و نفتکش سانچی شکایت کرده‌اند.

هریسچی خاطرنشان کرد اقامه شکایت در بریتانیا در پنجمین سالگرد آتش گرفتن سانچی صورت می‌گیرد و از قبل نیز در واشنگتن دی‌سی شکایتی علیه شرکت ملی نفتکش، وزیر کار دولت روحانی و علاءالدین بروجردی صورت گرفته است. علی هریسچی گفته که شرکت ملی نفتکش در پنج سال گذشته سعی کرده با فشار مالی بر این گروه خانواده‌ها، آنها را

گردهمایی بزرگ ایرانیان در استراسبورگ: جای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی است



بر اساس گزارش‌ها بیش از پنجاه هزار نفر در تجمع مقابل پارلمان اروپا در استراسبورگ شرکت کردند

که گفت «مردم ایران شایسته حقوق بنیادین بشر، آزادی و دموکراسی هستند». این نماینده همراه با علیرضا آخوندی دیگر نماینده پارلمان اروپا این اعتراضات را سازماندهی کردند تا صدای مردم ایران و تروریست بودن پاسداران انقلاب اسلامی را به گوش رهبران اروپا برسانند.

بعد از تظاهرات ایرانیان در برلین (اکتبر ۲۰۲۲) تجمع استراسبورگ دومین گردهمایی بزرگ اعتراضی ایرانیان در اروپا طی سه ماه اخیر است.

شبکه ای‌بی‌سی نیوز گزارش داد راهپیمایی استراسبورگ پس از آن برگزار شد که بیش از ۱۰۰ نماینده پارلمان اروپا هفته گذشته در نامه‌ای از رهبران اتحادیه اروپا خواستند موضع محکم‌تری علیه رژیم ایران اتخاذ کنند.

این نمایندگان از جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا خواستند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را «بطور کامل به عنوان یک سازمان تروریستی» معرفی کند. همچنین شهرداری پاریس شعار «زن، زندگی، آزادی» و «اعدام‌ها در ایران را متوقف کنید» را بر برج ایفل به نمایش درآورد.

ده‌ها هزار پرچم ملی ایران با نشان شیروخورشید در این تظاهرات بزرگ به اهتزاز درآمد و همزمان شعارهای ملی‌گرایانه و ایران‌دوستانه سر داده شد از جمله «تا آخوند کفن نشود، این وطن وطن نشود»، «آزادی، آزادی، آزادی»، «با اینکه دوریم از وطن، پشت شماییم هموطن»، «شاه ایران کیه، رضا پهلوی»، «ای شاه ایران برگرد به ایران»، «ایران که شاه نداره حساب کتاب نداره»، «زن، زندگی، آزادی». پارلمان اروپا در حال بررسی طرح قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی است. بسیاری از نمایندگان پارلمان‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا به دولت‌های خود فشار می‌آورند تا این سازمان تروریستی اسلام‌گرا در لیست تروریسم این کشورها نیز قرار بگیرد.

● روبرتا متسولا رئیس پارلمان اروپا با بیان اینکه «مسئولان سرکوب و اعدام‌ها در ایران باید پاسخگو باشند» خطاب به جمعیت تأکید کرد، «مقامات ایران موفق نخواهند شد مردم را تا ابد در زنجیر نگه دارند و باید پاسخگو باشند. شما سمت درست تاریخ ایستادید و تاریخ‌ساز خواهید شد و ما شما را تنها نمی‌گذاریم».

● سیامک آقابابایی معاون اول شهردار استراسبورگ نیز در این تجمع گفت: «شهر استراسبورگ و همه اعضای شورای شهر استراسبورگ پایبند نبرد برای آزادی مردم ایران هستند». ● یکی دیگر از سخنرانان این تجمع بزرگ عبیر السهلانی نماینده پارلمان سوئد بود که گفت، «مردم ایران شایسته حقوق بنیادین بشر، آزادی و دموکراسی هستند».

ده‌ها هزار تن از ایرانیان خارج کشور دوشنبه ۱۶ ژانویه (۲۶ دی‌ماه) در استراسبورگ فرانسه دست به تظاهراتی در پشتیبانی از حقوق و آزادی مردم ایران و علیه جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی زدند. آنها ضمن حمایت از خیزش انقلابی مردم ایران خواستار تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط دولت‌های اروپایی و اتحادیه اروپا شدند.

در این تجمع روبرتا متسولا رئیس پارلمان اروپا با بیان اینکه «مسئولان سرکوب و اعدام‌ها در ایران باید پاسخگو باشند» خطاب به جمعیت تأکید کرد، «مقامات ایران موفق نخواهند شد مردم را تا ابد در زنجیر نگه دارند و باید پاسخگو باشند. شما سمت درست تاریخ ایستادید و تاریخ‌ساز خواهید شد و ما شما را تنها نمی‌گذاریم».

سیامک آقابابایی معاون اول شهردار استراسبورگ نیز در این تجمع گفت: «شهر استراسبورگ و همه اعضای شورای شهر استراسبورگ پایبند نبرد برای آزادی مردم ایران هستند». ● یکی دیگر از سخنرانان این تجمع بزرگ عبیر السهلانی نماینده پارلمان سوئد یکی از برگزارکنندگان این تظاهرات بود

سانچی از سوی مأموران حکومتی ربوده شوند و اساس بار این کشتی چه چیزی بوده که باید غرق می‌شده و یا چرادر دولت به سرعت اصرار داشته که مرگ قطعی همه خدمه را تأیید کند. این ابهامات باید از سوی جمهوری اسلامی روشن شود. با اینهمه پدر سجاد در گفتگو با «انصاف نیوز» تأکید کرده است: «در حالی که طبق قانون باید ۵ سال صبر می‌کردند، همان روز غرق شدن کشتی سانچی آقای ربیعی در یک کاغذ بدون سربرگ و مهر، می‌نویسد همه سرنشینان کشتی از بین رفته‌اند و باید جزء شهادی خدمت محسوب شوند. اما همین هم شعاری بود و در حد حرف باقی ماند. هیچ کاری برای خانواده‌ها نشد».

او گفته که «ما از همان روز حادثه قبول نکردیم که بچه‌ها کشته شده‌اند و بنابراین ۱۰ خانواده از سرنشینان سانچی به دادگاه شکایت کردیم. دادگاه هم از همه‌جا استعلام کرد اما هیچ کدام از سازمان‌ها و نهادهای نتوانستند مدارکی دال بر فوت بچه‌ها به دادگاه ارائه کنند. بنابراین گواهی فوت ۹ نفر از سرنشینان سانچی باطل شد. شرکت ملی نفتکش به این رای اعتراض کرد اما در رسیدگی مجدد، باز هم رای قبلی تأیید شد. الان از نظر ثبت احوال این ۹ نفر زنده‌اند و مثلاً سهام عدالت‌شان را دریافت کرده‌اند. یعنی بخشی از دولت زنده بودن این بچه‌ها را پذیرفته اما بخش دیگری از دولت، از جمله شرکت ملی نفتکش آن را نپذیرفته‌اند».

رضا عبداللهی وکیل ۷ خانواده سانحه‌دیدگان سانچی نیز به «انصاف نیوز» گفته که «پس از شکایت ما، دادگاه حکم به ابطال گواهی فوت ۹ نفر از سرنشینان کشتی سانچی داد اما متأسفانه شرکت ملی نفتکش در مقابل خانواده‌ها ایستاد و نسبت به این حکم شکایت کرد. در نهایت دادنامه‌ای که ۳ ماه پیش تهیه شده، مورد رسیدگی مجدد قرار گرفت و دادگاه به شکل قطعی، گواهی‌های فوت را ابطال کرد».

این وکیل دادگستری همچنین گفته که «شرکت ملی نفتکش اصرار عجیبی دارد که همه بچه‌ها در کشتی بوده‌اند و در همان لحظات اول هم فوت کرده‌اند. قبول، کشتی را از آب بیرون بیاورند؛ اگر یک کیلو استخوان هم پیدا شد، ما می‌پذیریم که همه بچه‌های مان در کشتی فوت کرده‌اند».

او درباره شکایت صورت گرفته در قوه قضاییه جمهوری اسلامی گفته که «منتظریم شعبه رسیدگی به این شکایت تعیین شود» اما افزوده که «به دلیل آن که در کشور هیچ پاسخی نگرفتیم، شکایتی را در دادگاه فدرال آمریکا ثبت کردیم». رضا عبداللهی دلیل انتخاب کشور آمریکا برای ثبت شکایت را توضیح داده است: «کشورهای عضو کنوانسیون ۱۹۸۶، دادگاه فدرال آمریکا را به عنوان یک مرجع عالی قضایی پذیرفته‌اند. بنابراین اگر ظلمی به اتباع کشورهای عضو شود، می‌تواند در این دادگاه‌ها شکایت خود را مطرح کنند و این دادگاه هم صالح به رسیدگی است. یکی از دلایل مراجعه ما به دادگاه فدرال، این بود که نیروی دریایی ارتش آمریکا و وزارت امور خارجه این کشور اطلاعاتی از کشتی سانچی در اختیار داشتند. سانچی در لیست سپاه آمریکا بود و بنابراین همه تحرکاتش را زیر نظر داشته‌اند».

این وکیل دادگستری همچنین تأکید کرده که «بیش از ۸۰ فایل از اطلاعات سانچی به دستور قاضی در اختیار دادگاه قرار گرفته است و به زودی بخشی از این اسناد و اطلاعات، منتشر خواهد شد».

رضا عبداللهی به جابجا شدن جغرافیایی سیم کارت سرنشینان سانچی اشاره کرد و گفت: «اگر طبق ادعای آقایان بچه‌ها در کشتی بوده‌اند و کشتی هم غرق شده است، چگونه سیم‌کارت‌های‌شان جابجا می‌شود؟ من فایلی در اختیار دارم که تغییرات نقطه به نقطه سیم‌کارت بچه‌ها را نشان می‌دهد».

آشفته بازار بحران گاز؛ راهکارهای مرکز پژوهش‌ها و وعده «سال دیگر» از سوی وزیر!



پیدا کرده و همزمان توفانی ۱۰۰ کیلومتر در ساعت نیز در زابل روی داده که شجاع دید را به کمتر از پنج متر رسانده است.

روز گذشته نیز ویدئوهایی نیز از اعتراضات مردم تربت جام و تجمع آنها در مقابل فرمانداری و «هلال احمر» به دلیل قطع گاز منتشر شد. فرماندار تربت جام شامگاه یکشنبه، ۲۵ دی اعلام کرد که گاز ۲۵ هزار مشترک در این شهرستان قطع است، اما وزیر نفت این آمار را در روز دوشنبه، ۱۷ هزار مشترک اعلام کرد.

جواد اوجی مدعی شده «تقریباً ۲۳ میلیون مشترک در بخش خانگی و تجاری داریم که در این اتفاقی که رقم خورد گاز ۱۷ هزار مشترک قطع شد؛ برای ما یک مشترک هم یک مشترک است. ۱۷ هزار مشترکمان آنهم در بخش شهرستان تربت جام، خب هم بحث سوخت مایع، توزیع سوخت مایع داشتیم وسایل گرمایشی داشتیم من همانجا هم اعلام کردم گفتم هر شهرستانی یا هر جایی که قطعی گازش اتفاق بیفتد اولاً همه همکاران آماده‌باش هستند و توزیع سوخت مایع را انجام دادیم و وسایل گرمایشی را فراهم کردیم همچنین وزارت نفت پرداخت کامل قبض برق همان ماه را قبول کرد.»

تمام این سخنان جواد اوجی جز دروغ آشکار نیست! نه تنها در تربت جام گاز شهروندان قطع شد بلکه در دیگر شهرها از جمله در استان مازندران نیز گزارش‌هایی از قطع گاز منتشر شده است. همچنین قطع گاز در بخش تجاری نیز طی روزهای گذشته بارها وجود داشته است.

برق صنایع نیز قطع است و کارشناسان نگرانی زیادی بابت زیان ناشی از قطع گاز صنایع مختلف، آنهم در شرایط رکود تورمی دارند.

رضا شهرستانی عضو هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» از قطع ۵۰ درصدی برق صنایع خبر داد و گفت: «کمبود گاز باعث قطعی برق صنایع نیز شده است چراکه گاز فعلی جوابگوی نیاز نیروگاه‌ها برای تولید برق را نمی‌دهد.»

عضو هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد افزوده که «به نظر می‌رسد که قطعی گاز و برق در صنعت فولاد، کاهش دو میلیون تنی تولید فولاد را به همراه بیاورد.»

از سوی دیگر سخنگوی صنعت برق نیز اعلام کرده که کمبود گاز مصرف برق را در کشور با افزایش روبرو

سال گذشته گزارش‌هایی پراکنده از قطع برق مشترکان خانگی منتشر شد و بار کمبود گاز بر دوش صنایع بود. امسال اما از مدت‌ها پیش گاز صنایع مختلف سهمیه‌بندی و قطع شد. با آغاز زمستان نیز ادارات و سازمان‌ها و مراکز ورزشی و فرهنگی با قطع گاز روبرو شدند و حتی گاز ویلاها و مناطق تفریحی نیز قطع شد. اینهمه در حالیست که بخش خانگی در بسیاری از نقاط کشور با مشکل روبرو شده و در استان‌های مختلف مردم با قطع گاز، به دنبال کپسول گاز و وسائل گرم‌کننده نفت‌سوز مانند علاءالدین هستند.

بازار انواع اجاق و بخاری نفتی که سال‌هاست از رده خارج شده و به ندرت و در مناطق دورافتاده استفاده می‌شد، طی روزهای گذشته داغ شده و در وبسایت‌های فروش آنلاین نیز انواع این چراغ‌ها، نو و دست دوم، برای فروش آگهی شده است.

دولت البته برای تأمین نفت و کپسول گاز در بسیاری از مناطق هم با کم‌کاری و بی‌نظمی روبروست و ویدئوها و تصاویری از معطلی شهروندان در صف‌های طولانی برای رسیدن تانکر نفتکش و کپسول گاز منتشر شده است.

در این میان، مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی امام جمعه اهل سنت زاهدان و محمد سرگزی نماینده زابل در مجلس شورای اسلامی از قطع گاز، کمبود نفت سفید و سیلندر گاز در منطقه با وجود سرمای هوا انتقاد کرده‌اند. به گفته محمد سرگزی شرایط به قدری دشوار شده که مردم مجبورند برای گرم کردن خود «هیزم و فضولات حیوانی» بسوزانند.

مولوی عبدالحمید روز سه‌شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۱ در توییتی با اشاره به قطع گاز برخی شهرها نوشت: «نتیجه بی‌توجهی به نخبگان جامعه و گزینش مدیران ناکارآمد آن است که مردم کشوری که روی سفره نفت و گاز نشسته‌اند، برای گرم کردن منازل خود با سختی و مشکل مواجه هستند.»

محمد سرگزی نماینده زابل در مجلس شورای اسلامی هم امروز در گفتگو با خبرگزاری «ایسنا» از کمبود نفت سفید و سیلندر گاز در منطقه انتقاد کرد و گفت: «مردم مجبورند در روستاها برای گرم کردن خود از هیزم و فضولات حیوانی استفاده کنند و متأسفانه مسوولان توجهی به مردم منطقه در این شرایط سخت ندارند.»

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی، در سرمای استان سیستان و بلوچستان و شهر زابل که در ۶۰ سال گذشته سابقه نداشته، دمای هوا به منفی ۲۰ درجه کاهش

● گاز صنایع قطع است و تأمین گاز بخش خانگی در بسیاری از نقاط کشور با مشکل روبرو شده و مردم با قطع گاز، به دنبال کپسول گاز و وسایل گرم‌کننده نفت‌سوز مانند بخاری «علاءالدین» هستند.

● فرماندار تربت جام شامگاه یکشنبه، ۲۵ دی اعلام کرده بود که گاز ۲۵ هزار مشترک در این شهرستان قطع است، اما وزیر نفت این آمار را در روز دوشنبه، ۱۷ هزار مشترک اعلام کرد.

● در اوج فلاکتی که کشور را فرا گرفته، هادی بیگی نژاد عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در حالی که مردم در خانه‌ها از سرما می‌لرزند، مدعی شده که «ما با بحران گاز روبرو نیستیم. صحبت از زمستان سخت و بحران گاز در کشور طراحی دشمن است!»

● عضو هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان فولاد از قطع شدن ۵۰ درصدی برق صنایع خبر داده و گفته به نظر می‌رسد که قطع شدن گاز و برق در صنعت فولاد، کاهش دو میلیون تنی تولید فولاد را به همراه بیاورد.

بحران گاز در ایران ادامه دارد و وزیر نفت با تأیید قطع گاز ۱۷ هزار مشترک گفته دولت تلاش می‌کند تا «سال آینده» مشکل کمبود گاز را حل کند! همزمان مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی راهکارهایی کلیشه‌ای با کارایی درازمدت برای حل بحرانی که سراسر کشور را فراگرفته ارائه داده و دولت رئیسی هم می‌گوید مقصر این بحران «مردم» و «دولت روحانی» هستند.

جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی با حضور در بخش خبری ۲۱ صداوسیما حکومتی برای توضیح درباره علت بحران گاز و برنامه دولت برای مدیریت آن گفت: «قول می‌دهیم با تدابیر دولت، سال آینده مشکل قطعی گاز نداشته باشیم.»

جواد اوجی مدعی شده از سال گذشته حل بحران گاز در دستور کار دولت بوده و از جمله اقدامات دولت در این مدت را تولید حداکثری از میادین، تعمیرات و اورهال و بازسازی تجهیزات بخش بالادست، سکویای نفتی، چاه‌ها، تأسیسات سر چاهی، پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال گاز عنوان کرده است. این اقدامات اما پاسخگو نبوده و وضعیت تأمین گاز مورد نیاز صنایع و بخش خانگی امسال از سال گذشته فاجعه‌بارتر بوده است.



کنفرانس خبری آنتونی بلینکن و جیمز کلورلی

تعهد پرزیدنت بایدن است که ایران هرگز به سلاح اتمی دست پیدا نکند. اکنون همچنان معتقدیم موثرترین راه برای انجام این تعهد، راه دیپلماسی است. ما موفقیت دیپلماسی را در مورد برجام اولیه دیدیم که برنامه اتمی ایران را در یک چارچوب قرار می‌داد.»

جیمز کلورلی وزیر خارجه انگلیس نیز گفت: «رژیم ایران در یک اقدام بزدلانه و شرم‌آور علیرضا اکبری یک شهروند دوتابعیتی ایرانی- بریتانیایی را اعدام کرد.»

وی با اشاره به ایالات متحده آمریکا افزود: «هر دو کشور در کنار دوستانمان در کنار مردم شجاع ایران ایستاده‌ایم. خواست آنها رهایی از ترور و سرکوب و داشتن زندگی عادی است. انگلیس کسانی را که عامل اعدام‌ها هستند تحریم کرده از جمله دادستان کل رژیم ایران. سال‌هاست که رهبری حکومت عامل خونریزی در کشورهای همسایه است و با تأمین سلاح و حمایت از شبه‌نظامیان افراطی این کار انجام می‌دهد.»

کلورلی در ادامه افزود: «رژیم ایران را با فراتر گذاشته و پهباد در اختیار روسیه قرار داده که با آن شهروندان اوکراینی را هدف قرار می‌دهد... انگلستان به آمریکا و سایر متحدان می‌پیوندد تا رژیم ایران را به خاطر نقض حقوق بشر مردم ایران به پاسخگوئی وادارد.»

وی همچنین افزود: «تهدید دیگری که از طرف جمهوری اسلامی ایران نسبت به صلح و امنیت جهانی وجود دارد، برنامه اتمی آن است که توسعه یافته اما آمریکا و انگلیس مصمم‌اند که نگذارند هرگز به سلاح اتمی دست پیدا کند.»

تداوم خیزش انقلابی در ایران به افزایش حمایت‌های بین‌المللی و گسترده از مردم منجر شده است. مواضع صریح و قاطع وزرای خارجه بریتانیا و انگلیس آنهم در شرایطی که پارلمان اروپا در حال بررسی قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی اروپاست، به همراه تلاش‌های بی‌سابقه‌ی ایرانیان خارج کشور می‌تواند بر تصمیم این نهاد اروپایی تأثیرگذار باشد.

که باید بار ناکارآمدی و سوء مدیریت ریشه‌دار جمهوری اسلامی را به دوش بکشند و روند زندگی‌شان مختل شود. در همین رابطه بخشنامه‌های پی در پی از تعطیلی ادارات، دانشگاه‌ها و مدارس در استان‌های مختلف و تا پایان هفته جاری خبر می‌دهند. استان‌های تهران، البرز، مازندران، گیلان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری از جمله استان‌هایی هستند که تعطیلات آنها دست‌کم تا روز ۲۸ دی‌ماه ادامه خواهد داشت.

وزرای خارجه آمریکا و انگلیس: ما در کنار مردم ایران ایستاده‌ایم؛ رهبر جمهوری اسلامی عامل خونریزی در منطقه است

● وزرای خارجه آمریکا و انگلیس ضمن محکوم کردن سرکوب اعتراضات در ایران اعم از تجاوز جنسی و شکنجه بازداشت‌شدگان و گرفتن اعتراضات اجباری و اعدام معترضان توسط جمهوری اسلامی اعلام کردند رژیم ایران همدست روسیه در کشتار مردم اوکراین است.

● آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا: «رفتارهای رژیم ایران بدون پیامد نخواهد ماند.»

● جیمز کلورلی وزیر خارجه انگلیس: «هر دو کشور در کنار مردم ایران ایستاده‌ایم. خواست آنها رهایی از ترور و سرکوب و داشتن زندگی عادی است.»

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در نشست مطبوعاتی مشترک با جیمز کلورلی همتای بریتانیایی خود با حمایت از خیزش آزادیخواهانه مردم ایران گفت، رژیم ایران ماه‌ها پیش فرصت بازگشت سریع به برجام را از دست داد. وی با اشاره به «سرکوب اعتراضات اخیر در ایران» و اعدام علیرضا اکبری معاون پیشین وزارت دفاع جمهوری اسلامی که متهم به جاسوسی برای انگلیس شد تأکید کرد، «رفتارهای رژیم ایران بدون پیامد نخواهد ماند. ما به همراه بسیاری از دیگر کشورها دست به مجموعه‌ای از اقدامات یکجانبه و چندجانبه خواهیم زد و با استفاده از ساز و کارهای سازمان ملل متحد برای پاسخگو کردن جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کنیم.»

بلینکن در مورد برجام توضیح داد، «تمام طرف‌های مذاکرات وین از جمله آمریکا، کشورهای اروپایی، روسیه و چین به توافق نهایی در این زمینه رسیده بودند، اما تهران فرصت احیای برجام را از دست داد.»

تغییر مواضع آنتوننتی بلینکن که تا کمتر از یکسال پیش به شدت به دنبال معامله اتمی با رژیم ایران بود به وضوح نشان می‌دهد جمهوری اسلامی تا چه اندازه با بحران بین‌المللی روبروست.

بلینکن همچنین گفت: «آنچه بسیار مورد توجه ماست،

به صد درصد شهرها و ۹۸ درصد روستاها گاز رسانده‌ایم. حال این دستاورد را به یکباره خراب نکنیم!» این نماینده مجلس شورای اسلامی از قرار معلوم می‌داند که لوله گاز و شبکه گازرسانی به خودی خود دارای گاز نیست و می‌بایست گاز را تأمین و از طریق این شبکه به خانه‌ها و صنایع و واحدهای تولیدی و خدماتی رساند!

در حالی که مقامات جمهوری اسلامی هیچ درکی از شرایط بحرانی کشور ندارند، باز هم این مردم هستند

→ کرده بطوریکه واردات برق ۲ برابر صادرات شده است. مصطفی رجبی‌مشهدی سخنگوی صنعت برق ایران گفته که «مصرف برق نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳ درصد افزایش داشته و در مناطقی که گاز قطع شده استفاده از هیترهای برقی و یا اسپیل‌ها رواج بیشتری داشته است، تحلیل مربوط به روز شنبه نشان داد که مناطق شمالی کشور ۹۰۰ مگاوات افزایش مصرف برق ناشی از استفاده از هیترهای برقی را داشتیم.»

وبسایت زومیت که خبرهای مربوط به اینترنت در ایران را منتشر می‌کند روز سه‌شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۱ بر اساس اطلاعات وبسایت مرکز تبادل ترافیک داده تهران گزارش داده که از شب گذشته تا امروز یک اختلال در ترافیک داخل کشور رخ داد.

بر اساس این گزارش، شرکت «ایرآروان» با انتشار بیانیه‌ای در وبسایت خود اعلام کرد که به دلیل ناپایداری شبکه برق در منطقه پیام و مشکل سوخت‌رسانی، دیتاسنتر بامداد این شرکت با قطع و اختلال مواجه است و این شرایط تا ساعت ۲۴ امشب (۲۷ دی) ادامه خواهد داشت.

دولت البته دو علت برای بحران فلاکت‌بار و خجالت‌آور کمبود و قطع گاز در کشوری که دارنده یکی از بزرگترین ذخایر گازی جهان است معرفی کرده است. روزنامه «ایران» رسانه دولت در گزارشی عامل اول در ناترازی گاز در کشور را میزان مصرف بالای انرژی و افزایش شدت مصرف انرژی اعلام کرده. عامل دیگر بروز ناترازی، عدم توسعه صنعت نفت و گاز کشور متناسب با برنامه‌های توسعه‌ای بوده که توپ این کم‌کاری را هم به زمین وزارت نفت دولت قبل یعنی دولت روحانی انداخته است!

از سوی دیگر، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی راهکارهای کلیشه‌ای با کارایی درازمدت برای حل بحرانی که سراسر کشور را فراگرفته ارائه داده که شامل موارد زیر است:

- ۱- توسعه ظرفیت ذخیره‌سازی گاز کشور.
- ۲- جلوگیری از تشدید ناترازی گاز در بخش‌های مختلف.
- ۳- حذف یارانه انرژی از زنجیره گاز و انتقال آن به ابتدای زنجیره به‌منظور تخصیص بهینه یارانه انرژی.
- ۴- اولویت‌دهی به بحث بهینه‌سازی مصرف از طریق اصلاح و تقویت ساختار مربوطه.
- ۵- اولویت‌دهی به تسویه گواهی صرفه‌جویی انرژی مبتنی بر ماده ۱۲ و بازار بهینه‌سازی.
- ۶- خودتأمینی گاز با اولویت گازهای مشعل.
- ۷- تأمین مالی توسعه میدان‌های بالادستی از محل صادرات.
- ۸- رصد و پایش مستمر مصرف گاز در بخش‌های مختلف.
- ۹- کارآمدسازی تعرفه‌گذاری گاز طبیعی.

۱۰- فرهنگ‌سازی عمومی برای مصرف بهینه انرژی. این راهکارهای ده‌گانه از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز مانند وعده وزیر نفت جمهوری اسلامی است و هیچ ربطی به مشکل سرمای‌امسال ندارد!

در اوج فلاکتی که کشور را فرا گرفته، هادی بیگی نژاد عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در حالی که مردم در خانه‌ها از سرما می‌لرزد، مدعی شده که «ما با بحران گاز روبرو نیستیم. صحبت از زمستان سخت و بحران گاز در کشور طراحی دشمن است!»

این عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در ادامه‌ی هذیان‌ات خود گفته که «ما بزرگترین شبکه گازرسانی در دنیا را داریم؛ ۴۰۰ هزار کیلومتر شبکه گازرسانی کشور وجود دارد که این رقم بسیار بالایی است. هیچ کشوری در دنیا چون آمریکا، چین، روسیه شبکه گازرسانی ندارند؛ تقریباً

جایزه «ارزش شجاعت» ایتالیا به گوهر عشقی تعلق گرفت



وزیر اصلاحات ایتالیا و پریسا نظری هنگام اهدای جایزه در سالن تشریفات شهرداری رم / ۱۲ ژانویه ۲۰۲۳

● جایزه «ارزش شهامت» ایتالیا به گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی تعلق گرفت. یکی دیگر از دریافت کنندگان این جایزه پاپ فرانسیس، رهبر کلیسای کاتولیک است.

● الیزابتا آلبرتی کاسلاتی وزیر اصلاحات دولت ایتالیا در مراسم اهدای این جایزه به گوهر عشقی، آن را «افتخار بزرگی» برای خود دانست و گفت پیام این مادر شجاع محدود به مرزهای ایران نیست.

● آنتونیو تایانی وزیر خارجه ایتالیا که در این مراسم حضور داشت، ساعاتی قبل از آن در پارلمان این کشور اعلام کرد «اتحادیه اروپا سرگرم تبادل نظر در رابطه با تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی است و این تحریم‌ها پیامی در محکومیت تداوم سرکوب معترضان در ایران خواهند بود».

● سرجو ماتارلا رئیس جمهور ایتالیا در جریان دریافت استوارنامه سفیر جدید جمهوری اسلامی با لحنی صریح و تند سرکوب معترضان و صدور احکام اعدام علیه آنان را «اقدامی وحشیانه» خواند و گفت نه تنها به عنوان رئیس جمهور بلکه شخصا نیز از سرکوب متعزضین در ایران و اعدام‌ها به شدت خشمگین هستم.

احمد رأفت - پنجشنبه ۲۲ دی در مراسمی که در شهرداری پایتخت ایتالیا برگزار شد، پریسا نظری به نمایندگی از گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی، جایزه «ارزش شجاعت» را دریافت کرد. در این مراسم که بسیاری از مقامات دولتی ایتالیا نیز حضور داشتند، جایزه گوهر عشقی توسط الیزابتا آلبرتی کاسلاتی وزیر اصلاحات دولت کنونی ایتالیا اهدا شد. این جایزه، که توسط «بنیاد ایتالیا» اهدا می‌شود امسال ۱۳ دریافت‌کننده داشت که پاپ فرانسیس رهبر کلیسای کاتولیک نیز یکی از آنها بود.

وزیر اصلاحات ایتالیا هنگام اهدای این جایزه گفت «برای من افتخار بزرگی است که این جایزه را به چنین زن

پیام مردم ایران به مقامات اروپا با هشتگ «#IRGCterrorists» تروریست‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جایشان در لیست تروریسم است!



مخالفان نظام در زاهدان روز جمعه ۲۳ دی ماه ۱۴۰۱ پلاکاردی در دست داشتند که روی آن با #IRGCterrorists از قرار دادن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی حمایت شده بود

خواستند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد.

لئو دوچرتی معاون وزیر خارجه انگلیس که در این نشست حضور داشت اعلام کرد که لندن به صورت جدی به دنبال قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی است. وی با این حال تأکید کرد هنوز چیزی در این مورد قطعی نیست و مقامات این کشور تا کنون به تصمیم نهایی در این مورد نرسیده‌اند.

وی تأکید کرد، «دولت انگلیس برای اقدام علیه سپاه پاسداران، تماس‌ها و ارتباطات متعددی را دنبال می‌کند».

لیلیان گرین وود نماینده پارلمان انگلیس می‌گوید «دولت باید بدون درنگ علیه اعدام معترضان در ایران موضع‌گیری کند. باید رژیم ایران را به پاسخگویی وادار کرد و سپاه پاسداران تروریستی شناخته شود». باب بلکمن از نمایندگان مجلس عوام انگلیس تأکید کرد، «دولت باید مشروعیت مبارزه مردم ایران علیه سپاه پاسداران را تأیید کند و انقلاب مردم ایران برای برقراری یک دولت دموکراتیک را به رسمیت بشناسد».

آلیشیا کرنز رئیس کمیته خارجی پارلمان بریتانیا نیز گفت، «انگلستان باید سفیر خود را از تهران فراخواند و همه دست‌اندرکاران سرکوب و شکنجه را تحریم کند».

شماری از دیپلمات‌های اروپایی می‌گویند اتحادیه اروپا برای نخستین بار توجه کافی برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران دارد. به ویژه آنکه علاوه بر سرکوب مردم ایران مسئله پشتیبانی نظامی از روسیه در جنگ این کشور علیه اوکراین نیز مطرح است. در روزهای اخیر گروهی از ایرانیان ساکن هلند با نخست‌وزیر و وزیر خارجه این کشور دیدار کردند و خواستار نقش‌آفرینی فعال‌تر این کشور در حمایت از مردم ایران شدند. این دو مقام هلند وعده دادند خواست‌های ایرانیان از جمله قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی در اتحادیه اروپا را پیگیری کنند.

پیش از این نیز مقامات ارشد آلمان از جمله آنالبا بربوک وزیر خارجه آلمان قرار دادن سپاه در لیست تروریستی را از نظر سیاسی مهم خواندند.

● قرار گرفتن احتمالی سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی را تشدید خواهد کرد به ویژه آنکه بخش عمده اقتصاد ایران در سلطه سپاه قرار دارد و عمده شرکت‌های تجاری حتا آنها که به ظاهر خصوصی هستند زیر نظر سپاه با عوامل آن فعالیت می‌کنند.

● نمایندگان پارلمان انگلیس با تصویب قطعنامه‌ای از دولت این کشور خواستند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد.

● شماری از دیپلمات‌های اروپایی می‌گویند اتحادیه اروپا برای نخستین بار توجه کافی برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران دارد. به ویژه آنکه علاوه بر سرکوب مردم ایران مسئله پشتیبانی نظامی از روسیه در جنگ این کشور علیه اوکراین نیز مطرح است.

قدرت‌های اروپایی خود را برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی آماده می‌کنند. همزمان ایرانی‌ها پس از برگزاری تظاهرات موفق در برلین که با هدف حمایت از جنبش انقلابی مردم ایران و علیه کل نظام جمهوری اسلامی انجام شد، برای تظاهرات مشابه در روز ۱۶ ژانویه (۲۶ دی‌ماه) در برابر پارلمان اروپا در فرانسه شهر استراسبورگ برنامه‌ریزی کرده‌اند.

قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی درخواست اصلی مردم معترض ایران است. آنها در ماه‌های اخیر بارها علیه سپاه و بسیج شعار دادند از جمله «بسیجی، سپاهی، داعش ما شبایید!»

قرار گرفتن احتمالی سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی توسط اروپا فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی را تشدید خواهد کرد به ویژه آنکه بخش عمده اقتصاد ایران در سلطه سپاه قرار دارد و عمده شرکت‌های تجاری حتا آنها که به ظاهر خصوصی هستند زیر نظر سپاه پاسداران با عوامل آن فعالیت می‌کنند.

در همین ارتباط نمایندگان پارلمان انگلیس پنجشنبه ۱۲ ژانویه (۲۲ دی‌ماه) با تصویب قطعنامه‌ای از دولت این کشور

رافائل گروسی در واتیکان پاپ فرانسیس را توجیه کرد: مذاکرات اتمی با رژیم ایران از هر دو مسیر، آژانس و کشورهای غربی، شکست خورده است!



دیدار گروسی و پاپ در واتیکان

پرداخت و چنین به نظر می‌رسد که وی رهبر کاتولیک‌های جهان را توجیه کرده که چرا مذاکرات اتمی به بن‌بست رسیده است. یکی از موضوعات مطرح شده در این مصاحبه ابراز نگرانی پاپ از بن‌بست در مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی است. در همین ارتباط گروسی گفت: «پاپ درست می‌گوید. بن‌بست وجود دارد، مذاکرات شکست خورده است، جلسات زیادی برگزار شد و به همین دلیل است که آژانس و خودم - نمی‌خواهیم با رها کردن این مسئله خطرناک خلاء سیاسی باقی بماند. دو مسیر موازی برای مذاکره با جمهوری اسلامی وجود داشت: یکی از راه آژانس و دیگری از طریق کشورهای غربی برای احیای برجام. ما نتوانستیم پیشرفت کنیم. اما جمهوری اسلامی همزمان غنی‌سازی اورانیوم و ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته را تشدید کرده. این واقعاً نگران‌کننده است، زیرا اینها گام‌هایی در جهت گسترش سلاح‌های هسته‌ای هستند، در حالی که ما باید از آن اجتناب کنیم.» وی همچنین افزود: «امیدوارم بتوانم به تهران بروم.»

گروسی در ادامه بر امیدواری جهت این سفر به تهران تأکید کرد و گفت: «من همیشه می‌گویم که آژانس محل توافق و فضایی برای مذاکره است. بنابراین من آماده سفر هستم و در صورت امکان، در اسرع وقت سفر را دوباره شروع می‌کنم.» بخش دیگری از گفتگوهای گروسی و پاپ در مورد جنگ روسیه علیه اوکراین بود.

در ارتباط با برنامه اتمی و برجام اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی به اسم مذاکره اتمی به دنبال باج‌خواهی از آژانس و غربی‌ها بود و هست. در عمل، نمایندگان رژیم مذاکره می‌کردند تا برای «توقف غنی‌سازی اورانیوم» کاسبی کنند و به این منظور مرتب تهدید غنی‌سازی بیشتر می‌کردند که معنایی جز تلاش برای ساخت بمب اتمی ندارد! نکته اما اینست که این «تهدید» فقط لفظی نبوده و جمهوری اسلامی همزمان با ادعای «احیای برجام» با زیرپا گذاشت مداوم مفاد آن، تهدید خود را به عمل درآورد! این نسخه‌ایست که از درون نظام برای آن پیچیده شد و در داخل حکومت بر سر آن مناقشه نیز وجود دارد. سعید جلیلی دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی چندی پیش «برجام را خسارت محض» دانسته بود. او یکی از حامیان سرسخت هسته‌ای شدن رژیم اسلامی در ایران است.

● پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان خواسته بود برای جلوگیری از بروز جنگ در منطقه مذاکرات هسته‌ای با رژیم ایران از سر گرفته شود! پس از اعلام این موضع، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در واتیکان با او دیدار و گفتگو کرد.

● گروسی در مصاحبه با «واتیکان مدیا» گفت که در گفتگو با پاپ مطرح کرده است که مذاکرات شکست خورده. به گفته‌ی وی، دو مسیر موازی برای مذاکره با جمهوری اسلامی وجود داشت: یکی از راه آژانس و دیگری از طریق کشورهای غربی برای احیای برجام. ما نتوانستیم پیشرفت کنیم. اما جمهوری اسلامی همزمان غنی‌سازی اورانیوم و ساخت سانتریفیوژهای پیشرفته را تشدید کرده است.

● مدیرکل آژانس بین‌المللی تأکید کرد اقدامات جمهوری اسلامی نگران‌کننده است، زیرا اینها گام‌هایی در جهت گسترش سلاح‌های هسته‌ای هستند.

در شرایطی که مقامات ارشد جمهوری اسلامی ادعا می‌کردند آمریکایی‌ها پشت پرده برای ادامه مذاکرات اتمی پیام می‌فرستند و تحلیلگران حکومتی در مورد مذاکرات مجرمانه بین رژیم ایران و دولت بایدن برای «احیای برجام» حدس و گمان می‌زدند، میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات اتمی وین هشدار داد آمریکایی‌ها سراغ «پلان B» رفته‌اند. پیام اولیانوف به معنای تأیید شکست مذاکرات اتمی بود. البته در تهران کم نیستند مقاماتی که می‌گویند روس‌ها خودشان در مذاکرات کارشکنی کردند.

در این میان، پیشتر وقتی محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی از افزایش ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم در «سطح بی‌سابقه‌ای» خبر داد، پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان نیز نسبت به تهدیدات ناشی از اقدامات هسته‌ای جمهوری اسلامی هشدار داد. همزمان پاپ خواستار توقف اعدام‌ها و پایان دادن به سرکوب مردم ایران توسط ملاحا شد. پاپ در عین حال خواسته بود برای جلوگیری از بروز جنگ در منطقه، مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی از سر گرفته شود! پس از اعلام این مواضع، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پنجشنبه ۱۲ ژانویه (۲۲ دی‌ماه) در واتیکان با پاپ دیدار و گفتگو داشت.

گروسی در مصاحبه با «واتیکان مدیا» به وضعیت برجام

➔ بزرگ و با شهامتی اهدا کنم». الیزابتا آلبرتی کاسلاتی در ادامه گفت «شجاعت یکی از عوامل تعیین‌کننده برای تغییر است و اگر ما در تاریخ شاهد تغییراتی بودیم مدیون شهامت زنانی چون گوهر عشقی هستیم.» وزیر اصلاحات ایتالیا یادآوری کرد که «این زن با برداشتن حجاب از سر از دیگر زنانی که برای حقوق ابتدائی خود مبارزه می‌کنند حمایت کرد.» الیزابتا آلبرتی کاسلاتی افزود «شجاعت گوهر عشقی پیامی است که فراتر از مرزهای ایران می‌رود و صدای تمام مادرانی است که فرزندان آنها جان خود را برای آزادی به خطر می‌اندازند. شجاعت ابزار کسانی است که روزانه جان خود را فدای حقوق اولیه انسان‌ها می‌کنند.»

در این مراسم که آنتونیو تاپانی وزیر خارجه ایتالیا نیز حضور داشت، پیام ویدیویی کوتاهی از گوهر عشقی با زیرنویس ایتالیایی پخش شد.

وزیر خارجه ایتالیا ساعاتی قبل از برگزاری این مراسم، در نشست کمیسیون مشترک سیاست خارجی مجلس نمایندگان و سنا گفته بود «با وجود درخواست ما از جمهوری اسلامی برای پایان دادن به سرکوب خشونت‌بار معترضان، شاهد هیچگونه تغییری در سیاست‌های سرکوبگرانه تهران نیستیم.» وزیر خارجه ایتالیا در این نشست افزود «اتحادیه اروپا سرگرم تبادل نظر در رابطه با تحریم‌های جدید علیه جمهوری اسلامی است و این تحریم‌ها پیامی در محکومیت تداوم سرکوب معترضان در ایران خواهند بود.»

آنتونیو تاپانی در آخرین روزهای ماه دسامبر، محمدرضا صوری سفیر جدید جمهوری اسلامی در رم را زمانی که هنوز استوارنامه خود را تقدیم نکرده بود به وزارت خارجه احضار کرد و گفته می‌شود با لحنی بسیار تند به او گفته «آنچه در ایران می‌گذرد غیرقابل قبول است.» وی خواستار «توقف فوری سرکوب و تعلیق فوری اعدام معترضین» شده است.

روز چهارشنبه محمدرضا صوری در کاخ ریاست جمهوری استوارنامه خود را طبق سنت دیپلماتیک تقدیم جورجو ماتارلا رئیس جمهور ایتالیا کرد. در اقدامی تقریباً بی‌سابقه در جریان این مراسم که نمادین است، سرجو ماتارلا با لحن بسیار تند و قاطع سرکوب اعتراضات در ایران را به شدت محکوم کرد. رئیس جمهور ایتالیا اقدامات حکومت ایران در سرکوب معترضان و صدور احکام اعدام علیه آنان را «اقدامی وحشیانه» خواند. سرجو ماتارلا در دیدار با سفیر جدید جمهوری اسلامی در ایتالیا تأکید کرد نه تنها به عنوان رئیس جمهور ایتالیا اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را محکوم می‌کند، بلکه شخصاً نیز از این سرکوب‌ها و اعدام‌ها به شدت خشمگین است. همزمان با این دیدار در کاخ ریاست جمهوری، جورجو ملونی نخست‌وزیر ایتالیا نیز سرکوب معترضان در ایران از جمله صدور و اجرای احکام اعدام را «غیرقابل قبول و تحمل‌ناپذیر» خواند و خواهان تغییر رویه تهران در برخورد با اعتراضات مردمی شد.

البته محمدرضا صوری پس از دیدار با رئیس جمهور ایتالیا، در یک نشست رسانه‌ای این کشور را متهم به دخالت در امور داخلی جمهوری اسلامی کرد. محمدرضا صوری گفت ایتالیا تلاش دارد ارزش‌های خود را به جمهوری اسلامی تحمیل کند. سفیر جمهوری اسلامی در رم مدعی شد «جمهوری اسلامی به ارزش‌های انسانی احترام می‌گذارد اما ما نمی‌پذیریم که کشورهای دیگر بخواهند فرهنگ خود را تحمیل کنند.» البته وزیر خارجه ایتالیا بلافاصله در پاسخ این اظهارات سفیر جمهوری اسلامی گفت «ما نمی‌توانیم آنچه را در ایران می‌گذرد بپذیریم و سکوت کنیم زیرا حقوق انسان جهانشمول است و نمی‌توان نقض این حقوق را با تفاوت‌های فرهنگی توجیه کرد.»

یک دهه انتظار بی حاصل جمهوری اسلامی برای گرفتن جنگنده‌های سوخو از روسیه



سوخو ۳۵

● شه‌ریار حیدری عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی ادعا کرده جنگنده‌های سوخو ۳۵ که جمهوری اسلامی به روسیه سفارش داده، اوایل سال آینده وارد می‌شود.

● حیدری همچنین گفته است ما به کشور روسیه سفارش‌هایی نظیر سیستم‌های پدافندی، موشکی و همچنین بالگرد را نیز داده‌ایم و اکثر این سلاح‌ها به زودی وارد ایران می‌شوند.

● حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی اسفند سال ۱۳۹۵ گفته بود «تا چند روز دیگر هواپیماهای روسیه سوخو ۳۰ روسیه به ایران تحویل داده می‌شود.» از این ادعا بیشتر از ۶ سال گذشته اما هنوز خبری از تحویل این جنگنده‌ها نشده است.

در شرایطی که با افزایش فشارهای بین‌المللی بر رژیم ایران، دولت‌های اروپایی قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی را بررسی می‌کنند، مقامات تهران چشم‌انتظار تحویل گرفتن جنگنده‌های «سوخو ۳۵» از روسیه هستند.

شه‌ریار حیدری عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی یکشنبه ۲۵ دی‌ماه گفت «جنگنده‌های سوخو ۳۵ که ایران به روسیه سفارش داده، اوایل سال آینده [سال ۱۴۰۲] وارد می‌شود!»

حیدری همچنین گفته است «ما به کشور روسیه سفارش‌هایی نظیر سیستم‌های پدافندی، موشکی و همچنین بالگرد را نیز داده‌ایم و اکثر این سلاح‌ها به زودی وارد ایران می‌شوند.»

در سال‌های اخیر بارها ادعا شد روسیه قرار است به جمهوری اسلامی هواپیماهای راهبردی از جمله «سوخو ۳۰» و هواپیمای ترابری و مسافری «سوخو ۱۰۰» تحویل دهد اما وعده روس‌ها به رژیم ایران عملی نشد. حتا تهیه قطعات و لوازم یدکی سایر هواپیماهای نظامی و ترابری روسی در ایران نیز به سختی تأمین می‌شود.

شه‌ریورماه ۱۴۰۱ حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ادعا کرده بود «نهاجا» خریدار جنگنده‌های سوخو ۳۵ از روسیه است.

مضحکه «شاهزاده قاجار» و جمهوری اسلامی؛ خاندان قاجار از آنها اعلام برائت کرده و همبستگی خود را با مردم ایران اعلام کرده است

● «انجمن قاجار» در اطلاعیه‌ای که منتشر کرده با اشاره به ناشناس بودن این فرد برای این خاندان ضمن تأکید بر اینکه «امروزه خاندان قاجار از هرگونه ادعای حکومت از طریق نسبی و موروثی صرف نظر کرده و هیچگونه فعالیت سیاسی را در زیر نشان سلسله قاجار تأیید نمی‌کند» نوشته است: «ما به عنوان خانواده قاجار در کنار مردم ایران هستیم و در طول تاریخ کشورمان و به ویژه در چنین شرایط سختی، هرآنکسی را که از این موقعیت سوء استفاده کند، چه از طریق هویت‌های نادرست و چه برای منافع شخصی و بزرگنمایی، طرد می‌کنیم.»

● نکته قابل توجه اینکه جمهوری اسلامی در طول چهار دهه حکومت از نظر ساختار شرعی و سیاسی، ایران را به بدتر از دوران قاجار برگردانده است!

اخیراً فردی خود را به عنوان عضوی از خانواده سلطنتی قاجار مطرح کرده و عکس‌ها و گزارش‌هایی از او اینور و آنور منتشر شده است. با اینکه ادعای این فرد درباره فعالیت سیاسی و ادعای تداوم خاندان قاجار بیشتر با خنده و مزاح در فضای مجازی روبرو شده است با اینهمه «انجمن قاجار» مستقر در ژنو خود را موظف دیده تا وابستگی وی را به این خاندان تکذیب و هرگونه فعالیت و ادعای سیاسی از سوی اعضای این خاندان را قویا رد نماید.

این انجمن در اطلاعیه‌ای که منتشر کرده با اشاره به ناشناس بودن این فرد برای این خاندان ضمن تأکید بر اینکه «امروزه خاندان قاجار از هرگونه ادعای حکومت از طریق نسبی و موروثی صرف نظر کرده و هیچگونه فعالیت سیاسی را در زیر نشان سلسله قاجار تأیید نمی‌کند» نوشته است: «ما به عنوان خانواده قاجار در کنار مردم ایران هستیم و در طول تاریخ کشورمان و به ویژه در چنین شرایط سختی، هرآنکسی را که از این موقعیت سوء استفاده کند، چه از طریق هویت‌های نادرست و چه برای منافع شخصی و بزرگنمایی، طرد می‌کنیم.»

«انجمن قاجار» همچنین مسئولیت رسانه‌ها را به آنها گوشزد کرده و نوشته است: «از رسانه‌هایی که تصاویر یا فیلم‌های بابک پیت‌ر را منتشر می‌کنند خواستاریم که زین پس بنا به این اعلامیه رسمی خاندان، برای خوانندگان خود توضیح دهند که اعای بابک پیت‌ر، مبنی بر نمایندگی از طرف خاندان قاجار تقلبی و بی‌اساس است و به هیچ وجه مورد تأیید اعضای خاندان نیست.»

نکته قابل توجه اینکه جمهوری اسلامی در طول چهار دهه حکومت از نظر ساختار شرعی و سیاسی، ایران را به بدتر از دوران قاجار برگردانده است!

اخیراً شبکه «پرس تی‌وی» وابسته به رژیم ایران ویدئویی در تأیید خریداری این نوع جنگنده از روسیه توسط جمهوری اسلامی پخش کرد.

اینهمه در حالیکه که حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی اسفند سال ۱۳۹۵ گفته بود «تا چند روز دیگر هواپیماهای روسیه سوخو ۳۰ روسیه به ایران تحویل داده می‌شود.» از این ادعا بیشتر از ۶ سال گذشته اما هنوز خبری از تحویل این جنگنده‌ها نشده است.

محسن جلیوند استاد روابط بین‌الملل در تهران به وبسایت «دیپلماسی ایرانی» می‌گوید بسیار بعید است که مسکو اقدامی در خصوص فروش جنگنده سوخو ۳۵ به ایران کند. با وجود این، تحلیلگران و رسانه‌های حکومتی نزدیک به سپاه پاسداران از جمله فارس و تسنیم با خبر تحویل یک اسکاداران سوخو روسی به جمهوری اسلامی برای غربی‌ها رجزخوانی می‌کنند!

مقامات نظامی جمهوری اسلامی یک دهه است مدام تکرار می‌کنند «خرید سوخو منتفی نیست!» و چند نفر از عوامل ارشد نظام مثل اکبر ولایتی مشاور علی خامنه‌ای در امور بین‌الملل هم مدعی شد که مسکو حاضر است «سوخو ۳۰» به ایران بدهد. این ادعاها اما در حالیکه که خیلی پیشتر در سال ۱۳۹۵ اسدالله عسگراولادی رئیس وقت اتاق بازرگانی ایران و روسیه به صراحت گفته بود «ما حاضر شدیم طیاره‌های سوخو را از روس‌ها بخریم. اما به ما نفروختند و بهانه گرفتند. ما واقعاً می‌خواستیم بخریم، اما به ما ندادند!»

از سوی دیگر، وبسایت «اورسیا تایمز» گزارش داده ۲۴ فروند سوخو ۳۵ روسی برای فروش به مصر تولید شد اما این قرارداد ۲ میلیارد دلاری در نهایت بهم خورد و روسیه به دنبال فروش آنها به مشتری دیگریست و از آنجا که جمهوری اسلامی با ارسال پهنادهای انتحاری به روسیه برای جنگ در اوکراین همکاری دارد، ایالات متحده نگران دست یافتن رژیم ایران به این جنگنده‌هاست.

برخی تحلیلگران نیز می‌گویند هندوستان از مشتریان جنگنده‌های سوخو بود اما اصلاً از خدمات روس‌ها پس از فروش این هواپیماها راضی نیست.

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: نباید «باتوم» را کنار گذاشت! وضعیت اضطرابیست و چاره‌ای نیست!



رزمایش اعضای سپاه «محمد رسول‌الله» تهران بزرگ برای مقابله با اعتراضات

حسن رشوند فعال سیاسی حزب‌اللهی و دبیر گروه سیاسی روزنامه «همشهری» در یادداشتی با عنوان «اولویت در دوگانه تبیین و باتوم» در روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۲۴ دی‌ماه) به «تبیین» و تفسیر این حرف خامنه‌ای پرداخته و نوشته است: نباید «باتوم» را به بهانه «تبیین» کنار گذاشت و «باتوم» برای برقراری امنیت راهگشاست!

وی در این یادداشت مثلاً خواسته است سخنان علی خامنه‌ای را چنان «تبیین» کند که «به‌درستی فهم شود» و از همین رو توضیح داده هرچند اولویت با تبیین است و اساس عمل باید تبیین باشد، ولی نمی‌توان و نباید باتوم را به عنوان یک ابزار منفی برای همیشه از دستور کار خارج کرد. در این دوگانه نباید فراموش کرد که «تبیین» اساس است و «باتوم» اضطراب. تبیین «حل کردن» است و «باتوم» جمع کردن. تبیین «چاره کار» است و «باتوم» در نبودن چاره. تبیین «قاعد» است و باتوم «استثنا». نتیجه تبیین «بلندمدت» است و نتیجه باتوم «کوتاه‌مدت»!

در اواسط آبان‌ماه حسین شریعتمداری مدیرمسئول روزنامه بدنام کیهان تهران نیز نیروهای امنیتی را متهم به «مماشات» کرده و پرسیده بود چرا از «گلوله‌های جنگی» علیه معترضان استفاده نمی‌شود!

به نظر می‌رسد درون نظام در مورد تفسیر آنچه علی خامنه‌ای می‌گوید نیز اختلاف افتاده آهم در حالی که «تناقض‌گویی» و مواضع دوهپلو داشت عادت رهبر جمهوری اسلامی است تا هر بار بتواند از خود سلب مسئولیت کرده و ادعا کند که منظورش این بوده و آن نبوده است!

در این میان، مهدی رسولی از مداحان حکومتی با اعتراف «به جان همدیگر» افتادن وابستگان رژیم، در مورد «تفسیر و فهم اشتباه» مواضع علی خامنه‌ای و جدال‌های درونی هشدار داده و می‌گوید «یک جمله از ایشان را برمی‌داریم و مابقی صحبت‌های ایشان یعنی صدر و ذیل یا صغری و کبری ایشان یا منطق بیانشان را کنار می‌گذاریم و با همان بیان به جان همدیگر می‌افتادیم و یکدیگر را تکفیر می‌کنیم».

● حسن رشوند فعال سیاسی حزب‌اللهی و دبیر گروه سیاسی روزنامه «همشهری» در یادداشتی با عنوان «اولویت در دوگانه تبیین و باتوم» در روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۲۴ دی‌ماه) به «تبیین» و تفسیر حرف خامنه‌ای پرداخته و نوشته است: نباید «باتوم» را به بهانه «تبیین» کنار گذاشت و «باتوم» برای برقراری امنیت راهگشاست!

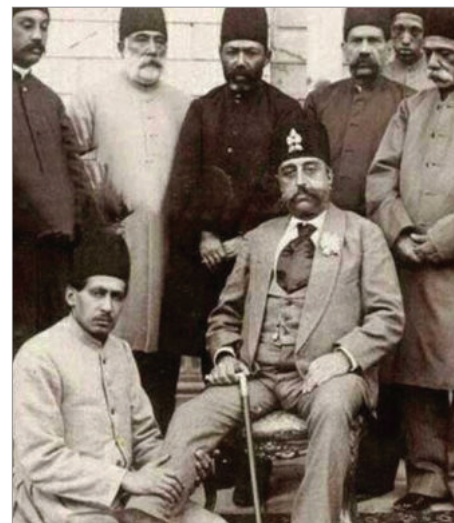
● در این یادداشت آمده می‌توان و نباید باتوم را به عنوان یک ابزار منفی برای همیشه از دستور کار خارج کرد. در این دوگانه نباید فراموش کرد که «تبیین» اساس است و «باتوم» اضطراب. تبیین «حل کردن» است و «باتوم» جمع کردن. تبیین «چاره کار» است و «باتوم» در نبودن چاره. تبیین «قاعد» است و باتوم «استثنا». نتیجه تبیین «بلندمدت» است و نتیجه باتوم «کوتاه‌مدت».

● مهدی رسولی از مداحان حکومتی با اعتراف «به جان همدیگر» افتادن وابستگان رژیم، در مورد «تفسیر و فهم اشتباه» مواضع علی خامنه‌ای و جدال‌های درونی هشدار داده و می‌گوید «یک جمله از ایشان را برمی‌داریم و مابقی صحبت‌های ایشان یعنی صدر و ذیل یا صغری و کبری ایشان یا منطق بیانشان را کنار می‌گذاریم و با همان بیان به جان همدیگر می‌افتادیم و یکدیگر را تکفیر می‌کنیم».

چهار ماه پس از آغاز خیزش ملی در ایران در شرایطی که آمار جانباختگان به بیش از ۵۵۰ نفر رسیده و هزاران نفر زخمی و مصدوم و دستگیر شده‌اند و شماری به اعدام محکوم شده و تعدادی دیگر از جوانان اعدام شده‌اند، یک فعال سیاسی اصولگرا نزدیک به نیروهای حزب‌اللهی در دفاع از سرکوب مردم بر ضرورت استفاده از «باتوم» و لزوم به کار گرفتن زور توسط «قوه قهریه» در مقابل «آشوبگران» پرداخته است. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در سخنرانی روز ۱۹ دی‌ماه گفته بود «در رأس نقشه‌های بدخواهان، تبلیغات و پروپاگاندا است که علاج آن، تبیین است چرا که راه برطرف کردن وسوسه تبلیغاتی اثرگذار بر ذهن جوان و نوجوان باتوم نیست بلکه تبیین و روشنگری است.»

متن کامل بیانیه «انجمن قاجار» به شرح زیر است: «انجمن قاجار به نمایندگی از طرف فرزندان خاندان سلطنتی قاجار انجمنی ثبت شده است با اعضای از تبار سلطنتی قاجار که دارای سوابق شناخته شده و شجره‌نامه تایید شده باشند. بنابراین ادعای کسانی را که اعلام کنند متعلق به این خانواده یا میراث سلسله‌ای آن هستند و فاقد اعتبار شجره‌نامه باشند را به رسمیت نمی‌شناسد.

انجمن قاجار مطلع است که چنین ادعایی توسط آقایی به نام بابک پیتز پدر مطرح شده است. همچنین انجمن مطلع شده است که این شخص مدعی وراثت تاج و تخت خاندان سلطنتی قاجار است و قصد دارد تحت این عنوان خیالی و بی‌اساس فعالیت‌های سیاسی انجام دهد.



بابک پیتز پدر چون برای انجمن خاندان قاجار شخصی ناشناخته است و اعضای خاندان و انجمن خانواده قاجار از طریق مطبوعات در جریان موجودیت ایشان و ادعای ایشان قرار گرفته‌اند، بنابراین انجمن خاندان قاجار ادعای مبنی بر نمایندگی ایشان را نه تأیید می‌کند و نه در این تصمیم بابک پیتز پدر نقشی دارد. علاوه بر این، ما هرگونه اظهاراتی را که او در مورد نسبت خود به عنوان وارث تخت پادشاهی این خاندان ادعا کرده است را رد می‌کنیم.

همچنین اعلام می‌کنیم که امروزه خاندان قاجار از هرگونه ادعای حکومت از طریق نسبی و موروثی صرف نظر کرده و هیچگونه فعالیت سیاسی را در زیر نشان سلسله قاجار تأیید نمی‌کند.

ما به عنوان خانواده قاجار در کنار مردم ایران هستیم و در طول تاریخ کشورمان و به ویژه در چنین شرایط سختی، هراُنکسی را که از این موقعیت سوء استفاده کند، چه از طریق هویت‌های نادرست و چه برای منافع شخصی و بزرگنمایی، طرد می‌کنیم.

از رسانه‌هایی که تصاویر یا فیلم‌های بابک پیتز پدر را منتشر می‌کنند خواستاریم که زین پس بنا به این اعلامیه رسمی خاندان، برای خوانندگان خود توضیح دهند که اعای بابک پیتز پدر، مبنی بر نمایندگی از طرف خاندان قاجار تقلبی و بی‌اساس است و به هیچ وجه مورد تأیید اعضای خاندان نیست. انجمن قاجار یک انجمن غیرسیاسی است که مأموریت آن حفظ پیوندهای خانوادگی قاجارها و ترویج میراث فرهنگی قاجار می‌باشد.

رئیس انجمن بین‌المللی خاندان قاجار

نیسیا یکتا - شمس، ملک‌آرا قاجار

ژنو / سویس به تاریخ ۱۳ ژانویه ۲۰۲۳ مطابق با ۲۳ دی‌ماه ۱۴۰۱ شمسی»

بحران انرژی و «زمستان سخت» در ایران؛ تجمع اعتراضی مردم تربت جام مقابل فرمانداری



وارد ایران خواهد شد.

از روزهای گذشته با ورود سامانه هوای سرد به کشور، کاهش دما و سرمای شدید بیشتر نقاط ایران را فرا گرفته بطوری که هم‌اکنون دمای هوا در بیش از ۴۶۰ شهر در ۲۷ استان کشور زیر صفر و در بعضی شهرستان‌ها تا منفی ۲۸ درجه نیز رسیده است.

جواد اوجی وزیر نفت روز شنبه ۲۴ دی ماه از اُفت فشار گاز در استان‌های خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، گلستان و سمنان خبر داده و گفته بود «انشاءالله بتوانیم این روزهای سرد را سپری کنیم!»

این در حالیکه ادارات و سازمان‌ها در بسیاری از شهرها تعطیل شده‌اند و کلاس درس دانشگاه‌ها و مدارس نیز آنلاین شده است. مقامات حکومت طبق معمول مسئولیت بحران ناشی از تباهاکاری خود را بر دوش مردم انداخته و می‌گویند باید در مصرف گاز صرفه‌جویی کنند؛ البته آنها فقط توصیه می‌کنند بلکه گاز اکثر شهرک‌های صنعتی، استخرها، مراکز آموزشی، ادارات و سازمان‌ها قطع شده و حتی در بسیاری از محلات و مناطق کشور نیز گاز

بخش خانگی با قطع و کاهش فشار روبروست.

سرما اما به این توصیه و ترفندهای مقامات جمهوری اسلامی بی‌اعتناست. هرچند قرار بود در نقاطی که شبکه سراسری گاز قادر به تأمین گاز مورد نیاز بخش خانگی نیست، کپسول گاز و نفت توزیع شود اما حتی همین اقدام هم از مسئولان مربوطه بر نیامده و در برخی شهرها و روستاها شهروندان بدون هیچ وسیله گرم‌کننده‌ای در برف و سرما گرفتار مانده‌اند.

کمبود گاز در سرمای شدید سبب تجمع اعتراضی شهروندان تربت جام مقابل فرمانداری شده است. بر اساس ویدئوهای منتشر شده صدها نفر در مقابل فرمانداری این

● دمای هوا در بیش از ۴۶۰ شهر در ۲۷ استان کشور زیر صفر و در بعضی شهرستان‌ها تا منفی ۲۸ درجه نیز رسیده است.

● قرار بود در نقاطی که شبکه سراسری گاز قادر به تأمین گاز مورد نیاز بخش خانگی نیست، کپسول گاز و نفت توزیع شود اما حتی همین اقدام هم از مسئولان مربوطه بر نیامده است!

● کمبود گاز در سرمای شدید سبب تجمع اعتراضی شهروندان تربت جام مقابل فرمانداری شده و صدها نفر در مقابل فرمانداری این شهرستان دست به اعتراض زدند.

● دولت حتی در اطلاع‌رسانی و مدیریت بخشنامه‌ها برای تعطیلی مدارس و ادارات و بانک‌ها نیز بی‌نظمی و آشفتگی روبروست.

● بخش زیادی از گاز ایران در مرحله استخراج از بین می‌رود و بخش زیادی نیز در چرخه توزیع؛ اگر دولت تجهیزات و پالایشگاه‌ها را به‌روزرسانی می‌کرد بخشی از مشکلات تأمین گاز حل می‌شد.

با وجود سرما و یخبندان شدید در ایران برای چندمین روز پیاپی مردم در بسیاری از مناطق کشور با کاهش فشار یا قطع گاز روبرو هستند؛ نفت و کپسول گاز هم توزیع نمی‌شود.

در شرایطی که جمهوری اسلامی نتوانسته گاز مورد نیاز کشور را تأمین و توزیع کند، موج سرما و برف و بوران نیز کشور را فرا گرفته است. کاهش دما در حالی که شهروندان با قطع و اُفت شدید فشار گاز روبرو هستند زندگی را در بسیاری مناطق مختل کرده است. به گفته محمد اصغری کارشناس هواشناسی، توده جدید هوای سرد که با کاهش دما و بارندگی گسترده همراه است از سه‌شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۱

شهرستان تجمع کرده و اعتراض می‌کنند.

یکی از شهروندان خطاب به حسین جمشیدی فرماندار و دیگر مسئولان می‌گوید «اگر بچه سه روز بمیره ما چکار کنیم زن و بچه خودتون چکار می‌کنن؟» و فرماندار در پاسخی وقیحانه رو به جمعیت معترض و مستأصل می‌گوید: «صلوات بفرستید!» که البته کسی جز خود و اطرافیانش با آنها همراهی نمی‌کند!

مردم تربت جام چندین روز است که با بحران سرما و نبود گاز روبرو هستند. جلیل رحیمی جهان‌آبادی نماینده تربت جام در مجلس شورای اسلامی روز گذشته با انتقاد از عملکرد نهادهای دولتی گفته بود: «ستاد بحرانی که نتواند بحران را پیش‌بینی کند خودش یک بحران است!»

قابل توجه اینکه دولت حتی در اطلاع‌رسانی و مدیریت بخشنامه‌ها برای تعطیلی مدارس و ادارات و بانک‌ها نیز بی‌نظمی و آشفتگی روبروست. برای نمونه در حالی که قرار بود ادارات استان تهران تعطیل باشند، برخی کارمندان سر کار حاضر نشدند اما اداره مورد نظر باز بوده و برای کارمندان غیبت رد شده است!

در این میان، نیروگاه‌های تولید برق به دلیل قطع گاز، برای تولید اقدام به سوزاندن مازوت می‌کنند اما در هر حال میزان برق تولید شده کاهش یافته و در نتیجه در کنار قطع گاز، مردم در برخی ساعات با قطع برق هم روبرو هستند. فلاکتی که این روزها زندگی شهروندان ایران را در بر گرفته از چند سال پیش آغاز شده است. در تولید و مصرف گاز «ناترازی» وجود دارد که سبب قطع گسترده برق در بهار و تابستان و اُفت فشار و قطع گاز بخش صنعت و خانگی در پاییز و زمستان می‌شود و البته سوخت مازوت نیز هوای شهرهای مختلف را با آلودگی دو چندان روبرو می‌کند.

یکی از مشکلاتی که کارشناسان در زمینه تأمین و

پارلمان اروپا قطعنامه قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی را تصویب کرد



رزمایش امنیتی سپاه و بسیج

حقوق بشری از جمله بیانیه دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل» در مورد وضعیت حقوق انسانی در ایران و با توجه به دلایلی که باعث تحریم‌های شدید دولت‌های غربی علیه جمهوری اسلامی و مقامات سرکوبگر شده بود صادر شد که از موارد مشخص آن اعدام معترضان بازداشتی و سرکوب‌های وحشیانه و شکنجه و تجاوز علیه مردم است. در این قطعنامه آمده پس از قتل مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» اقشار مختلف مردم اعم از دانشجویان و دانش‌آموزان و زنان دست به اعتراض مسالمت‌آمیز زدند اما با واکنش نیروهای سرکوبگر رژیم مواجه شدند. پارلمان اروپا در قطعنامه خود تأکید کرده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شامل (شبه‌نظامیان بسیج و نیروهای برون‌مرزی سپاه قدس و نیروی هوافضا و نیروی دریایی سپاه) نقش محوری در سرکوب مخالفان داخلی و فعالان سیاسی خارج از ایران دارند و این در حالیست که دو سوم اقتصاد ایران تحت سلطه این نهاد نظامی است. همچنین در این قطعنامه آمده سپاه پاسداران با روسیه در تجاوز به اوکراین همکاری کرده است. نمایندگان پارلمان اروپا به تقضیل دلایل خود را برای شناسایی سپاه به عنوان سازمان تروریستی اعلام کردند که یکی از آنها بهم زدن صلح و ثبات منطقه توسط سپاه و شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران است.

در قطعنامه پارلمان اروپا از کشورهای عضو اتحادیه خواسته شد صدور ویزا و رسیدگی به درخواست پناهندگی افرادی که به خاطر اعتراضات مجبور به ترک ایران شده‌اند تسهیل شود.

همچنین نمایندگان پارلمان اروپا تأکید کردند سرویس اقدام خارجی اروپا (EEAS) باید با کشورهای همسایه ایران تماس بگیرد که گذرگاه‌های مرزی را برای فعالان سیاسی باز بگذارند تا آت‌های که مجبور به ترک ایران شده و می‌شوند بدانند با خیال راحت می‌توانند در کشورهای اروپایی تقاضای پناهندگی کنند.

هرچند قطعنامه پارلمان اروپا الزام‌آور نیست اما به اعتقاد تحلیلگران فشارها علیه جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی افزایش خواهد داد.

● قطعنامه صادر شده دو محور اصلی دارد: ۱) سپاه به لیست سازمان‌های تروریستی اضافه و تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی گسترده‌تر شود و ۲) از معترضان در ایران باید حمایت شود. همچنین نمایندگان پارلمان اروپا خواستار توقف اعدام‌ها در ایران شده‌اند.

● پارلمان اروپا در قطعنامه خود تأکید کرده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شامل (شبه‌نظامیان بسیج و نیروهای برون‌مرزی سپاه قدس و نیروی هوافضا و نیروی دریایی سپاه) نقش محوری در سرکوب مخالفان داخلی و فعالان سیاسی خارج از ایران دارند و این در حالیست که دو سوم اقتصاد ایران تحت سلطه این نهاد نظامی است.

● در قطعنامه پارلمان اروپا از کشورهای عضو اتحادیه خواسته شد صدور ویزا و رسیدگی به درخواست پناهندگی افرادی که به خاطر اعتراضات مجبور به ترک ایران شدند تسهیل شود.

● نمایندگان پارلمان اروپا تأکید کردند سرویس اقدام خارجی اروپا (EEAS) باید با کشورهای همسایه ایران تماس بگیرد که گذرگاه‌های مرزی را برای فعالان سیاسی باز بگذارند تا آت‌های که مجبور به ترک ایران شده و می‌شوند بدانند که با خیال راحت می‌توانند در کشورهای اروپایی تقاضای پناهندگی کنند.

پارلمان اروپا روز پنجشنبه ۱۹ ژانویه (۲۹ دی‌ماه) با اکثریت آراء قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی را تصویب کرد.

این برای نخستین‌بار است که یک نهاد نظامی وابسته به یک دولت به دلیل سرکوب و کشتار مردم آن کشور و همکاری با یک دولت خارجی برای تجاوز به خاک یک کشور مستقل در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار می‌گیرد. قطعنامه صادر شده دو محور اصلی دارد:

۱) سپاه به لیست سازمان‌های تروریستی اضافه و تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی گسترده‌تر شود
۲) از معترضان در ایران باید حمایت شود. همچنین نمایندگان پارلمان اروپا خواستار توقف اعدام‌ها در ایران شده‌اند. قطعنامه پارلمان اروپا با استناد به گزارش‌های نهادهای

توزیع انرژی در ایران به آن اشاره دارند، عدم سرمایه‌گذاری در این بخش است. دولت سال‌هاست نفت خام می‌فروشد اما در ساختار فاسد و رانتی، منابع حاصل از فروش نفت خام بجای اینکه صرف توسعه زیرساخت‌ها شود، صرف هزینه جاری کشور و توزیع پول بین رانتخواران می‌شود. بخش زیادی از گاز ایران در مرحله استخراج از بین می‌رود و بخش زیادی نیز در چرخه توزیع؛ اگر دولت تجهیزات و پالایشگاه‌ها را به‌روزرسانی می‌کرد بخشی از مشکلات تأمین گاز حل می‌شد.

در همین رابطه رضا پدیدار کارشناس حوزه انرژی در گفتگو با روزنامه «اعتماد» گفته «در حالی که کشور برای جبران ناترازی تولید و مصرف نیازمند سرمایه‌گذاری است. چندی پیش وزیر نفت اعلام کرده بود برای اینکه ناترازی را جبران کنیم و به تعادل در مصرف و تولید برسیم باید ۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی صورت بگیرد. اما در کنار سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی نیازمند کاهش شدت مصرف انرژی و بهینه‌سازی مصرف است. براساس گزارش‌های بین‌المللی درحال حاضر میانگین شدت انرژی در ایران ۵.۷ برابر میانگین جهانی است.»

علی شمس اردکانی اقتصاددان معتقد است که «در تمام ۳۰ سال گذشته مجلسیان و مسوولان حوزه انرژی نتوانسته درست و در راستای منافع واقعی مردم ایران عمل کنند. دومین مشکل این است که هر آنچه از نفت و گاز فروختیم، تبدیل به اسکناس کردیم و خوردیم. کمتر سرمایه‌گذاری مولدی در اقتصاد صورت گرفت. در واقع ما درآمدها را خرج نکردیم، «برج» کردیم. ما یک مرغ تخم طلا به نام نفت و گاز داریم ولی روی این مرغ سرمایه‌گذاری نکردیم، بلکه روی کلاغ (یعنی امور بی‌ارتباط با توسعه) سرمایه‌گذاری کردیم، چون افراد سفیه ارتباط نزدیکی با اقتصاد و مدیریت ما برقرار کردند.»

او افزوده «ما سرمایه‌های مان را به افرادی دادیم که منابع را اشتباه خرج کردند و می‌کنند. منابع را حیف و میل می‌کنند. بر همین اساس نه سرمایه‌گذاری صورت گرفته و نه مدیریتی در مصرف رخ داده است. ما امروز به اندازه اروپای غربی گاز مصرف می‌کنیم. برخی افراد و جریانات این روزها اعلام می‌کنند، وای به حال اروپا که قرار است در زمستان سرد گرفتار شود، اما کمبود گاز باعث شده تا ما دچار مشکل شویم و مدام از احتمال قطع گاز صحبت شود. راه درست این است که ما باید به سمت ارتباط با دنیا برویم. باید FATA را بپذیریم تا بتوانیم مبادلات انجام دهیم. همان‌طور که باید بپذیریم در بحث قیمت‌گذاری انرژی به قیمت نقطه‌ای و قیمت منطقه‌ای توجه داشته باشیم. این دو نقطه با هم مرتبط است.»

در این میان، جمهوری اسلامی در حالی به بهانه استفاده از انرژی هسته‌ای سال‌هاست مردم ایران را با تحریم‌های بین‌المللی و انزوای جهانی روبرو کرده و کشور را به فلاکت اقتصادی نشانده که علی شمس اردکانی نیز مانند بسیاری از کارشناسان اقتصادی و همچنین محیط زیست و انرژی معتقد است «ایران نیاز به سوخت جایگزین ندارد؛ فقط کافی است از انرژی خورشیدی بهره درستی گرفته شود و برق تولید شود. ایران یکی از بهترین نقاط روی زمین برای انرژی‌های جایگزین است که می‌تواند به راحتی برق خورشیدی تولید کند. تولید برق خورشیدی در منطقه هزار و ۲۰۰ متر بالاتر از سطح دریا مطلوب است. مثلاً در دامنه‌های البرز ما می‌توانیم پنل خورشیدی بزنیم و در تابستان که در اوج گرماست برق تولید کنیم. ما در سواحل مکران می‌توانیم پنل خورشیدی بزنیم. ما با ایجاد پنل‌های خورشیدی در کشور می‌توانیم هزار مگاوات برق تولید کنیم، در حالی که الان کل تولید نیروگاه‌های حرارتی ۶۰ هزار مگاوات است.»



عکس هفته | تظاهرات بزرگ ایرانیان در استراسبورگ روز ۱۶ ژانویه ۲۰۲۳ / پارلمان اروپا پنجشنبه ۱۹ ژانویه
با اکثریت آراء قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی را تصویب کرد